بیمن توفیق خالق دو جہان رنگین فرمای گل و ریحان

P. G.

نسخہ ہذا مؤلفہ رای مکھن لعل جیو الموسوم بہ

تاریخ یادگار مکھن لعل

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد للہ رب العالمین و تحیات برگزیدہ مخبر الصادقین بعدہ ہیچمدان لکھن لعل شاہجہان پوری بموجب حکم محکم صاحب جلیل المناقب غریب پرور عدالت گستر عالم با عمل کہ علم قول و فعلش تساوی الحرکات است و طبع صفا پیمایش چوں عقل اول مصروف اعتدال قوام امزجہ خواص و عام منتظم الدولہ چارلس مٹکاف صاحب بہادر دام اقبالہ و عم نوالہ احوال بلدہ فرخندہ بنیاد حیدرآباد مشتمل بر دوازدہ فصل بقید قلم آورد **فصل اول** مشتمل بر کیفیت اولاد و احفاد میر قمر الدین خاں مخاطب بآصف جاہ چین قلیچ خان حاکم بلدہ مذکور **فصل دوم** مشعر کیفیت امرای کیفیت ریاست آصفیہ از فرقہ اہل اسلام۔ **فصل سوم** در احوال فرقہ ہنود بلند گروہ ریاست مسطور **فصل چہارم** در کیفیت زمینداران علاقہ فرخندہ بنیاد و شرح نظامت ایلچپور و کیفیت منصبداران و آسامی جاگیرداران نقدی بقید ٹپہ آنہا **فصل پنجم** در تفصیل تعلقہ جات **فصل ششم** در کیفیت قلعہ جات **فصل ہفتم** در شرح جاگیرداران ذات و جمعیت۔ **فصل ہشتم** در القاب و خطاب مسلمین و ہنود کہ در عہد غفرانمآب و رئیس حال ملقب شدند **فصل نہم** گوشوارہ جمعیت سپاہ و مداخل و مخارج ملک **فصل دہم** در کوایف افغانان ہدوی و عرب وغیرہ **فصل یازدہم** در بعض مراتب ضروری التحریر **فصل دوازدہم** در خصائل و ردیہ اہل بلدہ مذکور **نظم**

حسب ایمائے صاحب متکف — من مفصل نوشتم این اجمال

ہمتے صرف کردہ ام ورنہ — یک بیک اجتماع بود محال

سال تاریخ بر زمین سخن　　شده نازل ز آسمان خیال

سنه ۱۱۹۶

مشعل ماه را بکف دست　　نسخهٔ یادگار رنگین لعل

فصل اول درذکر اولاد آصف جاه مرحوم سلسلهٔ خاندان میر قمر الدین خان مخاطب
به آصف جاه بدین منوال است که جد مادرش سعد الله خان وزیر اعظم صاحب قران
شاهجهان وجد پدری او میر عابد خان سمرقندی بدله بخاری بن میر اسمٰعیل ملک العلما بخاری
از احفاد شیخ شهاب الدین سهروردی که عهد شاهجهان بادشاه وارد شاه جهان آباد شده
روانه حج بیت الله شده بعد اورنگ آرائی شاهزاده محمد قمر الدین اورنگ زیب از بیت الله آمده
بتدریج بمنصب پنجهزاری عزت امتیاز یافته بخدمت صدارت کل مامور بود. در محاصره قلعه
گولکنده در سنه ۱۰۹۸ یکهزار و نود و هشت هجری بزخم گوله گوئی جان فشانی بود محمد امین خان اعتماد
الدوله پسر خواجه بهاؤ الدین قاضی که برادر زاده نواب عابد خان میشود مشار الیه مذکور مع قمر الدینخان
در سلطنت بادشاه موصوف وارد گردیده بجاگیر و جمعیت مفتخر بوده در عهد محمد فرخ سیر بخشی
گری دوم باستقلال داشت و آخر به پایه وزارت قدم نهاد الابعد خلعت وزارت اجل فرصت
نداد در ایام معدود درگذشت خلف عابد خان میر شهاب الدین رفته بمنصب هفت هزاری
باضافه فقره فرزند ارجمند بخطاب غازی الدین خان فیروز جنگ و صوبه داری گجرات وغیره بعد گوله خوردن
[illegible] جمعیت علم مباهات برافراخت و در سنه ۱۱۲۲ یکهزار و یکصد و بست و دو هجری
ازین جهان کوس رحلت فرو کوفت خلف او میر قمر الدین خان که سال ولادتش نیکبخت هویدا
است بخطاب چین قلیچ خان ومنصب پنجهزاری سربلندی و بعد در خطاب خان دوران و
صوبه داری اوده عز امتیاز یافت در اول سال جلوس محمد فرخ سیر بادشاه بخطاب
نظام الملک وحکومت سنبهل مراد آباد مامور شده بعد از آن بصوبه داری مالوه سر برافراخت
سید حسین علیخان وزیر از اختلاف مذاهب تغیری نظام الملک وطلب او بحضور تجویز داشت
نظام الملک قصد تسخیر دکن پیش نهاد همت کرده سنه ۱۱۳۲ یکهزار و یکصد و سی و دو هجری

از مالوه متوجه دکن شد و بلده برهانپور از انور خان و قلعه آسیر از طالب خان بصلح و موافقت
تدابیر بدست آورد و ششم شوال همین سال با سید عالم علیخان برادرزاده حسین علیخان
مرحوم وزیر که به صوبه داری اورنگ آباد مامور بود محاربه افتاد بعد کشته شدن عالم علیخان
بر قلعه دولت آباد و صوبه اورنگ آباد قابض و متصرف گردید. نظام الملک در سنه ۱۱۳۴ھ یکهزار
و یکصد و سی و چهار هجری از دکن بشاهجهان آباد رسید پنجم جمادی الاول بخلعت وزارت و
خطاب آصفجاه مخلع گردید و ضمیمه وزارت و ایالت دکن بصوبه داری گجرات و مالوه حکم ماموری بر
افراخت حامد خان عم خود را نایب نظامت گجرات کرده به مالوه شتافت و نیابت مالوه به
عظیم الله خان پسر عابد خان تفویض نمود همان سال بشاهجهان آباد رسیده بجلدوی حسن کاروانی
مامور الطاف خسروانی شده بدکن مراجعت کرد و در سنه ۱۱۶۶ھ یکهزار و یکصد و شصت و شش
هجری بحضور صوبه داری صوبه اکبرآباد و مالوه تفویض یافت نهم ذیحجه سنه ۱۱۵۲ھ یکهزار و یکصد
و پنجاه و دو هجری نادرشاه وارد شاه جهان آباد گشت آصف جاه در سنه ۱۱۵۳ھ یکهزار و یکصد
و پنجاه و سه هجری غازی الدینخان پسر کلان خود را بعهده وکیل مطلق و بخشی گری کل فوج
و نظامت خود بحضور محمد شاه گذاشته خود بدکن آمد میر احمد خان ناصر جنگ پسر
دوم که بنیابت پدر در دکن بود انحراف ورزید و در سنه ۱۱۵۴ھ در سواد غرب رویه اورنگ آباد
جنگ واقع شده زنده دستگیر شد چند روز ترک لباس نمود آصف جاه بمقتضای ترحم
پسر را پیش خود طلبیده هر روز در دربار بار داده آئین تربیت و آگاهی امور ریاست منظور
میداشت و سنه ۱۱۶۱ھ در سواد برهان پور آصفجاه ودیعت حیات سپرد و قبل از دو ساعت میر
احمد خان ناصر جنگ را روبرو نشانیده هفت نصایح ارشاد نمود اول برئیس دکن لازم است
که هرگاه سلامتی نفس ذاتی از جنگ و جدل و افزایش و آبادی ملک خود خواسته باشد
باید که با مرهٹه که زمیندار این ملک اند آشتی دارد تا مقدور سررشته آشتی را برهم نه زند و در
صورت لاچاری ناچار است دوم در انهدام بنی آدم که بنیاد ساخته رب العالمین است تامل بکار
برد مثل خوشه گندم و جو از نیست که هر سال از کشتکار روید لگر قوم رابقا صنی که متحمل او امر خطیر

است تفویض نماید که او موافق شرع شریف هرچه حکم کند بجا آرد از حکم خود قتل نکند رسوم
زندگانی خود و امور ممالک را منحصر سفر داند و لذت منزل نو و آب نو و سایه خیمه را در هیچ
حال از دست ندهد که حق تعالی در کلام مجید فرموده است فسیروا فی الارض اشارتیست از سفر
و لبا انتظام ریاست در جهان گردی است مگر وقفه بقدر ایام چهاؤنی ضرور است که جمیع
جانوران و انسان را درین ایام تکلیف میشود و تعیناتی سپاه هم با وطان آنها منظور باشد
که قطع نسل نشود. چهارم کارهائے جمیع خلایق را محض از افضال الٰہی متعلق بخود دانسته باید
که بعد ادای فرض و واجب اوقات عزیز خود را بتنظیم امور متعلقه تقسیم نماید و خود را بیکار
نداشته محاسبه شبانه روز خود از امور دنیا و دین میگرفته باشند که عاقبت بخیر گردد
پنجم بشناسند که بنای دولت با بمیامن انفاس بزرگانست چنانچه در ابتدائی تعلق
بادشاهی صدارت باین خاندان تعلق داشت و من تا اینوقت که زمان رحلت است توقیر
و تعظیم فرقه دعاگو که بدو آن لشکر دعا بکار می آید۔ از همه امور دنیوی مقدم بر سائر امور
ریاست دانسته استمداد همت از فقرا و دعا باکه باب الله اند میکردم و سبقت
در سلام که سنت محمدیست بجا می آوردم باید که همین شیوه بر خود مرعی داشته باشند
ششم زمین و آسمان از قدیم است و خلق الله هم قدیم پس درینصورت زمین فقط حصه خود
ندانسته اتلاف حق کسی نکنند و آئین مورث ملحوظ داشته باشند هفتم دکن که عبارت
سلطنت از شش صوبه است این معنی از مطالعه تواریخ واضح میشود که پیش ازین در هر
صوبه بادشاهی بود ذوی الاحتشام مستقل لکوکها از فرقه سپاه پرورش می نمودند الحال اینهمه
زمین از عهد حضرت خلد مکان بیک کس تعلق گرفته رفته رفته حضرت حق سبحانه تعالی محض بکرم
خود چندی من عاصی را عطا فرموده بر سر خلایق رئیس ساخته تا اینوقت انچکه پاسبانی خلایق
بکم و بیش قدردانی مخلوق بود پرداختم سزاوار آنست که خبرگیری خاندان و مامور بودن مردم
بکارها بر سرکار خود نوبت بنوبت چه از فرقه اسلام و هنود متبدیل سال بسال نهایت دو سال
از جمله واجبات دانسته می نموده باشند که دیگران محروم نمانند و سررشته این کار چه از خود و چه از پیش
روان خود پیوسته جاری دارند تا که درین مدت عمر این همه مردم را که هر واحد بلا اتفاق

جواهر تازه ایست بی بها بلطف و عنایات جمع کرده ایم و در هیچ حال قدر اینها از دست نداده سخت
وسست اینها برداشت نموده بیکار ندارد بکار لایقه مامور سازند هستم براداران صغیر خود را بجای
فرزندان خود دانسته پرورش نماید و به تربیت آنها کوشش بلیغ فرماید و از افزونی قدر و منزلت
آنها خاطر سند دل وارد که غم خوار اند و از دل بدانند که ایشان همه با قوت بازو و تقویت ناموس اند هرگاه
مرفه حال خواهند بود هرگز زوال دولت نخواهند خواست وقتیکه گرسنه و مفلسی باشد سلطنت
آصفیه را بمجرد الفت مخالفان جهت قطعه زمین خواهند فروخت و هدایت محی الدین خان را از جمله فرزندان
خود تصور نموده بشفقت و عنایات از ان خود گردانند و درصدد شکست او نباشد گوش بر سخن
غمازان ننهند و عوام ارذل را در خلوت مجلس خود بار ندهند که هیبت سلطنت را زیان دارد و
از غور در باریابی حضور خلق خدا را ایذای تمام خواهند داد هم ادنی را بکار عمده و عمده را بکار ادنی
مامور نسازند که نارسائی ادنی اعتنائی این کار را ضایع می سازد و چه تقرر دیوانی به پورنچند که محض
آدمی بی رتبه بود از برای اینکه امرای حضور قدر کار دیوانی بیارا نداشته در هر امر تکالیف
شاقه میکردند نظر به نفس شکنی و تادیب آنها او را برین کار مامور ساختم کالعزم ما درست باشد کارکن
هر که باشد پورنچند آدم خوب و تحصیل زر بقایای سرکار از آئین بهمین معرض وصول می آرد اگر دو سه
سال بکار مامور سجال باشد می شاید باز مختار اند و بهمه حال یقین دانند که ریاست دکن موقوف
بر عالم بندگی [illegible] باید که آداب [illegible] از خود فوت نکنند که از امداد
[illegible] عند الله ماخوذ و عند الناس مطعون خواهند بود [illegible]
در دهلی رسید روزی بغرض عنایات [illegible]
عرض کردم که مردم از قدیم ابا عن جد نوکری پیشه ایم از نمیعنی نمک حرامی مشهور خواهم شد
و حضرت را بدعوتی و بدقومی شهرت خواهند داد از انجا که ذات شریف سخن سنج بود محفوظ
شده آفرین گفت باز دستم تا مقدور از خود در جنگ اقدام نکنند هر چند که جمعیت
طرفثانی قلیل و کمتر باشد غیرت الهی دلیری را نمی پسندد و زنهار ممکن باید که برفع کوشند و چون
دانند که طرفثانی مبادرت می نماید ناگزیر حق طرف خود قائم کرده بعجز و التجاء استمداد حق
سبحانه تعالی خواسته بر مکان خود ثابت قدم و راسخ باشد و تا مقدور زنهار

رو بقبایه جنگ نکنند چرا که فتح بید اختیار اوست. دوازدهم آنکه اسبابیکه از فضل
لایزال ذوالجلال آنچه موجود دارم اگر قدم بقدم من گذاشته صرف نماید یقین که طبقه
بطبقه وفا خواهد کرد والا زیاده از دو سه سال کفاف نخواهد کرد. سیزدهم اینهمه خزانه که در رکاب
موجود داشتم از برای دلجمعی سپاه و سایر لشکر خصوص از بودن خزانه ساهوکار پیوسته آباد
می باشند و از آبادی اینها مخالف و لشکر خود بخود پریشان و متلاشی می شود الحمد لله از ابتدای
انتظام این دولت هنگام رحلت حق سپاه از سه ماه زیاده برخود باقی ندارم. اما با وجود این از سپاه
خود آنقدر نمی ترسم که از سپاه مخالف نمی ترسم باید که در همه حال آنها را از خود بیدل ندارند که
هر حال رفیق و باعث انتظام دولت و ناموس اند. چهاردهم بمقتضای بشریت امر نا
بایستنی درین پیری از من سرزده حالا که محل نو قرار یافت از آنجا که مقدمه ناموس است
پاس آن در همه حال قابل لحاظ که انگشت اعتراض بلند نشود. پانزدهم زنار داران
دکنی همه قابل کشتنی و گردن زدنی اند خصوص سرگروه این قوم دو کافر اند یکی مسمی تور و دیگر
راماداس که برهم زن کاشانه صد ساله اند در قلعه محمد نگر قید کرده ام در قید داشتن آنها انتظام
دولت خود دانند هرگز از قید خلاص نه سازد و لفظ بندت خانه که در عالم مشهور است عبارت
از قید کردن این مردم است. شانزدهم از مردمان برهانپور احتراز باید کرد که درین مدت
مکرر تجربه رسیده که مردم برهانپور و بیجاپور مثل مردم کشمیر اند از صحبت اینها تا مقدور
کناره کشند. هفدهم الحال بر دید مردم کارخانه را بر کارخانجات مامور کنید و هر یک
را بتاکید و تقید تمام قائم سازند که مهلت از دو سه ساعت زیاده نمی شود شما را بخدای کریم
سپردیم هدایت نصیب باد و در همه حال نصیر و معین شما باشد و سایه حق سبحانه افضال
خود را از سر شما باز نگیرد والسلام علیکم. قطعه

برخیز که وقت افتراق است امروز | با محنت درد اتفاق است امروز
ای دیده رخ وصال دیدی یکچند | خون بار که نوبت فراق است امروز

محمد شاه بادشاه و قمر الدین خان وزیر اعظم پدر معین الملک عرف میر منو صوبیدار لاهور
و آصف جاه درهمین سال از جهان فانی در گذشتند موت شاه وزیر آصف جاه

انوارالدینخان گویاموی جدوالاجاه حاکم چیناپٹن که ازجانب آصف جاه قبل از یک سال بمهم
کرناٹک مامور بود احوال شورش وفساد هدایت محی الدینخان دخترزاده آصفجاه ازبطن محسنه بیگم
که منسوب ازمتوسل خان بود که بانتظام صوبه بیجاپور متعین بود باتفاق حسین دوست خان اہل
نوایت حاکم ارکاٹ که نمک حرامی ومفسدی در قوم نوایت منحصر است باموسی بهوسی قوم فرانسیس
موافقت نموده برای دخل ریاست دکن باعانت موسی مذکور مرتکب حرکات ناپسندیده گردید
ناصرجنگ که قائم مقام آصفجاه بود در سنه ۱۱۶۲ه دفع فساد کرناٹک و اعانت انورالدین خان با فوجی
کرٹپانهضت کرده خان مذکور را دستگیر نمود انورالدینخان در جنگ موسی مذکور و حسین دوست خان
در سنه ۱۱۶۳ه کشته شده ناصرجنگ تقریب رفاقت همت خان وغیره افاغنه کرنول وکرٹپا که در
باطن از هدایت محی الدینخان موافق بودند بنابران ناصرجنگ امیری لشکر و جمعیت خود ملاحظه نموده
اراده رفتن نزد افاغنه مذکور نمودند هرچند فیلبان گفت حال نمک حرامی آنها و ممانعت در تشریف
بردن ظاهر نمود لیکن از عدم تجربه فائده نه بخشید آخر وجه بیان در سنه ۱۱۶۴ه ناصرجنگ را بزخم گولی
شهید کردند و هدایت محی الدین خان بجای ناصرجنگ قرار گرفت چون همت خان بی لعنانی
دید مع دیگر افاغنه سرسواری مقابله نمود هدایت محی الدینخان و همت خان هر دو کشته شدند
سید محمد خان صلابت جنگ پسر سومی آصف جاه بر مسند ریاست نشست راؤ
پنڈت بردهان عرصه خالی دیده بملک برهانپور و بیجاپور متصرف گشت صلابت جنگ
مطلع شده در سنه ۱۱۶۵ه مقابله نمود و پنڈت بردهان برهنه سر فرار شده جان بسلامت
برد خیام و اموال بسیار مردم موسی بهوسی که شبخون زده بودند بدست درآمد درین سال
غازی الدین خان فیروز جنگ برائے خصاص برادر عینی خود از افغانان در اورنگ آباد رسیده
والده صلابت جنگ بضیافت او بزهر پرداخت همان شب غازی الدین خان شهید شد
دراین اثنا میر نظام علیخان پسر چهارم آصف جاه از صوبه برار با ورنگ آباد رسیده حیدر جنگ
را که جنبی خواجه عبدالله خان وکیل موسی بهوسی مذکور بود نامبرده را بخیمه خود طلبیده از جان کشت
سبب این بود که بسبب محیط شدن حیدر جنگ در امور ریاست دکن اراده این داشت که نظام علیخان
را که شراره آتشین می نماید قید کند الغرض در سنه ۱۱۷۱ه نظام علیخان باستمداد و فرط تدابیر بسالت جنگ

پسر نجمی مغفرت مآب که در این آوان بظاهر نام خدمت دیوانی داشت جمعیت فراهم ساخته به
برهانپور رفته زیب النسا بیگم دختر قایم علیخان را در نکاح آورده سه لک روپیه از ساهوان آنجا
قرض گرفته نوعے درستی سپاه خود ساخته بهر روانه شدن موسی بهوسی یه پهول چری و خالی شدن
میدان حسب الطلب بسالت جنگ مذکور باز آمده صلابت جنگ را برای نام بحال داشته
همه سررشته کار باختیار خود آورد و بسالت جنگ قبل از رسیدن نظام علیخان و سبب هنگامه سپاه
و تقاضای طلب تنخواه به دونی رایچور که جاگیر او بود رفته بود نظام علیخان در سنه ۱۱۷۵ھ صلابت جنگ
را بسبب فطور نمودن از مرهٹه در قلعه محمد آباد بیدر قید کرده بطلب فرمان شاه عالم بادشاه خطاب
آصفجاه بنام خود بر ریاست مسلط گشت صلابت جنگ[۲] را به قلعه محمد نگر محمد جیونخانرا همراه نموده
مقید نموده در آنوقت فتح مند خان قلعه دار آنجا بود حسب الحکم میر نظام علیخان محمد جیون خان مزکور
در سنه ۱۱۷۶ھ صلابت جنگ راکشت دور جلد وی همان کار از قلعه داری محمد نگر سرفرازی یافت
چنانچه بعد ازاں پسرش محمد عبد الرحیم خان قلعدار آنجا کرده و بعد فوت آن کبیر خان است نبیره او
فرزندان حضرت مغفرت مآب بی بی بیگم صاحبه که صبیه نجیب الله خان والا شاهی بود در رسم نکاح
و شادی ایشان در اورنگ آباد شده خان معز الیه از اقربای حمید الملک سعد الله خان وزیر
شاه جهان بادشاه بودند ایشان لاولد فوت شدند و از بطن سید النسا بیگم که از نسل سادات است
و نکاح هم گردیده غازی الدین خان فیروز جنگ فرزند اول و میر احمد خان ناصر جنگ بهادر در دویم اند
و بادشاه بیگم از بابا خان المخاطب به منصور جنگ فرزند بادشاه بخاره منسوب شد و محسنه بیگم به
متوسل خان پدر هدایت الدین خان و فیروز جنگ منسوب به زیب النسا بیگم صبیه نواب قمر الدینخان
وزیر الممالک و بمشار الیه بعد کشته شدن خان دوران خان در جنگ بادشاهی بخطاب امیر الامرای
و وکیل مطلق و بخشی گری فوج سرفرازی داشت و ناصر جنگ منسوب به نواب بیگم صبیه طره باز خان
یعنی روشن الدوله و از بطن حضرت قدسیه مخاطب عمده بیگم صاحبه نواب غفران مآب میر نظام علیخان
مرحوم و از بطن مکرمه بانو بیگم صلابت جنگ بهادر و از بطن کهاصاحب بی بی بسالت جنگ و از بطن
خجسته بانو مغل علیخان بهادر که از خواص ها اند زهره بیگم میر اثنی و دیگر اسم دیگر بودند که اولاد
از بطن آنها نیست و رسم شادی غازی الدین خان فیروز جنگ مسطور پسر نخستین آصفجاه

[۲] یکسال و سه ماه کم بود ما بعد از جلوس ... ریاست صلابت جنگ

مغفرت مآب از زیب النسا بیگم صبیہ قمر الدین خان مغفور خلف نواب محمد امین خان بہادر است
کہ قمر الدین خان از شکم شولہ پوری بیگم پنج اولاد بودند سہ پسر و دو دختر پسر اولین میر بدر الدین خان
دویمی نواب نظام الدین خانخانان کہ چندی وزیر احمد شاہ بادشاہ گردید سویمی نواب معین الملک بہادر
رستم ہند عرف میر منو نام دختران زیب النسا بیگم و بدر النسا بیگم از بطن زیب النسا بیگم موصوفہ
غازی الدین خان عماد الملک اند کہ رسم شادی ایشان از عمدۃ النسا بیگم صبیہ معین الملک بہادر
پسر قمر الدین خان مذکور بعمل آمدہ است از بطن عمدۃ النسا بیگم دو پسر معلی جاہ بہادر و قطب الملک بہادر
و نصیر الدولہ بہادر از بطن گونا بیگم کہ بیگم مذکور از بطن سرس روپ طوائف ساکن لکھنو و از بطن
بہجو بیگم طوائف از بچکانیہائے نورباری حمید الدولہ بہادر و از بطن قمر النسا بیگم خانم کہ سیدانی
ذی خاندان غلام محی الدین خان و خواجہ محمد بخش خان و از بطن امینا خانم غلام علی خان
و از شکم بیگما جو کہ ہمبرین قیاس است و از بطن مانکنور گاین حسین بخش خان و معلی جاہ را از بطن
خانم خود دردانہ خانم نامی چہار دختر و یک فرزند دارند نام دختران گوہر النسا بیگم و ظہیر النسا بیگم
و امیر النسا بیگم و وزیر النسا بیگم ظہیر النسا بیگم منسوب از سید احمد علیخان فرزند سید امجد علیخان
و نام فرزند معظم الدین خان و از خواص با پنج فرزند دیگر یکی میر ابو سعید دویم میر امیر الدین سویم
میر برہان الدین چہارم میر منیر الدین و قطب الملک و یک دختر بنو بیگم و از بطن واصلہ خانم
مخاطب عرف اچھی نامی دو فرزند فرزند کلاں میر مکرم الدین علی خان و خورد میر نصیر الدین خان
و سہ دختران دُرفشان بیگم و حرمت النسا بیگم و فاطمہ بیگم و سطی مسطورہ منسوب از
سید غیرت علیخان پسر دویمی میر امجد علیخان مذکور است و حرمت النسا بیگم سیومی نام زد کیوان جاہ
بہادر شدہ بود بعد ازاں بہ میر معظم الدین خان مذکور پسر معلی جاہ دُرافشان بیگم منسوب
بہ خواجہ غلام نقش بند خان پسر خود بہادر الدولہ بعد انتقال راحت النسا بیگم زوجہ یعنی صبیہ
فرید و بنجاہ و انتقال عماد الملک مذکور در سنہ ۱۲۵۰ھ در کالپی بماہ ربیع الثانی شدہ است و فیض النسا بیگم
نامی صبیہ نواب قمر الدین خان منسوب بمیر قطبی صاحب و از بطن موصی الیہا بجبیہ بیگم خواجہ
قطب الدین خان در سنہ ۱۲۳۳ھ درگذشتند و ایشان منسوب بہ حاجی بیگم صبیہ عماد الملک
ہمشیرہ حمید الدولہ مذکور و از ہمشیرہ حمید الدولہ دو دختر یکی حسینی بیگم منسوب از خواجہ نعمت اللہ خان

دو یمی بند و بیگم که حمید الدوله بمیرزا محمد مغل منسوب نموده بودند لا ولد فوت شدند واز شکم دیگر خواهران
خواجه قطب الدین خان را دو فرزند و چهار دختر هستند و حمید الدوله را یک پسر میر غلام عبد القادر خان
و یک دختر و محی الدوله را سه پسر هستند و میر اعظم علیخان و میر اکبر علی خان و میر صدر الدین خان و امجد
علیخان دو برادر یکی خان معزو دیمی میر نظیر علیخان که در مرشد آباد بعهده خانسامانی منی بیگم
صاحبه سرفراز بود در سنه ۱۲۳۶ھ در مرشد آباد ودیعت حیات سپرده بیولا در ما ها ذات میر امجد علی خان
مذکور سوائے دیہات جاگیر دوازده هزار روپیه سال بمبلغ هشتصد روپیه اصل و اضافه است
دو رهاییه دو فرزندان به پنجصد روپیه ماهوار مقرر **ذکر اولاد مغفرت مآب آصفجاه مرحوم**
میر احمد خان ناصر جنگ را سه صبیه بودند یکی باسم حاجی بیگم بمنصور جنگ ولد خواجه بابا خوان
منسوب شده بودند واز بطن حاجی بیگم مسطوره دو صبیه یکے بنام وزیر النسا بیگم که بنظامت خویش
برادر خانان بلخ منسوب شده بود یک پسر و یک دختر بیگم پادشاه از بطن وزیر النسا بیگم زنده است
و بیگم مذکوره فوت کرد نظامت جنگ خویش منصور جنگ مرحوم و منصور جنگ خویش ناصر جنگ
شهید خلف مغفرت مآب بودند و ناصر جنگ را سه صبیه یکی حاجی بیگم مسطوره دوم بنام امانی بیگم که
بفرزند مغل علیخان مرحوم نام آور جنگ منسوب شده بود لاولد فوت نمود و صبیه سیوم بنام فرحت بیگم
منسوب بعبد الهادی خان قصور جنگ ولد عوض خان خرد خویش مغفرت مآب بودند نبیره
عوض خان کلان که پهپیه یعنی شوهر عمه مغفرت مآب صوبه دار لاهور و برار بودند و بناصر جنگ مرحوم
پسر نه بود و ناصر جنگ مرحوم در سنه ۱۱۶۳ھ از موجاهیان افاغنه موافق اشاره همت خان و غیره
افاغنه کرنول و کڑپا که بظاهر در همراهی ناصر جنگ و در باطن از هدایت محی الدین خان موافقت
میداشت بزخم گولی شهید گردیدند و سعد الله خان ملقب به هدایت محی الدین خان مظفر جنگ
ولد متوسل خان همشیره زاده نواب ناصر جنگ مرحوم بود و متوسل خان مذکور دو پسر داشت طالب
محی الدین خان و هدایت محی الدین خان منسوب بسید شاه بیگم لاولد بود پسر کسی سید گرفته تبنی
نموده بود بنام حضر الله خان هدایت محی الدین خان مذکور به اعتقاد افاغنه بجای ناصر جنگ مرحوم
بایالت قرار یافت و بفاصله دو ماه در جنگ همت خان و خان مذکور هر دو کشته شدند منصور جنگ
داماد ناصر جنگ بعد سیف جنگ بخشی گری رساله سایر و تعلقه نلگنڈه و دیورکنڈه در عهد غفران مآب سرفرازی

یافته بودند جاگیر او شان نندگانون وغیره ودیهات بود سید محمد خان صلابت جنگ پسر سومی آصفجاه
بتجویز موسی بهوسی بر مسند ریاست نسبت رسم شادی صلابت جنگ از عالی بیگم صبیه میر سید محمد منصبدار
شده بود از شکم شان اولاد به عارضه عنین بهادر معزز بود دو زن حامله که باشکم آمده بودند بنا بر مصلحت
داخل محل کرده بودند دو پسر وقتیکه تولد شدند یا سنه اولاد صلابت جنگ بمردم اشتهار دادند هر دو
زنده اند یکی بنام قمر الدین خان مخاطب به جنگلی شاهزاده دودیمی سراج الدین خان سراج الدوله از
میر قمر الدین مذکور عن بطن خواص دو فرزند یکی پسر و دیمی دختر و از سراج الدین عن بطن خواص ها
سه فرزند دو پسر و یک دختر پسر چهارمی آصفجاه میر شریف خان بهادر بسالت جنگ مرحوم شادی
بعمل نیامده مگر خواصان که رسم این خاندان است از گوری بیگم نامی طوائف بود از بطن آن اولاد
نشده بسالت جنگ مرحوم را از خواص ها نه پسر و چهار دختر متولد شدند نام پسر کلان
مهابت جنگ بهادر ملقب بدارا جاه غفرانمآب منسوب به نقشبندی بیگم نموده ورستم جنگ
میر عظیم الدین خان بهادر غفران مآب منسوب بسلیمه بیگم ورستم یار جنگ بهادر بجهان آرا بیگم
صبیه غفران منزل منسوب نمود. و میر حمید الدین خان بهادر لاولد فوت شدند وغیرت یاب جنگ بهادر
منسوب از ساجده بیگم صبیه غفرانمآب و از مسرت النسا بیگم صبیه منصور جنگ منسوب شد از ایشان
میر فرحت علی و قمر النسا بیگم و بدر النسا بیگم و بدیع النسا بیگم متولد شد و از سردار جنگ بهادر و از اسیاب
جنگ و اسفندیار جنگ بهادر و شیر جنگ بهادر و سپه سالار جنگ بهادر و صبیه ها مراتب النسا بیگم
و عزت النسا بیگم و بلند النسا بیگم و رشید النسا بیگم و بدر النسا بیگم و افرسیاب جنگ زنانه وضع در
محل خواص ها داشتند پسران باسم میر عزیز الله و میر فضل الله و میر بهادر علی و میر تهور علی و میر
بهروز علی باسم وزیر النسا بیگم و شیر جنگ بهادر بتاریخ ۶ ربیع الاول سنه ۱۲۳۴ھ وفات یافت
بهادر مذکور از خواص ها پسر باسم میر بشارت علی و صبیه باسم قمر النسا بیگم و سعید النسا بیگم اند و در
سنه ۱۲۲۶ھ نقشبندی بیگم بسبب رویه بد باشاره رئیس حال یعنے سکندر جاه بهادر بقتل رسید
منجمله نه پسران پنج اسم غایته سنه ۱۲۳۸ھ بقید حیات اند و چهار پسران فوت شدند نام دختران
بسالت جنگ مرحوم رحمت النسا بیگم عرف بختاور بیگم از ممتاز الامرا بهادر منسوب اند لاولد صاحب بیگم
مخاطب به بهو بیگم از عالیجاه خلف غفرانمآب کتخدا شدند ولایتی بیگم از پسر سعادت النسا بیگم

مسمی خواجه حیات الله خان خیراتی صاحب بقدرت النسا بیگم صبیه خواجه فیروز جنگ است منسوب
شده لاولد فوت شد چتلی بیگم از نظام صاحب فرزند ممتاز الامرا بهادر شادی شده لاولد غلام حسین خان
فرزند دارا جاه مرحوم عن ذات از بطن خواص و از بطن نقشبندی بیگم مسطوره صبیه باسم منور النسا بیگم
است و خیر النسا بیگم که لعبد الله خان مغل برادر خان شیراز منسوب است و رستم یار جنگ
که بصبیه غفرانمآب مسماة جهان آرا بیگم منسوب اول ۲۹ ربیع الاول بیگم مسطور و ۱۶ رجب ۱۲۳۴ھ
عز وفات یافت پسر پنجمی غفرانمآب همایون جاه عرف مغل علی خان بهادر که رسم شادی
با دولهن بیگم نامی همشیر نظامت جنگ ولد خانان بلخ خویش منصور جنگ قطب الامرا بهادر است
بعمل آمده از بطن اولاد نیست از بطن خواص ها ۱۲ پسر و ۷ دختر نام پسران نام آور جنگ بهادر
و شرف یار جنگ بهادر و میر نظام الدین خان و میر بهاء الدین خان و میر جمال الدین و خیراتی
و میر انور الدین خان اسم دختران اختر النسا بیگم و قمر النسا بیگم و ماه بیگم و مجید النسا بیگم و دولت النسا
بیگم و کبیر النسا بیگم و خورم بیگم از نام آور جنگ مذکور و امانی بیگم صبیه منصور جنگ از معلی جاه
منسوب شد لاولد قضا کرد عن خواص ها در محل پسران میر ناصر علی و میر پرورش علی و میر
امام الدین علی از فیروز یاب جنگ بهادر مذکور عن خواص پسر باسم سراج الدین صبیه ها وزیر بیگم
عن نصرت یاب جنگ بهادر عن خواص ها یک صبیه باسم دلدار النسا بیگم و حیات النسا بیگم از
فیضیاب جنگ بهادر مذکور عن خواص ها پسر بنام میر بهادر علی و میر بهار الدین علی وغیره چهار پسر
و صبیه باسم رحمت النسا بیگم از شرف یار جنگ بهادر مذکور عن خواص ها صبیه باسم لطف النسا بیگم
از میر فیاض الدین مسطور معظم النسا بیگم صبیه منصور جنگ بهادر قطب الامرا بعالی جاه منسوب شد
از ایشان دو صبیه تولد شد پسران از خواصان عن خواص ها برهانپوری بیگم و از فخر یاب جنگ
بهادر مذکور که رسم شادی با امیر النسا بیگم صاحبزادی حضرت غفران مآب بعمل آمده فرزند
باسم نور الدین علی است از صبیه ها مغل علیخان مرحوم رسم شادی اختر النسا بیگم با خواجه معز الله
خان پسر تقیه بیگم بعمل آمده و قمر النسا بیگم از بنده علی خان پسر خواجه باقر خان و ماه بیگم
منسوب از خواجه نصیر خان پسر ماه بیگم میر تهور علی خان متولد است رسم شادی کبیر النسا بیگم
از خواجه غلام حسین خان رسم شادی خورم بیگم از عبد الصمد خان همشیرزاده نواب منصور جنگ

قمر الدوله قمر الملک قطب الامرا بعالی جاه منسوب شد باسم خواجه شمس الدین متولد است پسر چهارم
مغفرت مآب میر نظام علیخان غفران مآب که در سنه یکهزار و یکصد و هفتاد و پنج هجری
بر ریاست متسلط شدند و در سنه یکهزار و دو صد و هجده هجری بتاریخ ۲ ربیع الثانی کوس
رحلت ازاین جهان فانی فرد کوفت دو بیت در تاریخ سال تعزیه غفرانمآب و تهنیت جلوس
آصفجاه ثانی از سید محمد متخلص ایمان است . بیت

هزار حیف ز عالم گذشت آصفجاه هزار شکر که فرزند نامدار بماند
بگفت پیر فلک گرچه از نیستان رفت دُرِ یتیم از و بهر یادگار بماند

سواری خاص و خانم ها که داشتند از زیب النسا بیگم نامی عرف برهان پوری بیگم صبیه خواجم
قلیخان مخاطب بمحترم الدوله که از منصبداران برادر بیکر بیگ خان بود رسم نکاح بعمل
آمده برهان پوری بیگم مذکور بتاریخ ششم ربیع الاول سنه ۱۲۳۸ھ وفات یافت در تکیه جنوبی
صاحب متصل تکیه بودے صاحب بموجب وصیت دفن کردند و زینت النسا بیگم صاحبه در سنه ۱۲۳۱ھ
وفات یافت در مکهه مسجد دفن شد و جانی بیگم و سلطانی بیگم وغیره ازواج بسیار بودند۔
سلطان بیگم در سنه ۱۲۳۰ھ وفات یافت و عنایت النسا بیگم والده فرو بد و نجاه مرحوم هفتم
شوال سنه ۱۲۳۷ھ وفات یافت و بخشی بیگم صاحبه مغفوره زوجه کلان را عوض جاگیرات که سپرد
راجه گوبند بخش بهادر است در سال تمام در صورت هنگام پنجاه هزار روپیه و در صورت غیر هنگام
چهل هزار روپیه بوصول میرسیدسی و یکهزار و چهار صد روپیه نقد و جواهر که راجه چند و لعل بهادر
در حین حیات تواضع کرده بودند بندگانعالی حال که از وقت انتقال بیگم موصوفه قبل از چهار پنج
سال جواهر قریب پانزده هزار روپیه که از نزد راجه چند و لعل بهادر رهاینده بودند همین قدر بعد
انتقال برآمد باقی همه جواهر عنایتی غفران مآب و نقد وغیره بمساکین و مشائخ وغیره بارها
تقسیم نمودند و بعمر هشتاد ساله رسیده در سنه ۱۲۳۹ھ انتقال نمودند و سکندر جاه بهادر در فرزندی
شان بودند وقت انتقال ملاقات از بندگانعالی حال نشد مگر از قبل پنج و شش روز که ملاقات
شده حضرت خود دلداریها نموده دوا از دست خاص نوشانیدند و کفن و پلنگ وغیره روبروی
خود از بیشتر تیار داشته وصیت کرده بودند که در مکان مکهه مسجد پایین غفران مآب دفن نمایند

وشامیانہ سفید بجز چبوترہ گچ و دیگر ہیچ لازم تکلف بنا شد چنانچہ ہمیں بعمل آمد و غفران مآب
میراحمد خان عالی جاہ مرحوم تولد مرحوم مذکور در سنہ یکہزار و یکصد و شصت و شش ہجری
بعمل آمدہ است رسم شادی از صبیہ صالح بیگم صبیہ بسالت جنگ مرحوم مخاطب باسم بہو بیگم
در سنہ یکہزار و یکصد و ہشتاد و شش بعمل آمدہ و انتقال مرحوم مذکور در سنہ یکہزار و دوصد
و دہ ہجرے گردیدہ بیگم مذکور نیز فوت شد صبیہ ہا باسم عالم آرا بیگم منسوب بنامدار جنگ
پسر مغل علیخاں مشارٌ الیہ فوت کرد و ظہور النسا بیگم منسوب از خواجہ نجم الدین خان مرحوم فرزند
خواجہ شہید خان نبیرہ عوض خان مرحوم صبیہ ظہور النسا بیگم مسطورہ باسم گوہر النسا بیگم
منسوب از خواجہ داور علی خان پسر خواجہ قلندر خان مرحوم مشارٌ الیہ فوت شد لا ولد پسر
دویمی حضرت غفرانمآب میر سبحان علی خان فرید و نجاہ بہادر وقت انتقال عمر تخمیناً چہل
سال بود و رسم شادی بعمل نیامدہ از خواصان فرزندان باسم جہاندار جنگ کہ ہفتم
رمضان سنہ ۱۲۴۰ ہجری فوت شد و شجاعت جنگ از بطن جمیل النسا بیگم منصور جنگ از بطن
امتیاز النسا بیگم و میر حسن علی از بطن دلنواز بانو و صبیہ باسم دلاور النسا بیگم منسوب بعلی اللہ خان
فرزند سعید اللہ خان مرحوم مذکور رعموئے شکوہ جنگ مقتول است و محسنہ بیگم بہ ظہیر جنگ
پسر جمشید جاہ منسوب و سعیدہ النسا بیگم بقیام الدین خان نبیرہ حیدر جنگ منسوب و
دار النسا بیگم منسوب بمظہر علی خان بہادر فرزند فخر النسا بیگم است و راحت النسا بیگم منسوب
بخواجہ غلام فوجدار خان بہادر و چمن آرا بیگم و دیدار النسا بیگم و دلبر النسا بیگم از بطن حبیب النسا
بیگم از عبد الخالق خان منسوب شدہ است معظم النسا بیگم صبیہ کلاں از بطن امتیاز النسا بیگم
کہ فوت کرد از خواجہ محمد یوسف خان بہادر پسر بہار الدولہ بہادر مرحوم منسوب و راحت النسا بیگم
از بطن کریما بانو بخواجہ نقشبند خان منسوب و چمن آرا بیگم از بطن روشن بیگم ہنوز ناکتخدا
و محسنہ بیگم مذکورہ از بطن امتیاز النسا بیگم و سعید النسا بیگم از بطن امیرا بیگم و داور النسا بیگم و
و دلاور النسا بیگم از بطن جمیل النسا بیگم فرزندان مذکور ہفت ہزار روپیہ ماہوار و نقد یابند
پسر سیومی غفرانمآب ذو الفقار علی خان بہادر جہاندار جاہ رسم شادی بہادر معز بعمل
نیامدہ در محل خواص ہا دارند عمر تخمیناً چہل و چہار سال از جہاندار جاہ بہادر یک صبیہ متولد است

باسم تاج النسا بیگم منسوب بحسین یاور الدوله پسر مختار الامرا بهادر دیگر از جهاندار جاه بهادر
اطفال نیستند شش هزار روپیه ماهوار مقرر است پسر چهارمی حضرت غفرانمآب میر نظام علیخان
بهادر جمشید جاه مرحوم در سنه یکهزار و نود و هفت هجری متولد شدند و در سنه یکهزار دو صد
و پانزده هجری انتقال کردند رسم شادی بعمل نیامده بود از خواص ها فرزندان باسم ظهیر جنگ بهادر
و دارا جنگ بهادر و سپه دار جنگ بهادر و ظهیر جنگ از بطن جمشید بانو و سپه دار جنگ
از بطن مهرخ بانو پسر پنجمین حضرت غفران مآب و برادر حقیقی حضرت بندگانعالی میر طیمور علیخان
بهادر اکبر جاه بهادر عمر تخمیناً چهل و دو سال رسم شادی بعمل نیامده در محل خواص ها دارند
فرزند باسم میر بهرام الدین خان صبیه بنام بلند اختر بیگم و جهان افروز بیگم شش هزار روپیه
ماهوار نقدی می یابند و فرزند دویم میر سعادت علیخان بسبب چیچک از چشم معذور است
و بلند اختر بیگم بعمر بست ساله از صمصام الدوله فرزند دویمی بندگانعالی حال نامزد شده است
هنوز رسم شادی بعمل نیامده و جهان افروز بیگم هنوز ناکتخدا فرزند ششم حضرت غفران مآب
میر جهانگیر علیخان بهادر سلیمان جاه عمر تخمیناً سی و نهه سال رسم شادی بعمل نیامده در محل
خواص ها دارند والده حیات النسا بیگم و دو فرزند یکی بخشو صاحب و دویمی بهار و صاحب
و بهادر معز شش هزار روپیه ماهوار نقدی می یابند مگر حیات النسا بیگم بقید حیات و از میر
تفضل علی پسر بندگانعالی حال از بطن جهان پرور بیگم صاحبه زوجه شادی. پسر هفتم
حضرت غفران مآب میر جهاندار علیخان بهادر کیوان جاه عمر تخمیناً بست و دو سال نسبت
شادی از صبیه قطب الملک بهادر خلف عماد الملک مرحوم مقرر شده بود و هنوز شادی بعمل
نیامده چراکه ارسطو جاه مرحوم بموجب حکم غفران مآب بهادر معز را متبنیٰ خود نموده بود و رسم
شادی در التوای ماند و در محل خواصها دارند فرزندان که تولد میشوند می میرند یک صبیه بعمر
یکساله دارند فقط بمبلغ پنجهزار روپیه ماهوار نقدی می یابند و در ۱۲۳۰ هجری دو فرزند از خواصان
متولد شدند تا پنج شش ماهه هستند فرزند دویم حضرت غفران مآب بندگانعالی
حال دام دولته و امیر اکبر علیخان بهادر سکندر جاه عمر تخمیناً پنجاه و دو سال از بطن تهنیت النسا بیگم
صبیه خواجه محمد صلاح منصبدار عرف بی بی صاحبه و بی بی صاحبه موصوفه را کدام دختر نیست

رسم شادی بندگانعالی از حاجی بیگم عرف جهان پرور بیگم صاحبه صبیه مالی میان مخاطب به سیف الملک پسر
ارسطوجاه مرحوم از بطن فرزند بیگم صاحبه همشیرهٔ نیر الملک بهادر که رسم نکاح وغیره در مقام بیدر بعمل آمده
وبعد آمدن ارسطوجاه از قید پونه شادی کردند صاحبزاده باسم میر تفضل علی تاریخ تولد است و ششم شعبان
سنه ۱۲۱۹ھ است از میر تفضل علی مذکور بتاریخ غرهٔ رجب سنه ۱۲۳۷ھ از بطن عائشه بی دو صبیه و یک فرزند نادره بیگم
و بهجو بیگم صبیه ها و شرف الدوله پسر میر تفضل علیخان زاد و همشیره باسم غفور النسا بیگم صاحبه منکوحه بموجب رسم
خاندان عالی صبیه منصبداران ذی الاز بانی ثقات و واقف کار به تحقیق رسیده که رسم نکاح بعمل نیامده
صبیه بے بدل جنگ بهادر و بهادر مذکور منصب دار قدیم نزد داراجاه بهادر به جمعیت دو سه هزار
مع برادر ملازم بودند بعد وفات بهادر مذکور گل بانو نادر بیگم صاحبه موصوفه نامش بخشی بیگم صاحب
نوکر بود بدان سبب غفران مآب بندگانعالی حال را علیحده فرمودند اول بیگم صاحبه موصوفه
را در خواصگی دادند پسر آن از بطن فضیلت النسا بیگم صاحبه عرف چاندنی بیگم باسم میر فرخنده
علیخان بهادر ناصر الدوله کلان عمر تخمیناً سی ساله که در سنه ۱۲۸۸ هجری بتاریخ هیجدهم رمضان در قلعه
بیدر متولد گشتند. بهادر مذکور را دو فرزند از خواصان تولد شده بودند فوت کردند رسم
شادی هنوز بعمل نیامده دو هزار سی صد روپیه مع اصل و اضافه ماهوار نقدی مقرر است. فرزند دویم
بندگانعالی حال میر بشیر الدین علیخان صمصام الدوله بهادر بعمر بست و هشت سال یک فرزند و
یک دختر از خواصان دارند. تولد فرزند هفتدهم رجب سنه ۱۲۳۰ هجری فوت شد تولد صبیه بست
و هفتم رجب سنه الیه باسم شهزادی بیگم از بطن سرو ناز بو بعمر نه ساله و گهسیٹا بیگم از بطن سنجیا و بیگم
معمر دو ساله مبلغ دو هزار و سه صد روپیه ماهوار نقدی مقرر است و فرزندان باسم سردار علی معمر یک
و نیم ساله و میر قادر علی از بطن مسجدی بیگم بعمر یکساله فرزند سوم میر گوهر علیخان مبارز الدوله بهادر
بعمر بست و شش ساله مبلغ دو هزار و سی صد روپیه ماهوار نقدی مقرر است یک فرزند و دو دختر از
خواصان متولد شده است تاریخ تولد نهم رجب سنه الیه دویمی افضل النسا تولد هفتدهم رمضان سنه الیه
و دیگر فرزند پنجم رمضان سنه ۱۲۳۱ھ در قلعه گولکنده متولد شد فوت شد فرزند نخستین که بروز جنگ
متولد بنام میر تهور علی در سنه ۱۲۳۰ھ و فرزند دویم که در قلعه متولد شده بعمر دو ساله موجود صبیه هاے
فضیلت النسا بیگم صاحبه موصوفه باسم جمال النسا بیگم بیوه تاج الدین خان مرحوم را منسوب بود

صـ۲ معمر بست و دو ساله و نامدار النسا بیگم معمر بست ساله
ناکتخدا اند و فضیلت النسا بیگم.

و کمال النساء بیگم زوجہ امتیاز الدولہ بہادر از بطن بیگم مسطورہ اولاد متولد نہ شدہ و از بطن رفعت النسا
بیگم صاحبہ کہ بی بی صاحبہ ممدوحہ بندگانعالی را دادہ دو فرزند غریبی بودہ اند میر محمود تاریخ تولدبست
و ہشتم رجب ۱۲۲۴ھ و صبیہ باسم بخت افروز بیگم بعمر چہاردہ سالہ ناکتخدا بود از میر فیروز علی خلف
عبرت یاب جنگ بن بسالت جنگ ۴ ذیحجہ ۱۲۳۶ھ منکوح شد از بطن بوبو دلشاد کنیز خضر النسا بیگم
بعمر ۱۹ سالہ ناکتخدا و از بطن بوبو چنبیلی کنیز میر منور علی تاریخ تولد ۶ ربیع الاول ۱۲۲۱ھ از شکم بوبودو
میر فیاض علی تاریخ ۱۹ رمضان المبارک ۱۲۳۱ھ از بطن زہرہ خانم میر دلاور علی تاریخ تولد ۱۹ ار
جمادی الثانی ۱۲۲۶ھ است از بطن مہتاب خانم فرزند تولد شدہ بود و بعد یکماہ فوت شد
میر فتح علی از بطن نجیب النساء بیگم فقط۔ سیہ ہائے حضرت غفرانمآب کلان یکی فخر النساء بیگم از
فتحیاب الدولہ مرحوم منسوب بود فتح یاب الدولہ و ظفر یاب الدولہ ہر دو برادر حقیقی پسران مرحمت خان مرحوم
اولاد عوض خان مرحوم بودند فرزند باسم خواجہ مظہر علیخان از دادر النساء بیگم صبیہ میر سبحان علیخان
فریدون جاہ مرحوم منسوب و دیگر فرزند خواجہ شجاعت علی خان و خواجہ دلاور علیخان و صبیہ
فخر النساء بیگم صاحبہ موصوفہ باسم عزت النساء بیگم از منور جنگ پسر یکہ تاز جنگ منسوب پوتی باسم
سراج النساء بیگم نواسہ یعنی پسران عشرت النساء بیگم دلدار علی و نامدار علی و کامگار علی صبیہ دویم حضرت
غفرانمآب جہان آراء بیگم صاحبہ از رستم یار جنگ بہادر فرزند بسالت جنگ مرحوم رسم شادی
بعمل آمدہ ہر دو فوت شدند۔ صبیہ سوم ساجدہ بیگم صاحبہ نامی از غیرت یار جنگ بہادر
پسر بسالت جنگ مرحوم شادی و منکوح شد از بطن بیگم صاحبہ موصوفہ پسر باسم میر فیروز علی و صبیہ
باسم منیر النساء بیگم منسوب پسر نظامت جنگ مرحوم صبیہ چہارم حضرت غفرانمآب امیر النساء بیگم
از فخر یاب جنگ بہادر فرزند مغل علیخاں مرحوم رسم شادی بعمل آمدہ از بطن بیگم موصوفہ پسر باسم
نور الدین علی صاحب صبیہ پنجم حضرت غفرانمآب سلیمہ بیگم صاحبہ از رستم جنگ بہادر فرزند بسالت جنگ
مرحوم شادی گردید از بطن بیگم موصوفہ یک دختر باسم دلارا بیگم متولد شد و مرد صبیہ ششم حضرت غفرانمآب
بشیر النساء بیگم از شمس الامرا بہادر شادی گردیدہ بہادر ند کو ر فرزند تیغ جنگ بہادر مرحوم کہ جمعیت پائگاہ
سوار و بار جملہ شش ہزار و در عوض تنخواہ جاگیرداد از محالات قریب بست و ہشت لک روپیہ دارند
فرزندان از بطن بیگم موصوفہ فرید الدین خاں و رفیع الدین خاں و رکن الدین علی خاں و

میر تهور علی و صبیها باسم بلقیس زمان بیگم و سراج النساء بیگم و سید النساء بیگم صبیه هفتم حضرت غفران مآب
ریاض النساء بیگم مرحومه از خان شیراز شادی شد از بطن بیگم مرحومه پسر بنام میر عباس علی صبیه یکی
باسم بادشاه بیگم و منور النساء بیگم صبیه هشتم حضرت غفران مآب که از همه کلان و اول بود نقشبندی بیگم
صاحبه مرحومه که از مهابت جنگ مرحوم پسر بسالت جنگ مغفور منعقد بود و شادی گردید از بطن بیگم
مرحومه صبیه بنام خیر النساء بیگم که بیگم مسطور از عبد الله خان برادر خان شیراز منسوب شده و خان
مسطور سه برادر کلان خان شیراز محمد علیخان نام و از ند برادر وسط حسین علیخان برادر کوچک عبد الله خان
پسر علی مردان خان مرحوم و از قنطلس خان مرحوم بنی عم کریم خان بوکیل از سلسله زندیه خان
ایران محمد علیخان مذکور از ولایت آمده ملازمت حضرت غفران مآب حاصل نمود بعد چندے
ریاض النساء بیگم همشیره فریدون جاه مرحوم منسوب شده بدر ماهه دو هزار روپیه سرفرازی یافتند
و برادر کوچک ایشان عبد الله خان ماهوار مع توابعین وغیره لواحق قریب دو هزار روپیه می یابند
و بسبب منسوبی این دو برادر این شد که چون جهان پرور بیگم سکندر جاه بهادر منسوب گردیدند
حضرت موصوف در خانه خود ذکر کردند که دختر شیعه سنی را گرفتن مناسب است از استماع این خبر
ارسطو جاه بهادر این هر دو برادر این هر دو برادر سنی مقرر نمود خان شیراز لقب داده خود ضامن
شده قسم کلام الله آنها را از روئے اصیلان سرکار خور اینده بترکیب منسوب کنانید. صبیه نهم حضرت
غفران مآب قمر النساء بیگم مرحومه عرف کلو بیگم که از خواجه هاشم خان منسوب بود و خواجه هاشم
خان مذکور از بطن رابعه بیگم صبیه نواب قمر الدین خان فرزند که از وشان سه پسر تولد شد کلان
خواجه یوسف خان و دویم خواجه هاشم خان و سومی خواجه جعفر خان اولاد خواجه هاشم خان مذکور
از بطن قمر النساء بیگم مسطور باسم خواجه عظیم الدین خان عرف خواجه بادشاه عمر تخمیناً سی ساله
دارند صبیه دهم حضرت غفران مآب کابلی بیگم از خواجه بدیع الله خان ناظم جنگ منسوب بود
خواجه بدیع الله مزبور از اینجا فراری شده در برهانپور انتقال کردند بیگم مذکور بعد چندے در بلده
لاولد انتقال کرد دیگر صبیه هائے غفران مآب که انتقال کردند مثل بدری بیگم همین طور دیگر نیز سه چهار
اسم خواهند بود. ذکر دختران آصفجاه جنین قلیج خان مغفرت مآب از بطن بیگم بادشاه بیگم و مخنه بیگم
از بطن سید النساء بیگم بدر النساء بیگم ماه بانو بیگم مجسته بانو بیگم عرف خان بهادر مکرمه بانو بیگم عرف

کالی بیگم است شادی محسنه بیگم از متوسل خان شده فرزند باسم ہدایت محی الدین خان مظفر جنگ
وطالب الدین خان وتاج النساء بیگم در پرورشش ہدایت محی الدین خان شریک بودند شادی
مکرمه بیگم عرف کالی بیگم از میر کلاں خان بعمل آمده فرزند مختار الامرا بہادر که به بختاور بیگم صبیه بسالت
جنگ مرحوم منسوب بود بہادر معزز در حین حیات غفران مآب خطی به ٹیپو سلطان نوشته بودند
وقتیکه ٹیپو سلطان کشته شد خط مذکور را از قلمدان او پیش صاحب عالیشان حشمت جنگ بہادر
مغفور رسید مرحوم مذکور در حضور استفسار نمودند که مختار الامرا بہادر با جازت حضور نوشته
باشد خود بدولت بمقتضائے وقت انکار فرمودند وغیر از اخراج مختار الامرا چاره نشد از انوقت
بہادر معزز در کلیانی قیام دارند و مختار الامرا بہادر ہفت پسر دارند از خواص یکے امتیاز الدوله بہادر
خویش بندگانعالی حال منسوب از کمال النساء بیگم صاحبزادی حضور که در شولا از حرکات خود داخل
قلعه گولکنڈه بند بودند دویمی حسن یاور الدوله از صبیه جہاندار جاه باسم تاج النساء بیگم که فوت
شد منسوب بود پسر کلاں نظام صاحب است از موتی بیگم صبیه بسالت جنگ مرحوم منسوب است
وباقی چہار پسران بہادر معزز را شادی نشده است ومادر امتیاز الدوله بہادر بختاور بیگم نیست بہادر
معزز منزله از خواص است عمر امتیاز الدوله بہادر کلاں تخمیناً شصت وہفت ساله شده بتاریخ
دہم جمادی الاول ۱۲۳۰ھ در قلعه کلیانی ودیعت حیات سپرد خواجه عبد اللہ خان ترکستانی قریب
قندہار درگاه حضرت امام است یکی از اولاد مجاوران درگاه موصوف که در بندر سورت بودند
سوداگری مینمودند وقتیکه در حیدرآباد رسید عند الملاقات نواب مغفرت مآب نامبرده را ذی خرد
صاحب استعداد کارکنی ریاست یافته مقرب خود ساخته از راه قدردانی بخدمت دیوانی سرفراز
فرمودند مشار الیه راہشت پسر وسه دو صبیه فرزند از زوجه اول یکے خواجه عباد اللہ خان دویمی
خواجه ہدایت اللہ خان سومی خواجه عنایت اللہ خان واز زوجه منکوحه دیگر که سه فرزند ودو دختر
فرزند کلاں خواجه نعمت اللہ خان که منسوب ہمشیره میر کلاں خان بود صاحب جمعیت ودر عہد در خواصی
نشستن مغفرت مآب روشناس دویمی خواجه سعید اللہ خان که چندان روشناس نبود بلکه در ین
سرکار شکوه جنگ بہادر نبیره خواجه عبد اللہ خان ہمرکاب نواب مغفرت مآب از شاه جہان آباد
بود واز نواب مغفرت مآب ہم قرابت نداشت از خواجه معزز شش فرزند کلاں خواجه نعمت اللہ خان

شکوه جنگ داماد کالی بیگم عرف مکرمه بانو بیگم همشیره حضرت غفران مآب از بطن صبیه بیگم مسطور
وسه فرزند کلاں خواجه خلیل الله خاں شکوه جنگ که گشائیں را کشته مقتول شدند دویم خواجه
خلیل الله خاں که بقید حیات اند سوئی حمید الله خان فرزند دویم خواجه عبدالله خاں مسطور
باسم سید الله خاں از ایشاں فرزند بنام علی الله خاں بقید حیات اند سوم خواجه عباد الله خاں فوت
کردند چهارم خواجه هدایت الله خاں فوت کردند پنجم خواجه نور الله خاں فوت کردند ششم
خواجه فیض الله خاں فوت کردند شادی بادشاه بیگم صبیه مغفرت مآب به سید باوا خان
جد منور جنگ مرحوم شادی خجسته بانو بیگم عرف خان بهادر از سید مغل ولایتی که بعد شادی
روانه ولایت شد جمعیت در پهره بنادی رکاب حضور پر نور بندگانعالی حال است بموجب
تفصیل ذیل۔

[illegible] نفر

نادر علی بیگ خان بار قادر علیخان و بخش الله خاں بار رعد جنگ بار سید رسول و رسول خان بار

۲۰۰۰ نفر ۴۰۰ نفر ۱۲۰۰۰ نفر ۴۰۰ نفر

جوانان بار موسی رهمو - آلانواز جنگ بهادر سوار و بار - جعفر یار جنگ وغیره در علاقه

۱۰۰۰ نفر ۳۰۰ نفر ۵۰۰ نفر

راجه چندولعل سوار و بار وغیره - اکبر یار جنگ - شهریار جنگ بهادر سوار و بار - حاجی ملیاکر سوار و بار

۵۰ نفر ۵۰ نفر ۵۰ نفر

نقشبندی خاں سوار و بار - بنده علیخان - ضیاء الدوله سوار - حال جدید وزیر علی خاں و

۵۰ نفر ۵۰ نفر ۵۰ نفر ۸۰۰ نفر

سکندر قلیخاں بارگیر عبدالله خاں سررشته دار راجه نندرام سواران پائیگا - تعداد

۱۵۰ نفر

جمعیت مدار الملک بهادر و شمس الامرا بهادر وغیره کم و بیش ازین کم نیست -

۲۵۰۰ نفر

فصل دوم مشعر کیفیت امرائے ریاست آصفیه از فرقه اهل اسلام و کیفیت نواب

نیر الملک بہادر ولد غیور جنگ بہادر ابن شیر جنگ مسطور شیخ حیدر نام از قوم نوآئینہ ابتداء
ملازم آصف جاہ بعہدہ خدمتگاری در دکن بود چوں در آمد آمد نادر شاہ حضرت آصفجاہ عازم
دہلی شدند بر کرنال بعد فوت خاندوراں خان پیش نادر شاہ برو کرور روپیہ صلح نمودہ روز دیگر
ملاقات محمد شاہ بادشاہ و نادر شاہ کردند امیر الامراو وکیل مطلق بفیروز جنگ خلف آصف شد
بنائً علیہ برہان الملک آتش افروزی ساختہ اول آصفجاہ و محمد شاہ قمر الدین خاں را مقید
کنانیدہ دہلی را غارت کنانیند و در آن قید ایں شیخ حیدر نامکور و درگاہ قلی ہر دو خدمتگار در رفاقت
بودند و بروز قتل دہلی آصفجاہ کہ در خانہ برہان الملک بودند از انجا رفتہ بہ نادر شاہ استمالت نمودہ
موقوفی قتل کنانیندہ در انوقت ہم ایں ہر دو رفاقت دادند نظر بریں ہر دو را خطاب خانی دہانیدند
شیخ حیدر را حیدر یار خاں و درگاہی را درگاہ قلیخاں و عطائے سواری و یک یک صد روپیہ
ماہوار مقرر فرمودہ مقرب داشتند بعد ازاں در عہد میر سید محمود خاں صلابت جنگ خدمت
داروغگی فیلخانہ داشتند بعدہ بہ صوبہ داری اورنگ آباد در عہد غفران مآب سرفرازی یافتند
رسم شادی غیور جنگ ولد نیر الملک بہادر را ز بھجو بیگم صبیہ درگاہ قلیخاں بعمل آمدہ از بطن بیگم
مسطور چہار پسر و دو دختر متولد شدند نام پسران محمد تقی خاں اکرام الملک بہادر و بہادر معز را
اشجع الملک بہادر و امین الملک بہادر و ہر دو دختران مذکور یکے بفرزندی بہا بیگم سکنہ نجستہ
بنیاد مسمی میر سید وصاحب منکوح بود و دویمی فاطمہ بیگم بعالی میاں سیف الملک پسر ارسطو جاہ مرحوم
منسوب بود ہر دو فوت کردند و در عہد غفران مآب بخدمت دیوانی بادشاہی سرفرازی یافتہ بودند
چنانچہ حال بر بہادر معز بحال است مدت انتقال غیور جنگ مرحوم سی و یک سال شدہ و شیر جنگ
مرحوم بعمر چہل و شش سال درگزشت و رسم شادی نیر الملک بہادر را ز صبیہ ہائے میر عالم
مغفور بہ عمل آمدہ بہادر معز چہار پسر از ہر دو زوجہ دارند از زوجہ تحسین صبیہ میر عالم مغفور بنام
عبد اللہ صاحب کہ در فرزندی زوجہ مغفورہ مذکورہ دادند ازیں سبب نیر الملک بہادر بر مال
و اموال و امکنہ و تالاب و دوکاکین بنا کردہ میر عالم مغفور قابض و متصرف اند و از بطن شادی
دویم صبیہ مغفور بنام محمد عالم علی وغیرہ اند و از بطن خواص مقدر صاحب از ہمہ فرزندان کلاں
تر است منجملہ چہار فرزندان غیور جنگ مرحوم اکرام الملک و اشجع الملک از قید حیات درگزشتند

جمعیت منیر الملک بہادر چہار صد سوار و دو صد بار جمعیت امین الملک بہادر سیصد سوار جاگیر و
یکصد سوار نگہداشت و دو ارد غگی یکصد زنجیر فیل و سی و پنج چہار شتر از حضور بندگا نعالی دارند
و تنخواہ از بعضے کہ سپرد تلجارام نائب بہادر معز است بابت خرج و خوراک فیلان و شتران
از انجامی یابند و ابدالاباد کہ در جاگیر سواران است وصول آں قریب سہ لک روپیہ ظاہر
سواران ندارند و جاگیر میخورند و سوائے آں یکصد سوار نگہداشت مذکور را جاگیر دیر اٹلور
قوال و پرگنہ جنوارہ است و کیفیت سواران مذکور ایں است کہ گاہی در نوکری سرکار نیستند و
سوائے آں جاگیر ذات وغیرہ دارند و عنبر پیٹھ و اوپل ہر دو مواضع جاگیر جہاں پرور بیگم صاحبہ
بہادر معز تفویض است و امین بہادر دو فرزند داشتند و یک صبیہ یلی حسن یاور الدولہ کہ ابناش
اطلاق و جاگیر خود از حضور پر نور نویسانیدہ بودہ اند بتاریخ بست و چہارم ربیع الاول ۱۲۳۷ھ باملاک
شراب مردود و یمی پسر بہادر معز در گاہ قلیخان کہ بعلت مشایخہ مشہور اند موجود۔ صبیہ بہادر معز از
باقر علیخان بہادر پسر طالب الدولہ مرحوم منسوب و نواب منیر الملک بہادر جاگیر و جمعیت خود
پرگنہ کوڑیکل دارند و دیگر جاگیرات ذات بہادر معز متفرق دیہات ہستند و سوائے ایں ساجہ
چند دلعل بہادر بابت تحریر شش لک روپیہ میدہند۔ کیفیت شہریار الملک بہادر۔ بہادر معز
برادر زادہ مظفر الملک بہادر و لد حسین علیخان ہر دو برادر حقیقی یا الیکر بیگن یلی در وقت غلام سید
خاں آمدہ ملازم حضور پر نور شدند و بہ جمعیت و ملک کڑپہ سرفرازی یافتند دراں ایام بسبب
شہریار الملک بہادر را از آمنہ السلام بیگم صبیہ خلف غلام سید خاں مرحوم کہ از زوجہ نخستین
بودہ باشد و بہادر معز سہ برادر حقیقی اند منصور الدولہ و احمد علیخان و بہادر معز و ہمشیرہ کلان
صبغۃ اللہ خاں قلعدار اتنگیر منسوب و ہمشیرہ خورد بہ محکم جنگ برادر اشرف الدولہ منسوب است و
جمعیت بہادر معز چہار صد و شصت سوار و یکصد و ہفتاد و نفر بار و در جاگیر جمعیت و ذات قریب
پنجاہ ہزار روپیہ و تتمہ نگہداشت بہادر معز الیور ٹاندور سوائے حصہ بیگن یلی سہ لک پنجاہ ہزار
روپیہ تخمینا وصول مقرر است سوائے ایں ہیچ خدمت از سرکار نیست و مظفر الملک بہادر را
در بیگن یلی حصہ جاگیر بود در یلی مذکور حصہ شہباز الملک بہادر و منصور الدولہ نیز ہست تقسیم
آں در خانگی کردند لہذا تفصیل آں معلوم نہ شد وقتیکہ تعلقہ کڑپہ از مرحوم موقوف شد

جمعیت ہم موقوف شد بعد انتقال غلام سید خاں مرحوم دو صد سوار و بادر ماہہ ذات
بودند مرحوم مز بور از میر ابوالقاسم بے ادائیہا کہ نمودند لہذا موقوفی جمعیت و در ماہہ ذات
شدہ روانہ بنگین پلی شدند و شاہ یار الملک بہادر را دو فرزند و سہ دختر فرزند کلان بنام
رونق علیخان کہ سند جاگیرات و جمعیت از سرکار بنام اوست دویم عباس علیخاں و از دختران
مذکورہ دو دختر بدو فرزند برادر خود غلام علیخاں و منصور الدولہ منسوب و یکی بفرزند احمد علیخاں
متوفی نامزد شدہ است ۔ کیفیت غلام سید خان مرحوم مخاطب بارسطوجاہ ولد فرخ خانخان ابن
دیوان حسن محمد خان قوم منڈل گیلانی از نسل نوشیروان عادل متوطن قصبۂ سامانہ مضاف
چکلہ سرہند و دیوان مذکور دو برادر بود یکے دیوان حسن محمد خان و دویمی محمد قاسم خان کہ از
اولاد شمس خان نور الامراء بہادر است پدر غلام سید خان مرحوم پنجاہ روپیہ شامل منصبداران بود
مولد ارسطوجاہ مذکور ایلچپور است و نیز تولد غلام مرتضی خاں سیف الملک عرف معالی میان
فرزند ارسطوجاہ مذکور در ایلچپور شدہ ہر گاہیکہ در دیوانی رکن الدولہ غلام سید خاں ارسطوجاہ
دست و پا کردہ بودند و از بلدہ بہر تقریب برمی آمدند لہذا رکن الدولہ میر موسی خاں مرحوم ارسطوجاہ
را صوبہ داری اورنگ آباد دادہ از حضور باشی موقوف نمودند آنوقت متعلقان ارسطوجاہ
از ایلچپور در اورنگ آباد آمدند بعد چہار سال از صوبہ داری اورنگ آباد موقوف نمودہ
حکم حضور شد کہ در قلعہ اوسہ باشند و بہ حضور حاضر نشوند بموجب حکم در قلعہ اوسہ مع متعلقان
سکونت نمودند بعد انتقال رکن الدولہ خانمرحوم سلسلہ جنبان از وقار الدولہ کہ وکیل ظفر الدولہ
ابراہیم بیگ مخاطب بفاضل بیگ خاں بود شدہ آمدند و وقار الدولہ تنگ مزاج بود و از طور
ایشان آگاہ شدہ اخراج کرد بعد اخراج خان مرحوم نزد ظفر الدولہ ریشہ دیوانی کردہ پیام
وکالت نمود کہ بطور وکالت خود را در حضور پرنور مامور سازند ظفر الدولہ نیز از اطوار خانمرحوم
واقف بود انکارات کرد لیکن دولت رائے نامی متصدی خانگی ظفر الدولہ راچیزے تواضع
کردہ وکالت و روانگی خود در حضور پرنور قرار دادہ عرضی ظفر الدولہ در حضور پرنور کنانیدہ کہ
غلام سید خان را بطور وکالت خود مامور میسازم کہ از حضور پرنور جواب ارشاد شد کہ
این محسن کش است شما چرا این را باین عہدہ مامور سازند بران ہم باز عرضی عذریہ

۲-۴ عرضی خانخانان مسطور العقیداری او صد سوار از بود و دوانید ادر باب غلام سید خاں مرحوم

ازظفرالدوله نویسانیده که این قابل حضور باتی است دران هنگام وقارالدوله خودگذشته انتقال
نموده بود براجه رائے رایان ونانا پنڈت وشمس الامراء مرحوم بر سر عرصه بودند حضور پُرنور عرضی
ظفرالدوله به شمس الامراء مرحوم عنایت کرده استفسار فرمودند که این طور درحق غلام سید خانؒ
ظفرالدوله می نویسند شما چه صلاح عرضی میسازند مرحوم مذکور عرض کردند که غلام از حضور علاقه دار
کسی آید یا نیاید خود ایچ سروکار نیست هرچند که رائے رایان بمرحوم اظهار کردند که مانع آمدن
خانؒ مرحوم شوند لیکن موثر نشد و موافق عرضی شمس الامراء بهادر طلب خانؒ مرحوم شد واز
حیله وکالت که آمدند متسلط شدند و دیوانی بایشان قرار یافت چنانچه از حسن تردد ایشان در
سنه ۱۲۱۵ھ یک لک روپیه سالیانه از سرکار عظمت مدار بهم قرار یافته بود و درقلعه اوسه قریب
هفت سال مانده بودند از بموجب قلعه اوسه را باشجع جنگ عرف ڈلا میان که برادر حقیقی
خانمرحوم بود سپرده شد واز ڈلا میان چند پسر بقید حیات اند وشادی غلام سید خانمرحوم از نواب
بیگم دختر بهوی میان پدر گهاسی میان بعمل آمده است و یک پسر بنام معالی میان متولد شده
شادی همشیره زاده نواب بیگم مسطوره از منتظم الدوله بعمل آمده دو پسر دارند یکی رضا علی دوم
محمد تقی هنوز رسم شادی هردو نشده عمر منتظم الدوله تخمیناً ۴۵ سال بهادر مذکور ولد گهاسی میان
ابن بهوی میان که پیشتر قلعه دار قلعه دولت آباد و خدمت داغ رساله معالی میان غلام سید
خانؒ مرحوم تفویض نموده بودند بعد موقوفی صرف بقلعه داری دولت آباد از حضور غفران مآب
سرفرازی داشتند وشادی معالی میان مذکور از همشیره نواب منیرالملک بهادر مخاطب
بفرزند بیگم بعمل آمده بود خاصی بیگم مخاطب بجهان پرور بیگم صاحبه محل شادی بندگانعالی
حال از بطن فرزند بیگم مسطوره است آمنه اسلام بیگم از بطن خواص معالی میانؒ است شادی
بیگم مسطوره از شهاز الملک شده است غلام سید خانمرحوم یک طوائف مشهور باسم سرورافزا
بیگم نیز داشتند چنانچه سرورنگر بنامش آباد کرده بودند ـــ ـــ بعد انتقال ارسطوجاهؒ
مرحوم بعد چند سال بیگم مذکور نیز فوت کرد و هرگاه که معالی میان فوت کرد وغفرانمآب
وارسطوجاه را بسیار بیقرار ومتوحش کیوان جاه را بفرزندی غلام سید خانؒ مرحوم دادند و خانؒ
مرحوم نسبت کیوان جاه بهادر از حرمت النساء بیگم صبیه قطب الملک بهادر خلف عمادالملک بهادر

مرحوم بہ حین حیات خود نمودہ بودند چونکہ خان مرحوم انتقال کرد رسم در التوا ماندند از اولاد ارسطو
جاہ مرحوم ہیچ نیست مگر آل دارد -

کیفیت وقار الدولہ مرحوم

وقار الدولہ نصیب یار خان چندان در عرصہ نبود مگر وقار الدولہ اول در مصاحبین رکن الدولہ
بصوبہ داری بلدہ فرخندہ بنیاد و نیز سرفرازی یافتہ بود بعد انتقال رکن الدولہ در مزاج غفران
مآب دخل یافتہ اکثر امورات مدار المہامی اش از ماندن غلام سید خان مرحوم اجرای مینمودند
در سنہ ۱۲۹۶ھ خود را انتقال کردند - **کیفیت ضیاء الملک** بہادر ولد منتظم الدولہ منتظم جنگ
ابن ابو الفخر خان کہ برادر کلان احسن الدولہ یکتا زجنگ کہ در عہد حضرت غفران مآب چندی
دیوانی عالیجاہ مرحوم نمودہ بودند و در عہد صلابت جنگ تا ششماہ وقتیکہ شاہنواز خان
خانہ نشین شدند ابو الفخر خان مسطور سر انجام دیوانی دادند و منتظم الدولہ بہادر پدر ضیاء الملک بہادر
از جاگیر پنجہزار روپیہ سرفرازی داشتند نام زوجہ منتظم الدولہ بہادر فرحت النساء بیگم چہارم
شعبان سنہ ۱۲۳۰ ہجری انتقال کردند رسم شادی ضیاء الملک بہادر از صبیہ احسن الدولہ یکتاز
جنگ شدہ در اولاد بہادر مغفور باسم ضیاء الدولہ بعمری دہفت سالہ یک فرزند داشت
ضیاء الدولہ را رسم شادی از صبیہ طالب جنگ ولد حقی الدولہ شدہ یک پسر بعمر ہفدہ سالہ
وارند بضیاء الدولہ بہادر از سرکار پنجاہ سوار اند در وقتیکہ غلام سید خان مرحوم بہ پونا رفتند و بعد
آن مختار الامرا بہادر چندی در مصاحبت حضور پرنور ماندند باستصواب بہادر مغفور معیز
حسام الدولہ ولد بے نظیر جنگ بہادر بخدمت عرض بیگی سرفراز شدند چنانچہ تا حال ہمان علاقہ
سرفراز اند در سنہ ۱۲۳۱ ہجری کہ ضیاء الدولہ برائے شادی دختران خود بہ چینا پٹن رفتند با
فرزندان عظیم الدولہ شادی کردند بندگان عالی ناخوش شدہ علاقہ عرض بیگی موقوف کردند ۱۳
جمادی الاول سنہ ۱۲۳۲ھ ضیاء الملک بہادر رحلت کردند **کیفیت شیخ ابو الخیر خان**
متوطن شکوہ آباد کہ در ہندوستان واقع است از سفر برہانپور ہمراہ مغفرت مآب رفیق
شدند عزت و اعتبار بسیار بود در اولاد اوشان فرزند کلان ابو البرکات خان فرزند خورد
ابو الفتح خان بعد انتقال والد خود ابو الفتح خان از خطاب ابو الخیر خان بہادر تیغ جنگ شمس الامرا

شمس الملک مخاطب شدند همشیره امجد الملک بهادر منسوب شد و از بطنش شیخ فخر الدین تولد
شدند و از عنایت حضور به خطاب شمس الامرا شمس الملک بهادر سرفرازی یافت تنادی
ایشان از دختر غفران مآب بشیر النسا بیگم همشیره فریدون جاه بهادر گردید را ولاد شیخ فخر الدین
خان چار فرزند کلان فرید الدین خان دوم بدر الدین خان خواص زاده سیوم رکن الدین خان چهارم
امیر الدین خان عمر شمس الامرا بهادر تخمیناً سی و نه سال جمعیت پایگاه سوار و بار جمله شش هزار
و در عوض جائداد تنخواه از محالات قریب بست و هشت لک روپیه مقرر است و پرگنات
جائداد نارائن کنڈه و گلبرگه الن گنجوی و بهالکی وغیره دارند و در صوبه بیجاپور و صوبه اورنگ آباد
نیز جائداد متفرق است کیفیت امجد الملک بهادر شیخ رحیم الدین بخطاب محمد امجد خان
سربلند جنگ امجد الملک رفیق و اقربایان تیغ جنگ اند بعد انتقال شمس الامرا بهادر از کارپردازی
شمس الامرا حال سرفراز بودند عنایات بندگانعالی غفران مآب بر احوال امجد الملک از باعث
حاضر باشی که روز و شب بر ڈیوڑی حاضر می‌بودند زیاده بود انتقال نمودند فرزندش سیف جنگ
و امام الدین خان و سردار علی موجود و تمامی امورات جاگیر وغیره سرکار شمس الامرا بهادر
متعلق دارند عمر امجد الملک مرحوم وقت انتقال تخمیناً هفتاد و چار سال سیف جنگ بهادر
پسر امجد الملک بهادر جاگیر پنجاه هزار روپیه از سرکار بندگانعالی و شریک جاگیرات شمس الامرا بهادر
اندر. کیفیت میر عالم مغفور. میر رضی شوشتری در عهد حضرت غفران مآب از ملک
خود در بلده فرخنده بنیاد داخل شدند و تمام ایرانیان مثل رکن الدوله مرحوم در
حضور معروض ساختند که میر رضی شخصی از ایران آمده است قابل و در علم عربی بسیار
مهارت دارند از راه پرورش جاگیر سه هزار روپیه در پرگنه پٹن چرو سرفرازی یابند حضرات
بندگان عالی پاس خاطر رکن الدوله بهادر از جاگیر مذکور سرفراز فرمودند میر مذکور را دو فرزند
یکی میر ابو القاسم عرف میر عالم بهادر دویمی میر زین العابدین که در سرنگ پٹن در سرکار ٹیپو
سلطان ملازم بود میر عالم برادر میر دوران آخر عمر خود از وکالت بپایه دیوانی و مدار المهامی
رسیده انتقال نمودند الحال عبد الله صاحب فرزند منیر الملک بهادر در فرزندی میر صاحب
مغفور اند فرزند میر زین العابدین میر امام خان حاضر اند میر عالم مغفور پیشتر بعهده وکالت

سرکار دولت مدار سرفراز بودند بعد انتقال ارسطو جاه مرحوم بعهده مدار المهامی امتیاز یافته اند دو
دختر داشتند هر دو به منیر الملک بهادر منسوب شدند هرگاه دختر نخستین انتقال نمود دختر دوم
یکی قرار یافت چنانچه در ذکر ایشان پیشتر گزشت - **کیفیت اعتصام الملک بهادر**
میر کاظم باشنده خجسته بنیاد بود و حساب قلعه خام دولت آباد داشت در عهد غفران مآب بمصاحب
رکن الدوله بر عهده منشی گری حضور پر نور سرفرازی یافتند خدمت منشی گیری از عرصه سی و نه سال
و مع کیفیت اعتصام الملک بهادر شهاب جنگ میر رضا علی شهاب جنگ برادر اعتصام الملک
منشی در رفاقت نواب صلابت جنگ از قلعداری دولت آباد سرفراز بودند میر حیدر خان
که نام اصلی منشی مسطور است در حضور بندگانعالی ملازم گردید و سرانجام امور منشی گری باستقلال
می نمود حضرت بندگان عالی به خطاب اعتصام الملک بهادر سرفراز فرمودند غلام سید خان که
بعد آمدن پونا کار منشی گری حضور از اسمٰعیل یار جنگ میگرفتند بعد انتقال غلام سید خان
مرحوم میر عالم مغفور امور منشی گری حضور از اعتصام الملک بهادر گرفتند الحال از باعث ضعیفی
بهادر معز استیفا داده رشید واله فرزند کلان خود را در حضور باشی مقرر نمودند و از اعتصام
الملک بهادر پنج فرزند اند کلان رشید الدوله بهادر که بر کار منشی گری و قلعداری دولت آباد
معمور و شادی بهادر مذکور از دختر سرفراز الملک بهادر رشد و دو فرزند دارند یکی میر اسمٰعیل
و دیگر میر صادق علی پسر دومی اعتصام الملک وحید الدوله تعلقداری قلعه پینڈا سرافراز
و از دختر غلام حسینخان شادی گردید یک فرزند موسومه میر غلام حسین دارند سومی عباس علیخان بهادر
شادی بهادر معزاز دختر افتخار الملک بهادر گردید یک فرزند بنام میر احمد علی دارند چهارمی میر ابراهیم
علیخان از تعلقداری قلعه بهاتمره ممتاز دار دختر سلطان نواز خان منسوب پنجمی دلاور علیخان انتقال
نمودند شادی مرحوم مذکور از دختر میر ابو تراب گردید دو فرزند کلان میر محمد صالح و فرزند خورد
میر الف علی از قلعه داری قلعه ٹپیال باری سرفرازند اعتصام الملک شانزدهم شوال سنه ۱۲۳۶ هجری
قضا کردند رشید الدوله اجرای کار منشی گری و عباس علیخان بخدمت عرض بیگی مامور اند -
کیفیت رکن الدوله مرحوم سید محمد از سادات موسوی باشنده شهر بخارا نزد نواب غازی الدین خان
بهادر شاه جهان آباد آمده ملازم شد نواب موصوف بعزت و حرمت تمام نزد خود داشتند و

برا ے تربیت علم ترکی متعین نواب مغفرت مآب نمودند نقل است مغفرت مآب در عہدی
خود بخطاب میر ترکی خاں سرفراز فرمودند وہمیشہ مقرب میداشتند در اولاد سید موصوف
میر موسی خان تولد شدند از مسطور چار فرزند کلان میر محمد احتشام جنگ بیشتر در حضور غفران
مآب بعہدہ دار وغگی ہر کارہ ہا سرفراز بودند من بعد در سنہ یکہزار و یکصد و ہفتاد و ہفت
ہجری بہ خطاب رکن و خلعت دیوانی امتیاز یافت ابراہیم خان و غیرہ سرداران جمعیت بار بنا بر
طلب تنخواہ خود بر ڈیوڑھی سرکار ہنگامہ و دنگہ نمودند تو پہا بر دروازہ نصب کردند ہیچکس را اندر
دیوانخانہ رفتن نداد ند درویش محمد خان داروغہ دیوانخانہ کہ برای فہمایش آنہا آمدہ بود او را
ابالای توپ نشایندند رکن الدولہ از جاگیرداران و اہل کاران پنجاہ لکھہ روپیہ باقرار سجائی
جاگیرات کار خدمات اخذ نمودہ از ساہوان بعنوان قرض گرفتہ فیصلہ حساب طلب تنخواہ
سپاہ لغایت برطرفی ساختہ آنہا را شہر بدکہ پنجاہ لکھہ روپیہ از زمیندار آن ملک سرکار بطور اضافہ
چہار اتی برقم معمولی نویسایندہ گرفت و قرار کرد کہ عہد دیوانی خود بد قولی نخواہد شد چنانچہ زمیندار آن
از راستی قول رکن الدولہ مسطور نوعی با آبادی ملک سرگرم شدند کہ تحصیل از ملک مضاعف رسید
و ہیچکس از اطاعت سر نہ پیچید تاریخ انتقال رکن الدولہ مرحوم بست و ششم صفر سنہ یکہزار و یکصد
ہشتاد و نہ ہجری کہ لغایت سنہ ۱۲۳۷ھ چہل و نہ سال میشود بعد انتقال رکن الدولہ حضرت غفران
مآب بنفس نفیس خود انتظام مہام میدادند راجہ راے رایان و نانا پنڈت ہر دو برادر اجرا کار
مینمودند وقار الدولہ و صمصام الدولہ ہر دو باتفاق شریک مشورہ کلیات حضرت غفران مآب
تا آمدن غلام سید خان مرحوم بودند و قتیکہ در سنہ یکہزار و نود و پنج ہجری غلام سید خان مرحوم
آمدند آنزا سی و شش سال تا حال منقضی شدہ خود اجرائی کار سرکار مینمودند پس از آمدن غلام
سید خان مرحوم وقار الدولہ مذکور خود را از دست خود خنجر بگلو کشید و از قید حیات نجات یافت
و در اولاد رکن الدولہ مرحوم یک دختر متولد شدہ بود کہ از حاکم جنگ شادی نمودند و در عمر ہجدہ
سال انتقال نمود و یک منکوحہ باسم مہتاب طوائف ہمشیرہ چندا بائی مخاطب بماہ لقا تا
حال بقید حیات است فرزند دویم میر موسی خاں مرحوم پدر رکن الدولہ مرحوم احوال میر احمد
خاں تہور جنگ شرف الدولہ شرف الامراء شرف الملک بہادر ابتدا ر علاقہ روزگار در سرشتہ

منصبداران داشت و در عہد صلابت جنگ بمنصب و خطاب خانی سرفراز شد در ایامی کہ مدار
المہامی رکن الدولہ گردید بہادر مذکور بمنصب شش ہزاری و چار ہزار سوار و خطاب و عطای علم
و نقارہ و پالکی جھالردار و از پانزدہ لک روپیہ تعلقہ بیڑ و فتح آباد عرف دھارور و تعلقہ نامری
وغیرہ محالات کہ وصول آن قریب بست لک روپیہ بود و جمعیت قریب پنجہزار سوار و دو ہزار
بار و عرب و روہیلہ کہ در نوکری سرکار حاضر می بودند سرفراز شدند اشرف الملک بہادر سہ پسر
فرزند کلان بنام صولت جنگ در قلعہ زمل از گولہ ضرب توپ بکار سرکار نقد جان در باخت
دویمی داور الملک بہادر کہ در سنہ یکہزار و دو صد و ہیجدہ ہجری انتقال کرد سہ پسر میداشتند
یکی میر حسین علیخان اشرف جنگ اشرف الدولہ بہادر کہ در سنہ ۱۲۲۲ھ درگذشتند از ایشان یک
فرزند نامش میر موسی خان است اشرف الدولہ بہادر جاگیر جمعیت پنجاہ سوار و پنجاہ بارگیر و
پنجاہ راس اسپ بعلاقہ تحویل فرزند دویم داور الملک مرحوم میر علی حسن خان محکم جنگ از ایشان
یک فرزند نامش میر احمد یار خان فرزند سوم میر علی حیدر خان تہور جنگ در علاقہ جاگیر صد سوار
و جاگیر سی و شش ہزار و پانصد و نود روپیہ نقدی دارند از ایشان یک دختر فرزند سوم میر احمد
یار خان اشرف الملک مسطور بنام یاور الدولہ بہادر کہ در سنہ ۱۲۳۱ ہجری درگذشتند بجاگیر
ذات سرفرازاند جمعیت ندارند از ایشان سہ فرزند میر واجد علیخان و میر رضا علیخان و میر زین العابدین
فرزند سوم میر موسی خان مذکور پدر رکن الدولہ مسمی میر ایزدیار خان حشمت جنگ از ایشان فرزند
متبنہ فرزند چہارم میر حامد یار خان ارسلان جنگ اولاد نمیداشتند۔ کیفیت رفعت الملک
بہادر ہرگاہ کہ در عہد محمد شاہ بادشاہ حضرت مغفرت مآب از شاہ جہان آباد ارادہ دکن فرمودند
سید لشکر خان نامی جد عموی بہادر معزز اکہ در منصبداران بادشاہی بود ہمراہ آوردہ در نواح حیدرا
باد و خجستہ بنیاد وغیرہ از جاگیر ذات بست و پنجہزار سوار سرفراز فرمودند خان مذکور از مقربان
حضور ماندند بعد چندی میر ظریف خان برادر خان مذکور مع زور آور جنگ نامی پدر رفعت الملک
بہادر و میر حملہ عم بہادر معزز از ہندوستان نزد سید لشکر خان آوردند و میر ظریف خان باور دگی سید
لشکر خان از جاگیر سی ہزار روپیہ در صوبہ خجستہ بنیاد وغیرہ سرفرازی یافتند چندی در طویش بارست
ناصر جنگ شہید لشکر خان صوبہ داری خجستہ بنیاد و در عہد صلابت جنگ بخدمت دیوانی ہم مامور

بودند روبروی میر ظریف خان جد رفعت الملک سید لشکر خان انتقال فرمودند و میر جمله بسبب
قرابت دامادی ولیعهد سید لشکر خان شدند و نیز بکار نظامت خجسته بنیاد در عهد حضرت غفران مآب
سرفراز و مامور بودند وزور آور جنگ بهادر پدر رفعت الملک بهادر از رساله مغلیه و محالات ناندیر
وغیره سرفراز شدند تا حال رفعت الملک بهادر بدستور پدر خود عوض ۹ لک روپیه از محالات ناندیڑ
وغیره در جاگداد جمعیت هفت صد سوار و هشت صد هفتان جوان بار سرفراز بودند و در سنه یکهزار
و دو صد و سی و پنج هجری بسبب چند وجوهات رعایای ناندیڑ وغیره عرائض نالش به حضور ریڈنس
اینجا گزرانیدند و از اینجا در باب تدارک و داد دهی ایما رفت راجه چندو لعل بهادر قریب بست لک
روپیه بطور تاوان گرفتند و بحضور طلب کردند مفتریان را بسیار چشم نمائی نمودند از آن وقت از
علاقه ناندیڑ معزول و در جمعیت هم اختصار کردند خانه نشین می باشند و رسم شادی رفعت الملک
بهادر از صبیه میر لقمان خان عموی ضیاء الملک بهادر بعمل آمده نام پسران رفعت الملک بهادر
میر نظیر علیخان و میر اکبر علیخان و میر نجف علیخان و میر دلاور علیخان و میر فتح علیخان و میر غلام
دستگیر خان است منجمله پسران بهادر مذکور پسر خورد بهادر مسطور در سنه ۱۲۳۶ هجری فوت
کرد شادی میر نظیر علیخان از دختر صادق میر خان نامی از اقربایان بهادر معزو میر اکبر علیخان
بخانه مقرب خان قلعدار بالکنڈه و شادی میر نجف علیخان از دختر عظمت خان نامی جاگیردار
بعمل آمده است و شادی دو پسر و دو صبیه دریافت طلب وزور آور جنگ بهادر پدر رفعت
الملک دو برادر بودند یکی بهادر معزو دویمی عظیم الملک بهادر بسبب تقاضای سرکار عالی در
احاطی اورنگ آباد و نااتفاقی ارسطو جاه بعد سفر بالکل گریخته چندی در ملک مرهٹه اقامت داشته
بوقت راجه چندو لعل مهاراجه بهادر در بلده آمده از سرکار بجاگیر بست هزار روپیه سرفراز شده
در قصبه پربهنی ماندند - کیفیت نور الامراء مرحوم محمد قاسم خان مندل از نسل نوشیروان عادل
کیانی جد نور الامراء بهادر را نواب شجاع الدوله وزیر الملک مساعده فرستاده از قصبه سامانه
مضاف چکله سرهند صوبه دار الخلافت شاه جهان آباد طلبداشته رساله یکهزار سوار عنایت
فرموده ملازم داشتند بعد انتقال قاسم خان مسطور و غلام کمال خان پدر نور الامراء بهادر بدستور
در سرکار وزیر الملک ممدوح ماندند بعد انتقال کمال مرحوم نور الامراء بهادر بعلاقه پدر خود مو

شدند و باعتماد قدامت در وقت نواب آصف الدوله مرحوم مع رساله ذات خود یک پلٹن و
چهار ضرب توپ نورالامرا بهادر بنا بر حفاظت ازملک سرحدی چهار ده لک کناره دریائے
گنگ از هردوار تا نجیب آباد و پتهر گڈه دار انگر باضافه در ماهیه پنجهزار روپیه سرفرازی یافته
چونکه ارسطو جاه از حیدرآباد مساعده یک لک و پنجاه هزار روپیه فرستاده اند درانوقت نواب
آصف الدوله اجازت رخصت نداده بود انتقال نواب موصوف در ماه ذیلحجه سنه ۱۲۱۲ھ داخل
اورنگ آباد شدند بعده در بلده فرخنده بنیاد رسیده از حضور غفران مآب بسرفرازی ششش
رقم جواهر و جاگیر نیم لک و هفت هزار روپیه و علاقه چوکی ڈیوڑهی عزامتیاز یافت و چهار لک روپیه
ارسطو جاه بهادر بنا بر طلبیدن متعلقان بهادر معزداد ند بعد رسیدن متعلقان ده لک روپیه
را جاگیر و سه هزار روپیه ماهوار سوار و پیاده مع جایداد جمعیت شانزده لک و هفتاد هزار روپیه
مقرر شدند بعد انتقال ارسطو جاه مرحوم نورالامرا بهادر از کشمکش هائے میر عالم مغفور اخراج در
اورنگ آباد یافته بودند چونکه هنری رسل صاحب بهادر از پونه بر رزیڈنسی حیدرآباد مامور شد در
سنه ۱۲۴۶ هجری همراه آورده شش لک روپیه را جاگیر ورنگل و هنمکنڈه وغیره مقرر کنانیده دادند
و بهادر معزبعمر پنجاه و هشت سال رسیده ششم سنه ۱۲۳۶ هجری داعی حق را لبیک اجابت گفتند
چهار فرزند دارند سه فرزند را شادی شده است و یک فرزند تا حال نا کتخدا و صاحب اناث هر چهار
فرزندان کسے نیست فرزندان کلان علی یاور الدوله بهادر عمر سی و چهار ساله و دویمی کامیاب
الدوله بهادر عمر سی و یکساله سومی یاور الدوله بهادر عمر بست و شش ساله فرزند چهارم خورد بعمر
بست و یکساله مسمی دلاور علیخان بهادر رسم شادی علی یاور الدوله در قوم برادری خود با دختر عمه
خود در اورنگ آباد بعمل آمده و شادی کامیاب الدوله بهادر با صبیه نواب وجیه الدین خان
میڈل که در سامانه مختار کاروبار دیهات و سواران است از وطن طلبیده بودند عرصه ده
سال شد که رسم شادی بعمل آمده و بعد فوت شادی یاور الدوله با دختر نواب سکندر الدوله بهادر
سنه ۱۲۴۸ هجری در حیدرآباد شده و نسبت دلاور علیخان بهادر پسر چهارمی نورالامرا مرحوم از
دختر قلندر بخش خان منڈل بعمل آمده هنوز رسم شادی بعمل نیامده و قلعه امام گڈه که اندرون
قلعه سامانه واقع است بنا کرده محمد قاسم خان جد نورالامرا مرحوم است تا هنوز دخل و تصرف

در قلعه مسطور مع پنج موضع سامانه و آمدنی محصول سائر بطرف نور الامرا مرحوم است و قلعه مرتضی پور
مع شهرپناه از سامانه فاصله بست و پنج کروه بطرف مشرق داد و بنا کرده جد نور الامرا مرحوم
وقتیکه جد بهادر مغفور نزد نواب شجاع الدوله مرحوم آمدند در قلعه مذکور تصرف سکهان
گردید و محمد عظیم خان بهادر مند مذکور از بزرگان مرحوم مذکور در آنجا بسیار به ثروت ماند چنانچه
بیکهزار سوار پایگاه و یکهزار و هفت صد موضع را زمینداری میداشت و قلعه عظیم گڈهه و
کٹهری پٹیاله و شهرپناه قصبه سامانه و در قصبه بهوان پرگنه مواضعات قصبه مذکور یکصد و پنجاه
یکصد و پنجاه گڑهی خام بنا کرده محمد عظیم خان بهادر است و بهادر مغفور را اولاد خود یک دختر
میداشت که منسوب بغلام کمال خان پدر مرحوم مذکور بود و از بطن او نور الامرا مرحوم متولد شدند
محمد عاقل خان مند مذکور را دو فرزند یکی مسمی بدیوان حسن محمد خان جد ارسطوجاه مرحوم دو دیگر محمد قاسم
خان جد نور الامرا مرحوم کیفیت حسب و نسب سرور نواز جنگ اینکه بهادر مغفور فرزند محمد حفیظ خان
و خان مسطور برادر حقیقی محمد عظیم خان نانا حقیقی نور الامرا مرحوم والده سرور نواز جنگ مذکور
تا حال در اینجا زنده اند امرا مرحوم دو دختر بنام عمده بیگم و حبیب النساء بیگم داشتند
شادی عمده بیگم مسطور همشیره حقیقی کامیاب الدوله از سرور نواز جنگ و شادی حبیب
النساء بیگم در سنه ۱۲۳۴ھ از غلام محی الدین خان پسر قلندر بخش خان بعمل آمده در سنه ۱۲۴۳ھ
حبیب النساء بیگم مسطور فوت کرد و نور الامرا مرحوم دو محل ذی اولاد داشتند سه فرزند
و یک دختر از محل شادی و محل دویم یک کنچنی از موضع بریلی همراه آورده بودند از بطنش
دلاور علیخان بهادر النساء بیگم مغفوره چنانچه والده کامیاب الدوله وغیره رحلت
کرد و والده دلاور علی خان بقید حیات است و بالفعل معاش سابق نور الامراء مرحوم
همه مغفور قریب یک لک روپیه جائداد در رکهنی راجه چندو لعل بهادر
برای فرزندان نور الامراء مرحوم کرده داده اند و بهیٹه مذکور در قرض کوٹهی پالمر صاحب
مقرر گشته و آمدنی اش در کوٹهی میرسد - کیفیت افتخار الدوله افتخار جنگ اینکه عنایت
الله خان نامی دیوان خالصه و دیوان تن و خانسامانی بادشاه عالمگیر اورنگ زیب دو صبیه
داشتند یکی به مبارز خان بهادر عماد الملک مرحوم منسوب بود و صبیه دوم به سید دلاور خان

منسوب بود آن صبیه دلاور خان مرحوم شهامت جنگ کلان مبارز خان مرحوم
جد افتخار الملک منسوب بود و صبیه دویم بفرزند برادر حقیقی شهامت خان که بخطاب
مبارز خان سرفراز بودند منسوب بود دلاور خان بهادر در عهد صلابت جنگ مرحوم تعلقه
سرافرازی داشت و بعد آن تحت دیهه از دیهات گلبرگه قلعداری در عهد غفرانمآب
تفویض یافت و دیهات درکی در جاگیر بود و خدمت بخشی گری بادشاهی نیز در عهد غفرانمآب
تفویض یافت بعد انتقال بهادر معز افتخار الدوله حال بخدمت بخشی گری بادشاهی مامور
بخشی گری بادشاهی عبارت از اینست هرکه از خطاب و منصب سرفراز میشود از دفترهای
معز افراد منصب و خطاب بدستخط خاص جاری میشوند و تسلیمات خطاب در حضور پرنور باستصواب
بهادر معز میگردد و اینکه بخشی بادشاهی وقت باریابی هرکه خطاب یا منصب شود همراه
آن بآداب گاه استاده شده بآواز بلند عرض میسازند که فلانی باین قدر منصب باین خطاب
سرفرازی یافت و هر شخص راکه خطاب و منصب میشود بطور تواضع و تحریک سلوک میکند
جمعیت بدارند و نیز بر چودهریها مثل چودهری سبزی منڈی و میوه منڈی تا آنکه
چودهری نیلچه بندها و گل فروشها وغیره همین قسم اهل فرقه آنجا رجوع شده نذرانه بحال
چودهرات میدهند و حصول سند میسازند و براسناد حضور پرنور که بعنوان جاگیر
میشود مهر بادشاهی دیوانی هم میگردد و آن سند را دومهری میگویند چهارڑه کامل صوبجات
سرزد متصدیان دفتر دیوانی باشند عمر افتخار الدوله بهادر تخمیناً پنجاه و نه سال شادی
از دختر غلام حسین خان منصب دار بعمل آمده بهادر معز یک پسر دارند - کیفیت
قطب الامرا این ست که خواجه باباخان باشندهٔ بخارا شریف فرزند بادشاه بخارا
و دهلی شدند آصفجاه خبر ورود ایشان یافته بتقریب ملاقات رفته همراه آوردند و بآرزوی
تمام نزد خود داشتند تا چهار ماه اسلوب مزاج و کیفیت خاندان دریافته بادشاه بیگم
دختر خود را شادی نموده دادند از بطن بادشاه بیگم خواجه میر عبد البقا خان تولد شدند
شادی ایشان از دختر نواب مرحمت خان گردید از ایشان میر محمود خان منصور
جنگ قطب الامرا بهادر متولد شدند شادی بهادر مذکور از حاجی بیگم دختر

نامور جنگ شہید گردید از بطن بیگم مذکور دو دختر تولد شد نسبی یکے امانی بیگم دویگر وزیر النسا بیگم امانی بیگم مذکورہ از نام آور جنگ فرزند میر مغل علیخان ابن آصفجاہ منسوب شد و در سیوم شادی از دختر دیگر گل بادشاہ تظامت جنگ گردید و فرزندان قطب الامرا بہادر کہ از ازواج نکاح بقید حیات اند بموجب ذیل میر حامد علیخان و میر سید منظم علی خان فرزند اول میر سید محمد جان و میر احسن اللہ خان از بنیری میر نصر اللہ خان فرزند لیاقت جنگ شادی شد ۔ کیفیت نامدار خان مخاطب بہ برقنداز خان و رازدار خان مخاطب بقر اول خان برادر کلان نامدار خان مذکور ہر دو در رکاب حاضر بودند در وقت میر عالم مغفور بارشاد حضور پرنور بندگانعالی حال برقنداز خان یکصد و پنجاہ سوار بقراول خان پنجاہ سوار و در ماہہ ذات چہار صد روپیہ قرار یافت در سال یکہزار و دو صد و سی ہجری برقنداز خان مذکور بسبب شورہ پشتی و دنگہ و فساد از نسبت راجہ چندو لعل بہادر در باب طلب بقایائے تنخواہ بہ حکم حضور پرنور از نوکری سرکار موقوف و اخراج بلدہ گردید نامبردہ تاحال در مشیر آباد کہ متصل حسین ساگر است از ناپرسانیہا قیام میدارد و قراول خان در سنہ مذکور یک بیگ در مکان مسکن خود کہ آنطرف شمال روبیہ بیگم بازار پیٹھ کہ بنام خود یعنی رازدار خان پیٹھ کردہ بود بمرگ مفاجات مرد ۔ کیفیت سلطان میان از قوم پیرزادہ مہدوی باشندۂ کہندیلہ موضع ہندوستان در عہد غفران مآب آمدہ بصیغہ سوداگری در بلدہ فرخندہ بنیاد اقامت میداشت غلام سید خان مرحوم المخاطب بارسطو جاہ ہمشیرہ زادی نواب بیگم را در نکاح داد میان پسر کلان مشارٌالیہ آوردہ دو صد سوار و در عوض آن پرگنہ انکل کور وغیرہ دادند بعد آن در وقت مہنت رام سہ صد سوار اضافہ شدہ جملہ پانصد سوار از انجملہ چہار صد سوار در لشکر فیروزی متعینہ راجہ گوبندبخش بہادر و تتمہ در رکاب و جمعیت بارہشت صد نفر برائے حفاظت تعلقہ کنگ گیری کہ در اینجا مفسدہ بسیار میباشد بمشارٌالیہ سہ پسر یکے داد میان دویم محمد خان سوم بہکو میان و سہ صبیہ یکے بہ خلیل صاحب پسر سعید الدولہ و دویم بہ لطف علی خان پسر عظیم خان سوم بہ برادر نیاز بہادر خان دادہ اند ۔ کیفیت

عزت یارخان این است در عهد صلابت جنگ مرحوم حضرت غفران مآب بصوبه داری
صوبه برار مشغول بودند عبدالقادر نامی طالب علم جد عموی عزت یار خان مذکور از
بندر سورت در اورنگ آباد آمده در تکیه شاه محمود اقامت ورزید بعد چندے
از محمد غوث خان بخشی سائر ملاقات کرده باستصواب خان مذکور در برار رسیده ملازمت
حضرت غفرانمآب حاصل نمود بخدمت قضایائے لشکر سرفراز شدند هرگاه غفرانمآب
بدیوانی صلابت جنگ مرحوم قائم شدند عبدالقادر را بخطاب حکیم قادر یار خان سرفراز کنانیدند
من بعد حضرت غفران مآب در عهد ریاست خود بخدمت صدارت و احتساب بلده حیدرآباد
سرفراز فرمودند بعد چندے محمد جعفر والد عزت یارخان مسطور نزد قادر یارخان برادر
خود آمده ملازمت حضور غفران مآب حاصل نمود قادر یارخان در ایام بیماری خود در
حضور پرنور سفارش نمودند به خطاب حکیم جعفر خان سرفراز کنانیده انتقال نمود
بعد انتقال خان مذکور صدارت و احتساب به حکیم جعفر خان تفویض کردند بخطاب محی الدوله
سرفراز شد عزت یارخان دو برادر یکے خان مذکور دویم قادر یارخان هر دو ذی اولاد
فرزند کلان قادر یارخان در مناقشه افاغنه همراه حافظ عبدالکریم صاحب که شاگرد رشید
حافظ بود بزخم گولی مرد و فرزند کلان عزت یارخان از صبیه سید علی صاحب مدنی فرزند سید
پیر بادشاه صاحب مدنی منسوب است دیگر چهار فرزندان قادر یارخان موجود - کیفیت
مستقیم الدوله مرحوم حاجی محمد زمان مغل شوستری در بلده حیدرآباد روزگار پارچه فروشی
می نمود بقدر حال سرمایه میداشت یک مستوره از قبیل غربا قوم شیخ باشنده موضع ملک پیٹھ
که در بلده فرخنده بنیاد مسافت یک کروه دارد شوهر آن فوت شد حاجی مذکور به
نکاح خود در آورد از آن مستوره فرزند تولد شد بنام عبدالغنی که آینده مستقیم الدوله شد
میر عالم مغفور نظر بپاس هم وطنی و لیاقت عبدالغنی مذکور دریافته همشیره خود که از بطن
کنیزک بود بنام سکینه بیگم وقتیکه در سفر نادانی بودند از انجا نوشته فرستادند که قبل از داخل
شدن لشکر ظفر پیکر شادی سکینه بیگم از عبدالغنی کرده دهند درینجا همان طور بعمل آمد از مستقیم
الدوله بهادر دو دختر و یک فرزند دختر کلان به میرزا محمد حسین پسر میرزا محمد علی شوستری

از اقربای میر عالم مغفور منکوح و دختر دویم بفرزند بهرام الدوله مرحوم منسوب ورسم شادی
فرزند مسمی بمیرزا محمد علی در ماه جمادی الثانی سنه ۱۲۳۵ هجری از دختر حسن یاور الدوله پسر امین
الملک مرحوم بعمل آمده و مستقیم الدوله مرحوم بباعث حکایت خود در وقت حشمت جنگ
مغفور از بلده اخراج شده در جاگیر خود قیام میداشت و نظر به حقوق پرستی مبلغ دوازده
هزار روپیه سالیانه سرکار عظمت مدار بمرحوم مسطور میرسید هفتدهم رجب سنه ۱۲۳۴ هجری
بمرض فالج اینجهان فانی را پدرود کرد حال جاگیر وغیره دیهات مرحوم بعد گزرانیدن مبلغ
بست هزار روپیه نذرانه به میرزا محمد علی مذکور قرار یافته است کیفیت کوکه ها در وقت حضرت
غفرانمآب وقت تولد حضرت بندگانعالی گردید میر مهدی نامی شخصی پدر کوکه ها ملازم
شده ملیه میر مذکور باسم مهوری بیگم بخدمت اناگری مامور شد نام اصلی جعفر یار جنگ باسم
میر جعفر و نام اصلی اسد نواز جنگ باسم میر حسین و قتیکه بندگانعالی حال مسند نشین شدند
هر دو برادر که در عالم صاحبزادگی باریاب می بودند همان طور بعد جلوس ریاست و مسندنشینی
نیز باریاب ماندند جعفر یار جنگ از حضور پر نور پنجاه سوار و پنجاه بارگیر و از منیر الملک بهادر
پنجاه بارگیر و از راجه چندو لعل بهادر دو صد سوار و پنجاه بارگیر و دو صد جوان پلین و یکصد جوان
روهیله داشت در سنه ۱۲۳۳ هجری انتقال کرد و اسد نواز جنگ کوکه خورد را از حضور پر نور پنجاه
نفر بارگیر و از راجه چندو لعل بهادر بست و پنج سوار و پنجاه بارگیر مقرر است
کیفیت سکندر یار جنگ نام اصلی سکندر یار جنگ بهادر منیر الدین خان ولد معین الاسلام
که در وقت غلام سید خان مرحوم مخاطب بارسطو جاه بخدمت قضات بلده فرخنده بنیاد سر
فرازی یافته بود و قتیکه حضرت بندگانعالی حال به شوله پور اراده فرمودند از باعث صحبت ایام
متوفی که از منیر الدین خان اتحاد داشت همراه تعیناتی کنانیده بملازمت بندگانعالی مشرف
گردید تا اینوقت از همان سابقه باریاب اند و در عهد مسندنشینی دو هزار جانان بارکه حضرت
بندگانعالی درچوکی پهره خاص ملازم فرمودند به بخشی گری آن سرفراز شدند تا حال
خدمت مذکور بحال است و نیز از خدمت کچهری عدالت سرفراز فرمودند عمر تخمیناً
پنجاه و چهار سال کیفیت محمد صلابت خان بهادر محمد صلابت خان بهادر ولد محمد

اسمعیل خان ابن سلطان حسین خان جد بهادر مغربا دو صد سوار در فرمانبرداری سرکار
دکن همیشه مصدر ترددات شایسته بوده بمقابله و مجادله مرهٹه ها کوششها داشت و نیز
بعهده داری ایلچپور از حضور غفران مآب و جمعیت پانصد سوار سرفرازی یافته بود و وقتیکه
رکن الدوله در سوال جواب محاسبه تعلقات صوبه برار درخواست نمودند و گفتند که باستصواب
ظفر الدوله خود انتقال سازند تندهی خان مسطور در ادای محاسبه نکرده نوبت به جنگ
رسانیده چنانچه از جمعیت سرکار به جنگ کشته شد محمد صلابت خان بهادر محمد بهلول بهادر
پسر خان مرحوم را حضرت غفران مآب پرورش بنهایت فرمودند بعد چندی بعهده داری
ایلچپور و جمعیت پانصد سوار سرفراز فرمودند وقتیکه غلام سید خان مرحوم بسرگردگی سکهه راو
بطرف برار برای مقابله سندهیه و بهوسله دهونکر بشراکت سرکردهای سرکار عظمت مدار
تعین نمود دهپت رام را نیز مع پٹهانان همراه دادند و تعیناتی محمد صلابت خان بهادر
نیز گردید و همان سفر اضافه جمعیت سابق و حال کثرے کم چهار هزار و یک هزار
نهصد سوار دو هزار بار و سوای جمعیت مشروطی یکهزار جوان بار برای گردآوری
تعلقجات ملازم ذات بهادر مغر مانده و محالات هشت لک روپیه که وصول آن چهارده
لک روپیه بود بهادر مغر سرفراز گردید چنانچه تا سنه ۱۲۳۴ هجری بحال مانده و در سنه ۱۲۳۵ هجری
پٹهانان وغیره سوار آن که اضافه جمعیت شده بود موقوف گردید صرف جمعیت سابق بحال
مانده راجه چندو لعل بهادر محالات جاگیرداد جمعیت حال بودند برآورده گرفته الحال
نیز محالات قریب هفت لک روپیه در جاگیرداد جمعیت سابق بحال است و فتح
جنگ خان به حضور طلب شده از محمد صلابت خان بهادر علحده گردید عمر بهادر
مغر لغایته سنه ۱۲۴۷ هجری هفتاد و چهار سال است و بهادر مغر را دو پسر بودند کلان
اسمعیل خان که از دختر فتح جنگ خان شادی شده بود و فوت کرد ازان یک پسر
بنام ابراهیم خان است بعمر بیست و پنج ساله و پسر دویم بهادر مغر نامدار خان این
را نیز از دختر فتح جنگ خان شادی گردید و نام زوجه محمد صلابت خان الو بی بی
دختر نامدار خان افغان است و در سنه ۱۲۳۰ هجری به بهادر مغر از خاص پسر بنام محمد ولایت

خان متولد شد۔ کیفیت فتح جنگ خان بہادر مرحوم قوم افغان و از عمر دوازده ساله رفیق
محمد صلابت خان بہادر بوده اند و سررشته قرابت باپسران و دختران مابین عمل آمده
و سوائے محمد فتح جنگ خان مسطور بکارپردازی بہادر معزز مامور بوده دو فرزند دارند
کلان غلام حسن خان بہادر در عمرش قریب سی و ہفت سال رسم شادی از صبیه محمد صلابت
خان بہادر بعمل آمده و پسر دوم غلام عباس خان بہادر بعمر بست و پنجساله که محمد صلابت
خان بہادر در فرزندی خود گرفته اند در ماه ذیحجه سنه ۱۲۲۷ ہجری رسم شادی پسر مذکور
از دختر کدام افغان که سابق نامزد بود بعمل آمده در سنه ۱۲۳۵ ہجری که موقوفی جمعیت افغانان
صلابت خان بہادر گردید و کارپرداز سرکار بہادر معزز فتح جنگ خان بود راجه چندولعل
بہادر خان مسطور را از محمد صلابت خان بہادر جدا کرده در ضلع اورنگ آباد جاگیر پنجاه
ہزار روپیه داده بودند چنانچه خان مسطور از تاسف درینجا رسیده انتقال کرد۔ کیفیت
نیاز بہادر خان ولد بہادر خان ابن نیاز بیگ خان که در سرکار نجف خان مرحوم رساله
یکہزار سوار داشت باشنده ہندوستان نیاز بہادر خان باراده روزگار وارد بلده
شده اول در رساله نور الامرا بہادر بر یک راس اسپ ملازم گردید و بعد ازان نزد
راجه دیبی داس که دیوان عاشور بیگ خان بود بعد انتقال مشارٌ الیه بسبب صغر سن
پسر مرحوم مذکور راجه زبور خود قابض شده بود و از دو سوار ملازم گردید و در ہمان
ایام از اہلیه ہائے عاشور بیگ مرحوم موافقت کرده نسبت خود با صبیه خان مرحوم مقرر کرد
و چینکه خویش خان مسطور شد و اطوار راجه دیبی داس ناپسندیده بود بعد کشمکشہائے
بسیار و قصه ہائے طول و طویل اخراج راجه مذکور گردید پسر عاشور بیگ خان مرحوم مخاطب
اعتبار الدوله حیدر بیگ خان بہادر مستقل جنگ که وارث رساله مذکور بود مدعی شد
چنانچه راجه چندولعل بہادر دست آویز از نیاز بہادر خان مذکور باین مضمون که بعد
گشتش حال که پسر مرحوم مذکور به سن شعور خواہد رسید رساله بپدرش حواله بپسر مذکور خواہم
کرد نویسانیده داد و نیاز بہادر بر رساله یکہزار سوار و سه صد و پنجاه جوانان علی غول که
بعاشور بیگ خان مقرر بود باراده اعانت راجه چندولعل بہادر قابض گردید در سنه ۱۲۳۵ ہجری

موقوفی سہ صد سوار از رسالہ مشارٌالیہ شد وجائداد آن راجہ صاحب بر آوردہ گرفتند الحال بتاریخ سوم محرم ۱۲۳۸ھ ہجری کہ بلوہ مسلمانان بلدہ بر افاغنہ مہدوی کہ مشہور بغیر مہدی اند بسبب کشتہ شدن حافظ عبد الکریم مجاہد اہل اسلام گردید نیاز بہادر خان بکمال جرائت وجلادت دو اسم از مجتہدان وچہار اسم افاغنہ بجان کشتہ خود ہم شربت شہادت چشید مرحوم مذکور ذی اولاد نیست ومبلغ پنج لک وشش ہزار وہفتصد وبست روپیہ دوازدہ آنہ در جائداد سپاہ محال مفصلہ الحال مرزا امان علی بیگ طفلکہ مغل عمر الشش متبنی کردہ بجایش قرار دادہ اند۔

دو محال سواران رکاب — دو لک [illegible] ۶ ر

سواران تعیناتی لشکر فیروزی سوائے سیندی صادر — دو محال — دو لک [illegible] ۶ ر

حویلی کوملکنڈہ پرگنہ مغل گڈھ

در دکہہ رساوہ — دو محال

کوند وغیرہ — یک محال

پرینڈہ بی بی وغیرہ — [illegible] محال

ملکان وغیرہ — یک

قصبہ سرودہ — یک

ماہل

پرینڈہ

بامن پیرکوپن وغیرہ — [illegible] محال

بورگانون وغیرہ — یک محال

سیو رم — یک محال

جامعہ — دو محال

کیفیت اکبر یار جنگ نام اصلی اکبر یار جنگ بہادر میر قمر الدین ولد معین الدین نقشہ نویس حویلی ہائے بلدہ فرخندہ بنیاد بود مگر قمر الدین ولد معین الدین از سعی خود تحصیل علم عربی وفارسی نمودہ لیاقت پیدا کرد حضرت غفران مآب بادشاہ حضرت بندگانعالی حال مامور فرمودند از ہمان شاعر در حضور پرنور باریاب اند ونیز بخدمت تختی گری شاگرد پیشہ وجاگیر چہار ہزار روپیہ سرفرازی دارند تا حال بحال است واولاد اکبر یار جنگ موجود اند منجملہ آن فرزند کلان امام الدین خان حضور رس است بتاریخ نہم صفر ۱۲۳۸ھ ہجری بوقت شام در نماز بسجدہ دویم جان تسلیم کرد

کیفیت محمد سبحان خان بہادر ہر دو برادر حقیقی ولد سلطان خان باشندهٔ ہندوستان محمد روشن
خان برادر کلان محمد سبحان خان در وقت غلام سید خان مرحوم از جمعیت پانصد سوار آمده ملازمت
حضور غفرانمآب حاصل نمود ملازم سرکار گردید غلام سید خان مرحوم در حضور پر نور عرض
کرده محالات پنج لک روپیه برسی وغیره صوبه دار در جاگیر جمعیت دادند بعد انتقال محمد
روشن خان محمد سبحان خان بہادر بجائے برادر سرفرازی یافتند جمعیت بہادر معز
الحال یکہزار و یکصد سوار و سیصد جوانان بار و در وبست از جاگیر بحال بود مگر پرگنه بوه گانون
که برائے تنخواه پائیگا علاقه میا رام وجتن بعل بود و عوض کاه و دانه که بہادر معز
در آن تندہی نمیکردند موقوف شد عمر بہادر معز قریب پنجاه سال شده بست و دوم رجب
۱۲۳۲ هجری انتقال نمود رسم شادی بہادر معز از دختر نامدار خان افغان بعمل آمده دو
پسر بہادر معز بودند یکے فیاض علیخان که در ۱۲۳۶ه بمرض وبا مرد دوم قطب علیخان آن عمر
سی ساله بسبب قرضداری قرض خواهان و بلوه طلب تنخواه سپاه راجه صاحب جاگیر وغیره
به طور خود مبلغ یک لک نقد سالیانه به قطب علیخان میدهند و رساله برهم شده
مگر جزوے مردم برفاقت خانمسطور هستند و محمد سبحان خان بہادر را یک دختر هم بود که
رسم شادی اش از همشیره زاده بہادر معز بعمل آمده ـ کیفیت شریعت پناه متوطن شاهجهان
پور ـ طالب علمی شریعت پناه مغفور از شاهجهان پور تا رام پور ـ هرگاه مولانا عبدالعلی صاحب
از رامپور در بنگاله آمدند شریعت پناه مغفور نیز همراه بودند بعد آن نواب منظفر جنگ مرحوم نواب
بنگاله خدمت قضائی پورنیا و بیناج پور در ۱۲۰۰ه هجری سپرد نمودند من بعد خدمت
داروغگی عدالت باقرگنج از سرکار نواب موصوف در ۱۲۰۳ه هجری تقرر یافت و تا وقت متوفی
نظامت از سرکار نواب ممدوح این خدمت بحال ماند من بعد تا حین حیات نواب ممدوح
رفیق بودند بعد انتقال نواب مرحوم بسواری جهاز برائے ملاقات مولانا ممدوح در ۱۲۰۶ه هجری
اتفاق رسیدن چینا پٹن گردید بسر رشته خانسامانی نواب عبدالوهاب خان برادر والا
جاه مرحوم نوکر شدند تخمیناً تا مدت دو سال درین خدمت بوده در ۱۲۰۸ه هجری از چینا پٹن
در بلده فرخنده بنیاد آمدند و در ۱۲۰۹ه هجری خدمت تدریس اول و افتای اول از سرکار

غفرانمآب تقرر یافت و در سنه ۱۲۱۱ هجری خدمت قضا قرار یافت چهار فرزند دارند از شادی
وطن محمد ذوالفقار خان که بعلم ولیاقت بهره وافی دارند و بسن چهل و هشت سال رسیده اند
فرزند دویم از شادی بنگاله موسومه عبد الحی بن بست و شش سال فرزند سوم از نکاح بی بی
حیدر آبادی مسمی عبد المجید بن هیجده سال چهارم عبد العزیز بن هشت سال شریعت پناه
کلان را مرض ضیق نفس بود چنانچه در سنه ۱۲۳۶ھ قریب هشتاد سال رسیده ودیعت حیات
سپردند الحال پسر کلان محمد ذوالفقار خان بر خدمت قضا مامور اند - کیفیت کوتوال شهر
صف شکن خان جد طالب الدوله مرحوم منصبدار بادشاهی از طرف بادشاه بر قلعداری
دهارور سرفرازی داشتند بعد آن مغفرت مآب بخانسامانی خود سرفراز فرمودند محمد تقی
خان ولد طالب الدوله مرحوم در رفاقت غفران مآب بسر بردند رضا علیخان عموی طالب
الدوله مرحوم در عهد غفرانمآب بعد تقدی حکم بادشاه به هنگامه عالیجاه بخدمت کوتوالی بلده
مامور شدند در سابق بعهده داروغگی تماشیان و اصطبل حضور مامور بودند چنانچه
تاحال هر دو عهده بنام حسن علیخان پسر کلان طالب الدوله بحال است و قریب پنجاه و شش
سال که عموی مذکور فوت کرد در سنه ۱۲۳۶ھ بتاریخ بستم شهر شعبان محمد تقی خان طالب
الدوله ودیعت حیات سپرد و حسن علیخان مذکور برا عانت راجه چندو لعل بهادر بعهده
کوتوالی قائم شد و طالب الدوله مرحوم پنج پسر و دو دختر گذاشت کلان پسر حسن علیخان بهادر
کوتوال حال از صبیه غالب الدوله عموی حقیقی متاز الیه کوداروغه هرکاره ها بودند شادی
بعمل آمده پسر دوم باقر علیخان بهادر رسم شادی از صبیه حسین یاور الدوله پسر امین الملک بهادر
بعمل آمده بود پسر سوم جمال علیخان بهادر را از صبیه رحمان یار خان همشیره سرفراز الله خان منسوب
بود صبیه مذکور فوت کرد پسر چهارم فراست علیخان از صبیه همت یار جنگ نسبت تقرر شده
پسر پنجم ذوالفقار علیخان هنوز منسوب نشده و دو دختر یکی پادشاه بیگم منسوب
به علی رضا خان برادرزاده طالب الدوله مرحوم دویم پیاری بیگم منسوب به محمد نصیر باقی پسر
علی بیگ خان - کیفیت امیر الدوله مرحوم - امیر الدوله مرحوم عرف محمد طاهر خان کوکه
غفران مآب چندے داروغگی جواهرخانه و فیلخانه سرفراز بودند و در عهد غفرانمآب -

انتقال کرد شادی اسد محمد خان امیر الدوله شهامت جنگ حال بنجانه محمود خان نامی قلعدار بیدر بعمل آمده نام اهلیه امیر الدوله منور بیگم و مشارٌ الیه چهار برادر خلف کلان مرحوم مذکور امیر الدوله حال که بعهدهٔ خانسامانی و داروغگی جواهر و فیلخانه سرفراز اند دویمی محمد یار جنگ اند به ڈیوڑهی عالی حاضری باشند سویمی کمال الدین خان بعهده سوال و جواب کبرجاه بهادر نزد راجه چندو لعل بهادر آمد و رفت چهارمی محمد سهراب خان بتاریخ بست و هفتم ذیلحجه سنه ۱۲۳۶ هجری امیر الدوله اسد محمد خان شهامت جنگ وفات یافت بدر الدینخان نامی پسر مرحوم مذکور بتاریخ شانزدهم محرم سنه ۱۲۳۷ هـ خلعت خانسامانی یافت ـ کیفیت میر واحد علیخان مخاطب به قمقام جنگ در عهد مغفرت مآب از دهلی ملازم شده همراه آمده بودند بعد انتقال مغفرت مآب در عهد صلابت جنگ مرحوم تعیناتی غفرانمآب که به صوبه برار روانه شدند از آن نوز در خدمت غفران مآب حاضر باشی میکرد چنانچه در کشتن حیدر جنگ نیز شریک بود دیگر فرزند دارند نام اصلی میر موسی بعد چندے بخطاب اکبر علیخان سرفراز شدند بعده از خطاب اصغر یار جنگ ـ کیفیت شهسوار جنگ شهسوار جنگ بنام آصف نواز جنگ مشهور بودند در منصبداران سررشته داشتند در عهد حضرت غفرانمآب بسبب ذی هوشی و سلیقه خود چندی اکثر شریک مشوره می بودند بعد چندی بسبب بعضے حرکات اخراج بلده شد و باز آمد الحال هم بیره هاے دی بجاگیرات ممتاز اند ـ کیفیت زبردست خان ـ خان در ملازمان متعارف مغفرت مآب و نیز در عهد صلابت جنگ مرحوم در تعیناتی غفرانمآب در سفر برار آمد بر داروغگی فراشخانه مامور بوده در کشتن حیدر جنگ نیز شریک بود خان جهانخان پسر کلان خان متوفی از عهد غفرانمآب تا حال بداروغگی فراشخانه مامور است پسر خان مسطور باسم نظر بهادر خان و بدر و میاں ولیسین خان متعارف اند ـ کیفیت لطیف الدوله از عهد غفرانمآب بداروغگی توشکخانه سرفراز اند کیفیت این است که محمد یار بیگ خان جد لطیف الدوله بهادر باشنده ولایت کاشغر مع سه چهار اقربائے خود وارد هندوستان گردید در رفاقت مغفرت مآب بموجب سه صد روپیه ماهوار بر منصب سرفرازی یافت همراه رکاب مغفرت مآب در برهانپور رسیده بمتاهلت پرداخت بعد چندے یک فرزند تولد شد لطیف بیگ نام

چون نا برده بسن شعور رسید بخطاب منصب و نوکری بمواجب یکصد پنجاه روپیه فرزند نامور
خود بقضای الهی فوت شد چون آصفجاه بمغفرت حق پیوستند لطیف بیگ خان در رفاقت
نواب ناصر جنگ شهید تا مدت شهادت ماندند و بعد شهادت در رفاقت صلابت جنگ
مانده باضافه مواجب و منصب سرفراز شد چون صلابت جنگ از نیجا درگذشتند در رفاقت
شجاع الملک بهادر آمده بخدمت توشکخانه و جاگیر نه هزار روپیه که در ضلع اورنگ آباد
واقع است سرفرازی یافتند و ایشان را یک فرزند غالب بیگ خان نام مخاطب بخطاب
لطیف الدوله که حالا بقید حیات است در سن هیجده سالگی همراه مهتاب جنگ خلف الصدق
نواب شجاع الملک موصوف مقید شده پیش هولکر رفتند بعد سه ماه از قید مخلصی یافته در اورنگ آباد
رسیدند در ینولا لطیف بیگ خان مذکور رفیق غفرانمآب شده فرزند خود را بمواجب
یکصد و بست و پنج روپیه در منصب نوکر کنانیده و خود بخدمت توشکخانه و بخشی گری
مردمان قائم خانی که یکهزار سوار و دو هزار پیاده بودند سرفرازی یافتند و همواره در سفر
و حضر رفیق جانثار غفرانمآب بودند و غفرانمآب نیز ایشان را مثل فرزندان پرورش
میفرمودند چون لطیف بیگ خان در حیدرآباد فوت شد غالب بیگ خان فرزند
ایشان بخدمت توشکخانه و خطاب معظم جنگ و جیغه و سرپیچ سرفرازی یافت
و جاگیر پدر نیز بنام ایشان تعزز پذیرفت و ماهوار موقوف شد و بعد چندے در عهد ارسطو جاه
بخطاب لطیف الدوله و کنٹھی مروارید سرفرازی یافت ایشان را دو فرزند یکی واجد بیگ خان
نام که بمبلغ یکصد روپیه ماهوار در منصبداران نوکر است و در قرابت تهنیت النسا بیگم صاحبه
یعنی بی بی صاحبه منسوب ایشان را نیز سه فرزند و بمواجب پنجاه پنجاه روپیه از سفارش
بی بی صاحبه نوکر اند و سومی کوچک دوازده ساله است و فرزند دومی لطف الدوله پیش
از سه سال در اورنگ آباد رفته در رفاقت راجه گوبند بخش بهادر نوکر شده بود بنام
لطیف بیگ خان - کیفیت خاندان نواب الف خان بهادر و منور خان بهادر کرنول
واله - نواب محمد خضر خان و نواب محمد رن مست خان قوم افغان پنی هر دو برادر حقیقی
در شاه جهان آباد منصبداران بادشاهی بودند از نواب محمد خضر خان سه پسر کلان نواب

داود خان دویمی محمد ابراهیم خان سومی محمد سلیمان خان نواب داؤد خان در بادشاهی عالمگیر
وزارت اسد خان ذوالفقار خان از حضور بادشاهی سرفراز شد بدکن آمدند و نواب
موصوف لاولد بودند محمد ابراهیم خان دو فرزند داشتند نواب محمد الف خان و نواب
رنڈوله خان نواب محمد الف خان مسطور دو فرزند داشتند نواب همت خان دویمی نواب
رحمت خان و نواب رنڈوله خان برادر نواب محمد الف خان مسطور یک فرزند داشتند
که نام رنڈوله خان بود و نواب رحمت خان پسر نواب محمد الف خان ذی اولاد بودند وده
پسر میداشتند و کلان محمد ابراهیم خان عرف محمد اعظم خان که انتقال کردند دویمی محمد حسین
خان انتقال کردند سومی نواب محمد الف خان که در سنه ۱۲۳۱ه هجری انتقال کردند چهارمی
نواب محمد انور خان پنجمی محمد قادر خان ششم محمد عزیز خان که انتقال کردند هفتم محمد
یحیی خان هشتم محمد یعقوب خان نهم محمد علیخان دهم محمد رستم خان که انتقال کردند نواب
محمد الف خان که در سنه ۱۲۳۱ه هجری انتقال کردند. و از ده پسر دارند کلان نواب منور خان
متولد در سنه ۱۲۰۷ه هجری از محل نکاح صبیه افغان دویمی محمد داؤد خان از بطن خواص سومی محمد
مظفر خان تولد در سنه ۱۲۱۳ه هجری از محل شادی بی بی زاده هستند چهارمی محمد رحمت خان
از بطن خواص پنجمی اکبر خان از بطن خواص ششم عمر خان از بطن خواص هفتم یوسف خان از
بطن خواص هشتم غلام محی الدین خان از بطن خواص نهم قادر خان از بطن خواص دهم
غلام غوث خان از بطن خواص یازدهم احمد خان از بطن خواص دوازدهم غلام رسول
خان از بطن طاؤس خاتون طوائف و محمد ابراهیم خان عرف اعظم خان برادر
کلان نواب محمد الف خان مرحوم دو فرزند داشتند یکی محمد داؤد خان دویمی باسم
محمد جعفر خان چنانچه داؤد خان مسطور مع فرزندان در نوکری سرکار عالی در بلده فرخنده
بنیاد حاضر میباشند از ابتدائے احکام کرنول محمد الف خان وغیره در سرکار عالی مبلغ
یک لک روپیه بسبیل پیشکش رسانیده آمده اند از وقت علحده شدن ملک در عوض تنخواه
جمعیت سرکار عظمت مدار که کرنول وغیره متعلق بملک کمپنی گردید بالفعل جمعیت مشروطی
در سرکار نواب موصوف کلیه یکهزار بار است سوائے جهت گرداوری و تحصیل تعلقات

پرگنه بمن گوه
[illegible]

پرگنه کارم سوری
[illegible]

پرگنه بچلنده
[illegible]
[illegible]
[illegible] تا حال جاریست

[illegible]

در سفر کنره بعلت خرچ محمد ابراهیم خان محال مذکور را نزد گوتبه تحقیق کرده داشته ارسطوجاه بوقت آمدن از پونا گزاشت کرده آورد فقط

کیفیت نظام یار جنگ ولد میر کاظم علی قوم سادات در سرکار ٹیپو سلطان ملازم بود از آنجا روزگار گزاشته در بلده حیدرآباد آمد و شادی میر کاظم علی مسطور از همشیره میر عالم مغفور گردید از بطنش یک فرزند بنام عباس علیخان تولد شد در ترقی میر عالم مغفور میر عباس علیخان بخطاب نظام یار جنگ حسام الملک و جاگیر ذات سرفراز شد و راجه صاحب چند و لعل بهادر از جاگیر دو صد سه را تعلقه برده پور سرفراز فرمودند و شادی نظام یار جنگ از دختر عتصام الملک گردیده یک فرزند بنام غلام حسین به نظام یار جنگ بهادر موجود است دیها در مذکور رو بروے مردمان قرابت خود از شاه نواز خان اظهار میدارند- کیفیت سعید الدوله بهادر- سعید الدوله بهادر و هادی الدوله بهادر هر دو برادران در سرکار دارا جاه شجاع الملک بهادر نوکر بودند در وقت ترقی میر عالم مغفور از آنجا بر آمده در سرکار بندگانعالی بسر رشته منصبداران منسلک شدند و مدار المهامی میر عالم مغفور از نیابت صوبه داری حیدرآباد

سرفراز شده سرانجام میدادند در ۱۲۳۰ھ ہجری نوت شده ہادی الدولہ بہادر از توجہ
راجہ گوبند بخش بہادر از نیابت صوبہ داری اورنگ آباد سرفراز شده بوداد ہم ہمانجا
انتقال نمود از سعید الدولہ مرحوم دو فرزند موجود اند یکے خلیل صاحب از دختر سلطان میان
شادی گردید یک فرزند تولد شده است دویمی میر محمد علی از دختر سید احمد علیخان منسوب
شده است کیفیت محمد عظیم خان بہادر اعظم الملک کیفیت اینکہ بعلاقہ بخشی گری و مدار المہامی در
سرکار تیغ جنگ مرحوم مامور بودند مرد فہمیده آماده کار از ایشان سہ پسر یکی بندہ علی خان
بخطاب علی یار جنگ سرفراز اند در وقت خروج عالیجاه در کارزار جوئی داد مردانگی دادند
در بلده محمد عظیم خان قید و بندہ علیخان بدریافت اینمعنی خود را پیش ارسطوجاه در پونا رسانید
بعد رسیدن ارسطوجاه در بلده از حضور غفران مآب عفو جرائم محمد عظیم خان نموده بخدمت خانسامانی
سرکار مامور و بندہ علیخان ہیچ علاقہ نداشت از ان وقت مشارٌ الیہ بیکار دویم باقر علیخان
سوم قربانعلیخان سوم لطف علیخان دریافت طلب عصبیت و پنجبال شد کہ اعظم الملک
انتقال کردند و عہدہ خانسامانی با میر الدولہ قرار یافت ـ کیفیت بے نظیر جنگ بہادر محمد
معین از ولایت برائے تجارت در بلده آمده بودند درینجا اجناس وغیره بفروخت رسانیده
باز واپس روانہ ولایت خود شدند وقتیکہ دفعہ دیگر آمدند جعفر علیخان فرزند خود را ہمراه آوردند
جعفر علیخان مسطور از قسمت خود در حضور بندگانعالی مغفرت مآب ملازمت کرده
بسرفرازی محالات بعنوان منصب پنجہزاری و از خطاب حسام الدولہ بہادر معین الملک
سرفراز شدند ابوالحسن خان فرزند معین الملک مسطور از اندوختہ پدر خود بآرام بسر برند از
خان مذکور پسر بنام جعفر خان تولد شد جعفر خان مسطور در حضور بندگانعالی غفران مآب
عزت و اعتبار ہم رسانیده بعلاقہ عرض بیگی گری بخطاب معین الملک حسام الدولہ عز امتیاز
یافتہ پنج فرزند بہادر رمعر حاضر بودند کلان بی نظیر جنگ بہادر ضرغام الدولہ شادی از ہمشیره
مرشد علیخان ولد رستم علیخان ہمشیره زاده شاه یار الملک بہادر است دویم شوکت جنگ بہادر
از دختر یکی منصبدار شادی گردیده سیومی شہباز جنگ بہادر کہ در ۱۲۳۵ھ ہجری بروبلی
اتش دانکہ افتاد بہادر معر یک سال پیشتر انتقال کرده بودند چونکہ از راجہ چندو لعل بہادر

مقید برائے دریافت ڈانکہ بکوتوال شہر شد نشان آن در خانہ بے نظیر جنگ بہادر دریافت شد
معلوم شد کہ بہادر مغفر بطمع جواہرمال برادر خود گرفتند شادی شہباز جنگ بہادر از دختر
رشید الدولہ بہادر بعمل آمدہ بود چہاری جملل صاحب بیچی پسر از محل دویم بنام محمد علیخان کہ در
فرزندی شرف النساء بیگم دادہ اند و بیگم مسطور شادی او از ہمشیرہ زادی خود نمودہ اند
کیفیت عاقل الدولہ بہادر عاقل الدولہ باشندہ شوستر ہمشیرہ زادہ سید رضی صاحب
بعد آمدن از ولایت خود در خانہ میر جعفر علیخان جد بے نظیر جنگ بہادر شادی گردیدہ دختر
خود را بنام شرف النساء بیگم بفرزندان میر محمد قاسم خان کہ رفیق مبارز خان حاکم جانشین
صوبہ حیدرآباد بودند شادی کردند از میرزا قاسم خان سہ فرزند کلان مہدی یارخان دویمی
اسد اللہ خان سومی میر خورد دختر میر مہدی یار خان از بطن شرف النساء بیگم بنام خیر النساء بیگم
و شرف النساء بیگم مذکورہ رسم عقد دختر خود مسماۃ خیر النساء بیگم برضامندی خود از حشمت جنگ
بہادر کردہ دادند از خیر النساء بیگم یک فرزند و یک دختر در ولایت رفتہ اند بپاس خاطر
حشمت جنگ بہادر ارسطوجاہ عاقل الدولہ را بخطاب و جاگیر سرفراز نمودند تا حال جاگیر
بنام شرف النساء بیگم از سرکار دولتمدار جاریست ۔ کیفیت ظفر الدولہ بہادر ابراہیم
بیگ خان مخاطب بفاضل بیگ خان نامی جمعدار چند سوار و بہادر از ملک خود کہ ترکمان دم
بیاورند نوکر راجہ سیکاکول والہ گردید ابراہیم بیگ خان مسطور در حیدرآباد آمدہ تلاش نوکری
نمودہ لیکن کسی جا اتفاق روزگار نشد بعد ازان معاودت نمودہ بچیناپٹن در سرکار والاجاہ
بہادر از دو صد سوار و پانصد پیادہ ملازم شد وقتیکہ جنگ ترچناپلی گردید رکن الدولہ کارہائے
شجاعت و جرات ابراہیم بیگ خان دیدہ بعد فیصلہ جنگ از والاجاہ سوال نمود ابراہیم
بیگ خان کہ در سرکار نوکر است او را حوالہ مایان سازند والاجاہ بلاچار سے دست
ابراہیم بیگ در دست رکن الدولہ دادند رکن الدولہ شجاعت و مردانگی ابراہیم بیگ بچشم
خود دیدہ بودند از محالات نرمل و ایلکندل و بالکنڈہ و رنگل و تعلقہ راجہ اشوارا و زمیندار
عوض نگہداشت جمعیت چنانچہ کارہائے شجاعت میرزا ابراہیم بیگ احتشام جنگ
ظفر الدولہ مبارز الملک مشہور عالم است چہار فرزندان ابراہیم بیگ خان بودند کلان فرخ

مرزا بخطاب والد خود سرفراز گردید از حضور بندگانعالی یاندان رخصت گرفته نوکری
آنزا نخسته رفته بود در اثنای راه از دست مردم سرکاری کار آمد چهار فرزند میداشت کلان
یوسف علی مرزا دویم حسین علی مرزا سیوم ابراهیم مرزا چهارم سردار علی مرزا مرزا فرزند دویم
مرزا ابراهیم بیگ مرحوم یعقوب مرزا سویمی ابوتراب مرزا مسهور جنگ چهارمی یادرفت
طلب - کیفیت منشی اسمعیل یار جنگ نامبرده باشنده اند در بود و الغامدار اینجا بود
و در دارالانشا در وقت منشی گری شمشیر ونت در نیابت بودند و در جنگ کهرده وقت
روانگی مشیرالملک بهادر در پونه همرکاب بهادر معز حاضر بودند وقتیکه ارسطوجاه بهادر
از پونه بحیدرآباد آمدند از منشی گری دیوانی سرفراز نمودند بعد انتقال ارسطوجاه در حضور با
بندگانعالی حال تا چند ایام سرگرم ماندند و میر عالم بهادر از اسمعیل یار جنگ نوعی عداوت
میداشتند در حضور عرض نموده روانه جاگیر نمودند چند ایام مانده در اینجا یازدهم جمادی الاول
سنه ۱۳۲۳ هجری انتقال کرد پسرش عظیم الدین خان در بلده حاضر و از عنایات پرداخت
راجه چندولعل بهادر از جاگیر والد خود سرفراز - کیفیت سیف جنگ محمد غوث خان ناجی
از نارنول بارادهٔ روزگار در عهد صلابت جنگ مرحوم در بلده فرخنده بنیاد وارد شد
نواب غفرانمآب را صلابت جنگ مرحوم صوبه داری برار داده رخصت نمودند محمد غوث
خان در رفاقت غفرانمآب حاضر همرکاب روانه ایلچپور شد وقتیکه غفرانمآب در هنگامه
حیدربیگ بودند شرط رفاقت و جانفشانی از خان مسطور چنانکه باید بظهور رسید چون
غفرانمآب قائم مقام ریاست شدند محمد غوث خان مذکور بخطاب سیف الدوله و بخشی گری
تمام جمعیت و از محالات نلگنڈه و دیورکنده وغیره سرفراز شد خان مذکور دو برادر خود را از
نارنول مع عیال و اطفال طلبید از خطاب سیف جنگ و برادرش دیگر علاءالدوله
که دیده بود بعد چند ایام محمد غوث خان از عارضه بیماری انتقال نمود سیف جنگ
از اتفاق ابوالخیر خان شمس الامرا بعلاقه بخشی گری از حضور سرفراز شدند و نامور ی
از برادر خود زیاده پیدا نمود الحال یک فرزند از سیف جنگ مسمی بچگن میان سیف الدوله
و یک فرزند علاءالدوله بنام غالب جنگ حاضر است - کیفیت سید عاقل خان

خانمسطور از سادات بارہہ بدار و غلی ہرکارہ و در عہد مغفرت مآب سرفراز بودند چندے
بہ صوبہ داری ایلچپور در وقت غفرانمآب سرفراز بودند و از خطاب برہان الدولہ برہان
الملک امتیاز یافتند فرزندش سید حاجی بخطاب بہرام جنگ بہرام الملک و از جاگیر یکصد سوار
و دو صد پیادہ بار و در وقت میر عالم مغفور سرفراز شد و از ہمشیرہ میر عالم مغفور رسم
شادی سید حاجی بہرام الملک بعمل آمدہ از بطن ہمشیرہ مغفور مذکور سہ پسر کلان غلام حسین
خان بہرام جنگ کہ بستم ربیع الثانی سنہ ۱۲۳۵ ہجری وفات یافت شادی از دختر شہریار جنگ
شدہ بود دومی عاقل خان از دختر مستقیم الدولہ بہادر گردیدہ سومی سید غیرت خان
شادی از دختر میر زین العابدین متوفی برادر میر عالم مغفور شدہ است و دو پسر از خواص
یکی بنام قمر علیخان و دومی سید محمد علیخان ـ کیفیت وفادار خان شمشیر جنگ ـ از چیلہ ہائے
سرکار آصفیہ است و از تعلقات و کروڑگیری سرفراز بود و حضرت غفرانمآب بسیار عنایات
بر وفادار خان میداشتند الحال در اولادش یک فرزند و یک صبیہ است
کیفیت عبد الرحیم خان قلعدار گولکنڈہ ـ از خانہ زادان قدیم غفرانمآب پدرش جیون خان نامی
مثل امیر جنگ متوفی در جرگہ پیلہ بودند و از اواخر عہد غفرانمآب بعہدہ قلعداری قائم است
جمعیت قلعدار مذکور یکہزار و دو صد جوان عرب و تعیناتی مردم ٹپالہ نادعلی بیگ خان و
شمس الامرا بہادر و موسی رحمون است ـ کیفیت حافظ یار جنگ و تفنگ غلام سید خان مرحوم
در پونا بودند و باز در بلدہ آمدند از ان وقت بر عہدہ عرض بیگی گری تا زیست مرحوم مذکور
بحال بود بعد رحلت مرحوم مذکور جاگیر چہل ہزار روپیہ حاصل نود و پنجاہ سوار از سابق بحال اند
و سپرد چندی کارچوبینہ و تعلقہ بیڑ نمودہ بود و ہم چند اسپان پائیگاہ سپرد خانمسطور تعیناتی
مرشد زادہ ہا در قلعہ گولکنڈہ بہ جمعیت سی صد و پنجاہ سوار و بار منجملہ آن چند سوار و بار راجہ
چندو لعل بہادر و چند سوار نیر الملک بہادر و شمشیر الامرا بہادر و رعد جنگ بہادر اند و فرزندان
حافظ یار جنگ مذکور در نوکری سرکار و دربارداری حاضر ـ کیفیت صمصام الملک بہادر
میر کمال الدین بہ حسب آب و خور از ہندوستان بنوکری بادشاہی و امتیاز یافتہ بود پسرش
میرک حسین خان در عہد جنت مکان عالمگیر بادشاہ بدرما بہ دو منصب سرفراز بودند و

میرک معین الدین در عہد شاہ جہان بادشاہ از صوبہ کابل و ملتان سرفراز بودند بعد ازان کہ
شاہ عالم بر صوبہ داری ملتان تقرر یافتند میرک معین الدین خان بصوبہ داری اورنگ آباد
سرفراز گردید پسر او میر حسین علی از قدردانی مغفرت مآب بہ منصب و خطاب یافت بعد انتقال
آصف جاہ نواب ناصر جنگ مرحوم بدیوانی سرکار خود بخطاب شاہ نواز خان سرفراز فرمودند
و در عمل صلابت جنگ مرحوم موسی بجوسی از کشتہ شدن حیدر جنگ وکیل خود شاہ نواز خان
صمصام الدولہ را از ضرب کندہ بندوق از جان کشتہ فرزند کلان میر عبد الحی خان را چندی
در قلعہ گولکنڈہ داشتہ بود ازان نظام علیخان بہادر کہ بر مسند ریاست جلوس فرمودند میر مسطور را
از قلعہ برآوردہ بمنصب ششش ہزاری و پنجہزار سوار و بخطاب صمصام الدولہ صمصام جنگ
سرفراز کردند بعد آن بمنصب ہفت ہزاری و ہفت ہزار سوار و علم و نقارہ و ماہی مراتب
و پالکی جھالردار و خطاب صمصام الملک و تعلقہ دیوانی صوبہ جات دکن سرفراز نمودند حضرت
بندگانعالی خواستند کہ مدار المہامی خود و مختار امورات سرکار خود نمایند بہادر موصوف قبول نکرد
لیکن در جمیع امور کلیات سوائے صلاح و مشورہ صمصام الملک ہیچ امر بندگانعالی غفران مآب نمی
ساختند برادر شان میر عبد السلام خان و دلاور جنگ قوام الدولہ بودند الحال در اولاد شان جلال
الدولہ ہستند ۔ کیفیت اعتماد نواز خان محمد یعقوب خدمتگار صمصام الدولہ بہادر بود بعد انتقال
صمصام الدولہ مرحوم لباس خود مبدل نمودہ لباس چوبداری اختیار نمودہ در زمرہ چوبداران حضور
ملازم شد و در تعیناتی وقت صاحبزادگی بندگانعالی حال مامور بود وقتیکہ بندگانعالی حال قائم مقام
ریاست شدند بخطاب اعتماد نواز خان و بسرکردگی چوبداران سرفراز گردید ۔ کیفیت
اسمٰعیل خان ۔ اسمٰعیل خان اولاد تلنگہ برگ تنبول فروش از بلدہ حیدرآباد برآمد نزد دارا جاہ
رفتہ چیلہ شدہ نو مسلم گردید دارا جاہ ہوشیاری او دیدہ امورات خانگی از و میگرفتند وقتیکہ
جنگ ٹیپو سلطان از دارا جاہ گردید کارہائے دست بستہ از اسمٰعیل خان بعمل آمد و اعتبار
زیادہ پیدا کرد و بعد انتقال دارا جاہ اسمٰعیل خان از انجا برآمدہ مع لین باستصواب
راجندر ملازم سرکار گردید در سرکار راجہ راجندر محنت بسیار مینمود بعد انکہ میر عالم مغفور
مدار المہام شدند مع لین مذکور در سرکار میر عالم مغفور حاضر شدہ بدارو غگی عمارت مامور گردید

واین هم قایم ماند و در تعمیر مکانات بسیار جانفشانی ها میکرد که اکثر مغفور منظور و تعریف میکرد یکهزار رپیه و تعلقه تارا پیٹھ در تنخواه از سرکار معین است یک فرزند میدارد ـ کیفیت مردہ محمد ہاشم باشندۂ ہندوستان در ریاست ناصر جنگ شهید از چوکی چوبداران سرفراز شد پسر کلان طاہر علی خان بعد انتقال والد از سرکار چوکی سرفراز شده در ریاست غفران مآب بسیار عزت و اعتبار یافته الحال هم بکار مامور و سرفراز است اولاد نمیدارد دیگر دو طفل متبنی کیفیت ذوالفقار علی خان بن احمد علیخان انصاف ابن احمد علیخان اتحاد در رساله شمس الامراء مرحوم نوکر بودند در عروج میر عالم مغفور که رعایت احوال منظور بود بدستخط مرحوم در منصبداران مدد خرچ ملازم شدند دو پسر ایشان که بودند یکی بنام حسن علیخان از دست پسر حیدر نواز جنگ مرحوم وکیل شمس الامراء بهادر در دیوانخانه راجه چند و لعل بهادر کشته شد و دیگر برکات علی نامی که معروف به بتی صاحب است در رفاقت شهیار الملک و جده و والده آنها ظاهرا ذی شخصیت دباشنده مچھلی بندر اند چنانچه الحال هم از سرکار عظمت مدار به سلسله قدامت جده و والده انها تنخواه هر دو برادر مقرر است جده مذکور از لواحقان نواب مبارک الدوله حاکم سابق مچھلی بندر که مشاهره نقدی مع لواحقان از سرکار ممدوح می یابند ـ کیفیت سیدی عبدالله خان و سیدی مثقال خان و نادعلی بیگ خان سیدی ناصر و سیدی عبدالله هر دو خانه زاد تیغ بیگ خان ناظم صورت سیدی عنبر علیخان خانه زاد سیدی ناصر از انتقال سیدی ناصر سیدی عنبر علیخان و سیدی عبدالله خان باهم باتفاق تمام بودند وقتیکه تیغ بیگ خان رحلت نمود هر دو آواره شده در اطراف با جمعیت روز میکردند به حسب آب و خور در نواح اورنگ آباد وارد شدند دران ایام غفران مآب روزیکه حیدر جنگ را کشته تا چندے از معتمدان خود میرفتند سیدی عنبر علیخان و سیدی عبدالله خان به جمعیت دو صد پیاده و عرب و حبش و سورتی و گجراتی و هندوستانی ملازمت نمودند بندگان عالی ملحق شدن این جمعیت مغتنم انگاشته انها را رفیق خود کرده گرد خیمه از اعتماد ایشان پهره بندی کردند وقتیکه غفرانمآب قائم مقام ریاست شدند از جمعیت یکهزار سوار و دو صد بار برابر مواجب بست هزار چندی کلاه پوشان و سیصد و پنجاه سوار برابر اسری چهل روپیه

سرفراز کردند و سیدی عمر علیخان درحضوری بودند و سیدی عبداللہ خان با جمعیت بنوکری
پیرفتند و ہرگاہ سیدی عنبر علیخان انتقال کرد خلعت با سیدی عبداللہ خان مرحمت
شد من بعد بخطاب داور الملک سرفراز گردید وقتیکہ عالیجاہ مفرور شدند بندگان عالی
داور الملک را با جمعیت روانہ کردند چنانچہ در جنگ متصل بید شربت شہادت چشیدند
بعدہ سیدی محمد خان پسر بہادر مذکور سرفراز گردید او ہم بعد چندے انتقال کرد آنوقت سیدی
اسداللہ خان مخاطب رعد جنگ برادرش کہ حقدار بود لیکن صغیر سن بابتر شدن کارخانہ
سیدی حبیب خان مستعد جنگ راکہ از بطن رقاصہ بود مصلحتاً مقرر کردند نابسردہ نالایق خراب
خور و مردم آزار بود و در ہمان اوقات از بدمستی خون ہم کرد لہذا از سرکار اخراج کردند
بعد ازان رعد جنگ راکہ از روے شرع ہم استحقاق سرفراز فرمودند نادعلی بیگ خان
را داور الملک آدم کارہ و ذیہوش دیدہ نوکر داشتہ بود ہرگاہ کہ غفران مآب بنا بر
بند و بست ارادہ کرد بہ بندگانعالی حال حکم کردند سیدی متقال خان و نادعلی بیگ خان
را در آنجا متعین کردند الحال کہ بندگانعالی قایم مقام ریاست شدند نادعلی بیگ خان را
بہ جمعیت دو ہزار سرفراز کردند۔ کیفیت انورالدین خان متوطن گوپاموَ ضلع ہندوستان
در عہد عالمگیر بادشاہ بمنصب و خطاب سرفراز بودند بعد ازان بدیوانی دکن مامور و موردِ مراحم
بادشاہی و از خال دکن وقفیت داشت آصفجاہ ہنگام ورود خود خان مشارٌالیہ را
بدکن ہمراہ آوردند و مشارٌالیہ برفاقت آصفجاہ مصدر تردداست شایستہ و بسرکردگی
ہزار سوار و یار بصوبہ داری حیدرآباد و سیکاکول و راج بندری و محاربات فوج مرہٹہ متعین
و در سنہ یکہزار یکصد و شانزدہ ہجری بخدمت نظامت ارکاٹ و ہم کرناٹک مامور شد
ہمان سال آصفجاہ رحلت نمود حسین دولت خان عرف چندا صاحب سرامد اہل نوایت
کہ حکومت ارکاٹ میداشت بہ ترغیب ہدایت محی الدین خان دختر زادہ آصفجاہ مرحوم از
ارسال پیشکش معمولی دست کشیدہ طریق انحراف اختیار کردہ جمعیت فراسیس را از بندر
پھولچری بکمک خود طلبیدہ با انورالدین خان مجادلہ و منازعت آغاز نمود ناصر جنگ
خلف الصدق آصفجاہ مرحوم کہ بر مسند ریاست دکن متمکن بود باستماع شورش

شورش و فساد کرناٹک از اورنگ آباد باعانت انورالدین خان متوجہ شد خان مسطور قبل
از رسیدن ناصر جنگ در مقابلہ فراسیسیان وچندا صاحب شانزدہم شعبان سنہ یکہزار و یکصد
وشصت وسہ ہجری در سن نود وچہار رسالگی کشتہ شد محمد علیخان خلف انورالدین خان مرحوم
از ترچناپلی مع عیال بہ تقرر چینا پٹن رسید باستصواب ارباب حکومت نہمذکور بولایت
انگریز عرضداشت فرستادہ بنام خود سند طلبید بمعاضدت سرکار عظمت مدار باستیصال
فراسیس وغیرہ پرداخت چندا صاحب در محاربہ کشتہ شد ملک کرناٹک از کنار دریائے شور
تا سرحد دریائے کشنا بقبض وتصرف خود آورد محمد علیخان بخطاب والاجاہ پایۂ اعتبار برفراخت
در سنہ یکہزار دو صد و دو ہجری ازین جہان فانی انتقال کرد - عمدة الامرا پسر مہین والا
جاہ شش سال قایم مقام حکومت آن ملک بودہ در سنہ یکہزار و دو صد و پانزدہ ہجری
ودیعت حیات سپرد عظیم الدولہ پسر امیر الامرا برادر خرد عمدة الدولہ فرد تحصیل ملک بمبلغ ہشتاد
لک روپیہ داخل دفاتر سرکار کمپنی شدہ بود در نیولا از باعث آبادی ملک آنچہ ایزاد از
روے حساب می برآمد بآخر بہ عظیم الدولہ مزاحمت میشود و ہزار ہون ماہوار میرسد بتاریخ
نہم شوال سنہ ۱۲۳۴ھ بعارضہ وبا انتقال کردند عظیم جاہ خلف مرحوم بتاریخ نہم ربیع الثانی سنہ ۱۲۳۵ھ
بہ اعانت صاحبان مسند نشین شدند - کیفیت جمال خان لوہانی خان مسطور باشندہ پنجاب
قوم افغان برائے روزگار مع پسر و برادر زادہ خود در بلدہ آمدند در عمل غلام سید خان
مرحوم از یکصد سوار نقدی بدرماہہ ذات سرفراز شدہ وقتیکہ جنگ ٹیپو سلطان در پیش شد
وارسطو جاہ بذات خود متوجہ گردیدند محمد علیخان بہادر و شاکر خان بہادر و جمال خان بہادر
بذات خود کارہائے مردانگی وشجاعت بسیار نمودند بعد معاودت فتح ٹیپو سلطان ارسطو جاہ
از جاگیر ذات وجمعیت چہار صد سوار سرفراز نمودند بعدہ از اعانت راجہ چندو لعل بہادر از
تعلقجات قریب پانزدہ لک روپیہ و از جاگیر قریب سہ لک روپیہ در عوض نگہداشت
جمعیت و ذات سرفراز بودند چونکہ در ادائی مال واجب سرکار قدرے ایستادگی کردند
و بر رعایا ظلم وتعدی روا داشتند و عرایض نالش اکثر از رعایا بحضور صاحب رزیڈنٹ
اینجا رسید و راجہ چندو لعل بہادر بالکل تعلقجات مسترد کردہ بقدر معاش ذات بہادران بحال نمود

باقی داشته اند بتاریخ هفتم شعبان ۱۲۳۰ه هجری جمال خان لوهانی انتقال کردند محمد علیخان محمد شاکر
خان برجاگیرات و رساله مختار اند - کیفیت نامدار خان عرض بیگی راجه چندو لعل بهادر و خانمسطور
از اقربای لودهی خان است از عرصه پانزده سال از سفر کرڈپه که راجه چندو لعل از تعلقه سرفراز
بودند از سفارش راجه کیول کشن نزد راجه صاحب ملازم شد و راجه صاحب بعد سرفرازی
کارپردازی خود بیکصد سوار سرفراز فرمودند نامدار خان برادر خان مسطور از جاگیر در صوبه برار
از عمل رکن الدوله بسفارش لودهی خان سرفراز است و نامدار خان را یک پسر بتلم نور الله
خان است که بصبیه دلاور خان مسطور منسوب است واز سرکار راجه صاحب پنجاه سوار
بنام نامدار خان مقرر است و نور الله خان نیز درین سوار شریک است مگر از عرصه سه سال
راجه صاحب نور الله خان را برای سرانجام امور صاحبانی که در عمل سرکار عالی آمد
و شد دارند اکثر میفرستند خصوصاً بسبب آمد شد باریابی جناب رزیڈنٹ صاحب دام اقباله
راجه صاحب نامدار خان بصوبه اورنگ آباد به معزولی نواب کاظم علیخان بهادر پسر نواب
زین العابدین خان مرحوم هندوستانی که بسفارش رزیڈنٹ بهادر در سابق مامور کرده
بودند سرفراز نموده اند و پرگنه پربهنی وغیره که راجه گوبند بخش بهادر بابت قرض خواهان نواب سبحان
خان مرحوم گرو داشته بودند واز برادر خود راجه انتزاع نموده تفویض نور الله خان کرده
اند غرض که درحال پا بجا بسیار بهم رسانیده دلاور خان عرض بیگی داماد و پسر اند -
کیفیت ناصر علیخان - خانمسطور منصبدار در سرکار عالی ملازم بود از پنج فرزند دو انتقال
کردند سه فرزند حاضر - کیفیت افسر الدوله رفیق شمس الامرا از جاگیر در صوبه برار سرفراز
بعد از آن شمس الامرا بهادر ناموافقت کردند میر عالم مغفور حویلیات ایشان گرفته شریک
باره دری خود نمودند و در عوض گرفتن مکانات ایشان را اضافه جاگیر و برادران افسر الدوله
را در ماهه مقرر کرده در رساله خاص راجه چندو لعل بهادر داخل کرده اند نام هر دو برادران
افسر الدوله مسطور غلام صمدانی خان و حسین علیخان این هر دو کسان در ۱۲۵۳ه هجری بسبب
شوره پشتی و بدادای کسبت اغره بلده بموجب حکم راجه چندو لعل بهادر از بلده اخراج یافته
اند مگر افسر الدوله بذات خود فهمیده است شمس الامرا بهادر سرگردگی جمعیت از طرف خود

مقرر نموده تعیناتی مهبت رام وقت جنگ نند جیه و بهوسله فرستاده بود - کیفیت محمد منصور خان
بهادر مغفور رفیق غلام سید خان مرحوم باشنده نواح ایلچپور همیشه در حاضرباشی ممتاز بودند غلام
سید خان مرحوم وقتیکه در پونه رفته بودند موصوف در رفاقت حاضر بودند بعد من تو از سلوک جمعیت
و درماهه ذات پرگنه ساتونی از پرگنه خود بعنوان جاگیر سرفراز کردند و بعد رحلت بر جاگیر خود
قابض و نیز در راجه چند و لعل آمد و شد داشته اکثر بر تعلقات بطور تعهد مامور بودند بتاریخ سوم
محرم سنه ۱۲۳۸ هجری در بلده افاغنه غیر مهدی با خلاف متارب بکمال جرات و جانبازی سه
چهار اسم افاغنه را بقتل رسانیده مع همشیره زاده خود کشته شدند - کیفیت علی بیگ خان جمعدار منظور
سوداگر پیشه و از میر عالم مغفور موافقت داشته جنس و اجناس مبلغ خطیر میر عالم مغفور گرفته
کارسازی نموده مبالغ آن بمیر صاحب میداد میر عالم بهادر بوقت روانگی کلکته از درماهه
یکصد وصولی از دست غلام سید خان مرحوم سرفراز کنانیدند وقتیکه مدار المهامی به میر عالم بهادر
شد از دو دو صد سواران نعلیه و از داروغگی جنسی سرفراز نمودند و بعضی اوقات در مشاوره
سوداگران هم شریک بودند در سنه ۱۲۳۴ هجری رحلت کرد سه پسر بنام محمد بقیر وغیره و دو صبیه
گذاشت - کیفیت جهانگیر یار جنگ حسام الله خان ولد سردار الملک بهادر قلعدار قلعه اودگیر
منصبدار بادشاهی از عمل بادشاهان قدیم سرفراز اند خان منظور و بهادر مذکور هر دو انتقال
کردند جهانگیر یار جنگ فرزند کلان و خورد و مهدی خان سردار الملک حضرت غفران مآب
از جاگیر سواران هم سرفراز فرمودند الحال از حضور قلعداری قلعه اودگیر بنام جهانگیر یار جنگ
مع احشام و جاگیر ذات مقرر است - کیفیت عبد الکریم خان منظور قدامت از سرکار
بندگان عالی و از زمین قریب یکهزار بار سرفراز بود انتقال نموده پسرش قادر علیخان صغیر سن
داشت بخش الله خان برادرزاده از زمین سرفراز شد الحال پسر عبد الکریم خان از موقوفی
بخش الله خان سرفراز گردیده است - کیفیت محمد صاحب عرب جمعدار منظور از دو صد سوار
و دو صد بار رز و بابت جنگ که حاکم ادهونی وغیره محالات بودند ملازم شدند بعد انتقال
عرب مذکور فرزندش محمد امین خان عرب از جمعیت مذکور سرفراز شد وقتیکه بابت جنگ
بهادر انتقال نمودند دارا جاه بهادر فرزند اوشان قایم مقام گردید فیما بین محمد امین خان عرب

و داراجاه صحبت برار نشد عرب مسطور از انجا ناخوش شده در حضور غفرانمآب حاضر گشت از حضور جمعیت
دوصد بار و پرگنه البور و پرگنه چندول در جاگیر سرفراز فرمودند در رسائی دو انائی عرب مذکور
پسند مزاج حضور پرنور بود در مقابله ٹیپو سلطان از صلاح مذکور کار میفرمودند بعد انتقال
محمد امین عرب عدروس خان فرزند و از جمعیت بعنوان جاگیر از سرکار مقرر است از محمد عدروس
خان فرزند و از جمعیت مذکور سرفراز شد و پرگنه میٹرم و پرگنه جهون در نگهداشت جمعیت بعنوان
جاگیر از سرکار مقرر است از محمد عدروس خان بهادر سه فرزند کلان محمد صاحب دویمی امین صاحب
سومی از محل دویم بنام محمد برہان سابق راجه ناگنا تهه راؤ متهو ناکن کرٹرا را جنگ کرده دستگیر
آورده بودند تا مرده مرد بشرش و نبیرگانش بر مکانات خود قابض است و نائبو وغیره
مکانات بطور تعهد در علاقه محمد امین صاحب تعلق دارد ـ کیفیت نو دہی خان مرحوم ـ خان مرحوم
در رساله سائر ہا چہار صد سوار ملازم و رفیق میر موسی خان مرحوم مخاطب به رکن الدوله بود
مرحوم مسطور نظر بر رفاقت از جاگیر یانصد سوار سرفراز فرمودند بعد انتقال نو دہی خان پنج فرزند
بودند چہار پسر انتقال کردند گدائی خان فرزند کلان که از خطاب والد خود سرفراز اند حاضر
و جاگیر یکصد سوار از سرکار مقرر است دو فرزند میدارند بنام محبوب خان و پردل خان
عمر گدائی خان تخمیناً پنجاه و ہفت سال نصیدار داشتا ہی نیستند باشنده ایلچپور ـ کیفیت
کوئی بیگ خان خان مسطور باشنده ہندوستان جمعدار پیشه ہمراه عاشور بیگ خان در عمل
دیوانی الم چندر ملازم سرکار گردید بعد موقوفی راجه چندر راجه چندو لعل بہادر ہم موافق دستور
سابق مع یکصد سوار ملازم داشتند چندان اعتبار در حضور یا نزد راجه چندو لعل بہادر ندارد
کیفیت سکندر الدوله بہادر باشنده سامانه اقربائے غلام سید خان مرحوم در عمل دیوانی
مرحوم مذکور در انجا آمده از خطاب و جاگیر سرفراز شدند و پنجاه سواران در جاگیر فیاض علیخان
برادر او شان ہم ہمراه آمده اند سه فرزند از سکندر الدوله حاضر کلان سرفراز علی خان و دو فرزند
خورد ـ کیفیت میر احمد خان بہادر قوت جنگ بہادر بہادر معزز داروغه جنسی سرکار نواب
غفرانمآب بودند از بہادر معزز سه فرزند کلان میر احسن خان به خطاب قوت جنگ بعد
انتقال والد بجاگیرات والد خود سرفراز شدند و فرزند دویم عثمان یار خان فرزند سوم میر مسعود خان

از ضیاء الملک بهادر هم قرابت میدارند. کیفیت میر کلب علیخان از ولایت در عمل دیوانی
غلام سید خان مرحوم آمده ملازمت خاص نمودند مرحوم موصوف رساله یکصد سوار مغلیه بکار
اخلاقی رساله سیف الملک بهادر مرحوم فرزند خود داده از حضور بخطاب نور الدوله سرفراز
کنانیدند بعد آنکه غلام سید خان مرحوم در پونه رفتند سواران وغیره موقوف شد
وقتیکه غلام سید خان مرحوم از پونه آمدند از ناخوشی مزاج روبرو آمدن هم ندادند میر عالم بهادر
وقت دیوانی خود از اخلاقی جمعیت سواران و داروغگی هرکاره رساله سلیمان جاه بهادر
سرفراز نمودند. کیفیت سرفراز الدوله بهادر لشکر جنگ آدم دانا کبرسن در امور تعلقات
هوشیاری کمال میدارند و در قرابت شمس الامراء بهادر اند. کیفیت معظم علیخان بهادر
قیصر جنگ خویش مقبول الدوله بهادر مرحوم که سابق بر عهده عرض بیگی گری غفرانمآب بود
قیصر جنگ از حضور غفرانمآب تعیناتی بندگانعالی حال بود در وقت مرشد زادگی بندگانعالی
حال بر عهده عرض بیگی گری سرفرازی داشت الحال بداروغگی پنجاه زنجیر فیل ضبطی از چند
سرفرازی دارد و بندگانعالی از خطاب اکرم علیخان بهادر قیصر جنگ سرفراز فرموده اند.
کیفیت گهاسی میان همزلف شمس الامراء بهادر نظر بقرابت بهادر موصوف از خطاب سردار الدوله
سردار الملک و به جمعیت سرفراز حضرت غفرانمآب بسیار عنایت میفرمودند گهاسی میان
مذکور را در خانه بی طوائف در ایام محرم پنج شش افغانان مهدوی از جان کشتند چهار فرزند
موجود است پیچهو میان بخطاب سردار الدوله که از بطن همشیره امجد الملک بهادر بود
انتقال کرد از طوائف منکوحه حسینی میان اعظم جنگ و قطبی میان و فرید میان. کیفیت
علی محمد خان برکار پردازی تعلقات اننا لال بدیوانی و بخشی گری سپاه در عمل رکن الدوله میر موسی
خان مرحوم در سرکار نواب شرف الدوله بودند چنانچه غلام سید خان مرحوم در وقت مدار المهامی
خود جاگیرات نواب موصوف در ضبطی سرکار آوردند و تعلقات مذکور سپرد علی محمد خان مذکور
نموده از خطاب علی یار جنگ سرفراز کنانیدند پسران اوشان الحال بدرجه
فقیری رسیده اند. کیفیت ماماپدن دختر صفه بود در ایام سابق نزد کسی خواص
ملازم شده برطرف گردید و از باعث ذی هوشی بحضور پرنور ملازم گردیده بدرماهه دوازده روپیه

مقرریافت وبنسبت خدمتگاری وحاضرباشی زمین بڈن بیٹھ عنایت گردید چہل روپیہ ماہوار وپالکی سرفراز گردید قریب چہل وہشت سال است کہ درمحل آمدہ بخدمت زینت النسا بیگم صاحبہ والدہ جہاندار جاہ بہادر میماند در سنہ ۱۲۳۲ ہجری فوت شد قائم مقام او کنیزش چمیلی است محاصل بڈن بیٹھ قریب دو ہزار روپیہ - کیفیت ماما چنپا کنیزک خریدی ماما مناصیل سرکار بود از باعث ذیہوشی نامبردہ حضور پرنور اکثر کار میفرمودند از دوازدہ روپیہ ماہوار بمشاہرہ چہل روپیہ و پالکی سرفراز شد و چنپا بیٹھ عنایت گردید قریب چہل و پنجسال است کہ درمحل آمدہ نکاح از فوجدار خان خود غفران مآب کنانیدہ دادند نام پدر خان مسطور سید محمد و نام جدش میر صادق نامی منصبدار و میرادا نامی فوجدار صلابت جنگ مرحوم بود فوجدار خان درخوشی میرادا فیلبان اندازان روز درین فن قدم نہادہ و در وقت غفران مآب به فوجداری حضور سرافرازی یافت محاصل چنپا بیٹھ قریب یکہزار و پانصد روپیہ و از عہد غفران مآب یکصد و پنجاہ گاڑون در رکاب حضرت بندگانعالی ماسور است و یکصد پنجاہ گاڑون کہ در عہد حضرت غفرانمآب حوالہ ماما منا بود بعد انتقال ماما مذکور بحال و در سرانجام میداد و در عہد حضرت بندگانعالی حال کہ بحال و در فوت از گاڑونہائے مذکور پنجاہ گاڑون حوالہ سید خدمتگار یکصد گاڑون حوالہ اہتمام نواز خان مردہا کردند چنانچہ تا حال بحال اند و جمعیت از ماما بڈن و ماما دیگر ہیچ نیست و ماما چنپا در سنہ ۱۲۳۴ ہجری فوت کرد - کیفیت شرف الدین خان در اوائل شمس الدین حسین خان برادر کوچک فخر الدین حسین منشی برنیل بالمر صاحب متوفی رزیڈنس پونہ بدرماہہ قلیل ملازم و متوسلانہ نزد راجہ چندولعل بہادر آمد و رفت میداشتند بعد وقتیکہ نام صاحب بہادر بوساطت مولوی میران علی منشی و میر آل نبی ڈاک والہ کار وکالت راجہ ممدوح بذمہ خود گرفت و برادر کوچک خود را بمصاحبت راجہ گوبند بخش بہادر کہ سردار جمعیت متعلقہ صوبہ براڑ وغیرہ بجائے مہبت رام بودند متعلق نمودند باتفاق دوستان خود بازار اخذ و جبر گرم ساخت و اقتدار پیدا کرد آخر بمصداق مصرع زنند جامۂ ناپاک گازران بر سنگ ؛ بعد موقوفی میران علی منشی پردہ این راستی از روئے کار افتاد و اخراج بلدہ گردید و در دیہات جاگیر خود رفتہ سکونت کرد آخر بعد شش سال

تعارض ننموده‌اند عواتف اظهار احوال خود که در ویرانه اطیانه نشسته‌اند ناحق ضایع میشوم بحضور صاحب رزیدنس که آخر وقت بنری رسل صاحب بهادر بود فرشاد بهادر معززا رحم آمده ایما براجه چند ولعل بهادر کردند ازانوقت که بازآمدند در سرکار راجه موصوف پیش شده‌اند و علاقه عدالت مستغاثیان بلده و فیصله آنها بنجان مسطور قرار گرفت الحال هم درار نشاد انتزع مال غربا نقصوے ندارد -

فصل سوم در احوال فرقه هنود بلند کرده آصف جاه مرحوم وکیفیت راجه راؤ رنبها - راجه معزاز قدیم منصبدار بادشاهی و بجاگیرات و سوار از عهد حضرت مغفرت مآب سرفراز داشته اند نام والد راجه مسطور آنندراؤ و نام جد جانوجی راؤ نمالکر دنابهرده از عهد عالمگیر بمنصب سه هزاری و سه هزار سوار از آباد اجداد سرفراز چنانچه جانوجی راؤ نمالکر مسطور جد راجه مذکور حین حیات آصفجاه در محاربات مرهٹه تردد نمایان کرده اعتبار پیدا ساخت حضرت مغفرت مآب توقیر ایشان بسیار میفرمودند عمر راجه مسطور قریب هفتاد و چهار سال و رسم شادی معز بهادر ان همقوم خود که قوم مرهٹه اند بعمل آمده به بهادر معزز پنج فرزند از زوجه شادی بنام کھنڈے راؤ و آنند راؤ و سه پسر از بطن طوایف منجمله آن پسر کلان امام الدینخان نامی فوت شد دو پسر زنده اند جمعیت راجه مسطور شش صد سوار و جاگیر پنج لک روپیه مع ذات و سوار در عهد احمد شاه بادشاه وقتیکه حضرت مغفرت مآب بصوبه دکن مامور شدند ازان بیشتر از جاگیر در وقت بهادر خان هم پدر راجه معز ممتاز بود و بزرگان ایشان معلوم نیست که از عهد کدام بادشاه بمنصبداری سرفرازی داشتند از عرصه پنج سال که راجه معز از افغانان مهدوی قرض گرفتن اختیار کرد قریب هیجده لک روپیه مقروض شدند و در جاگیر کھنڈے راؤ پسر راجه مذکور که مسلط بود بسبب نفوذ حرچی و مصرفی پدر خود دست از فرستادن زر جاگیر کشیده بلوه قرضداران بهانوبت بکشت و خون رسانیدند راجه چند ولعل بهادر فیصله قرضداران کرده ذمه خود گرفت و جاگیر در قبضه خود درآوردند الحال بعد رما یحتاج میدهند و جمعیت هم چندان ندارند قریب دو صد سوار خواهد بود کیفیت نانا پنڈت و رائے رایان بهادر نام اصلی دھونڈو پنڈت راجه رائے رایان است هر دو برادر ولد مانا جی ستنگر قوم زنادار بعهده پٹواری اگر موضع لاب گاؤن پرگنه

یا نگل صوبہ خجستہ بنیاد بودند در عہد حضرت غفران مآب بالکشن نامی پنڈت کہ محرر سرفتر بودند
نزدش ہردو برادر بدر ماہہ ہفت ہفت ملازم شدہ در جرگہ متصدیان ہمراہ پنڈت مسطور
نزد رکن الدولہ مرحوم آمد و رفت داشتند بعد از انتقال بالکشن پنڈت مذکور از دیہوتی
ہر دو برادران را رکن الدولہ بر دفتر پنٹیکاری صوبہ برار خجستہ بنیاد و صوبہ بیجاپور
ہر قدر کہ در سرکار عالی است از حضور غفران مآب سرفراز کنانیدند بعد از انتقال رکن الدولہ
ہر دو برادر از رسائی خود اجرائی امورات سرکار جیہ در وقت وقار الدولہ و بعد انتقال وقار الدولہ
باستعانت شمس الامرا بہادر مرحوم سرانجام کار سرکاری نمودند و قتیکہ غلام
سید خان مرحوم آمدند چندے ہر دو برادر زندہ ماندہ اول راجہ رائے رایان تخمیناً عرصہ
چہل و پنجسال بدر شدکہ انتقال کرد بعد نانا پنڈت در سنہ ۱۲۰۰ ہجری در گزشت
از اولاد راجہ رائے رایان راجہ شیام راج بہادر یک پسر موجود بود سفر کہرڈہ بسبب
برآمدن دست آویز ہائے فتور خطوط مہری ایشان بنام ٹیپو سلطان از بلدہ اخراج
شدہ در محمد آباد بدر جاگیر خود بموجب حکم حضور مامور است و پسر دیگر خورد بود انتقال کرد
نانا پنڈت لاولد بود بر دفتر داری صوبہ ہائے مذکور بتاریخ بست و یکم شعبان سنہ ۱۲۲۰ ہجری
راجہ شیام راج در جاگیر خود انتقال کرد و راجہ چینا با قبال نذرانہ مبلغ دو لک روپیہ ہم
قائم مقام پدر خود شد ترک پنڈت از طرف راجہ مغز اجرائے کار میکرد۔

کیفیت راجہ راچندر

پسر ہیبت راؤ نار و ار مادھوچاری راجہ مذکور در خانہ رائے رایان آمد و رفت داشت
و ملازم رائے رایان شدند بعد انتقال راجہ رائے رایان در مزاج راجہ شیام راج دخل یافتہ
از طرف راجہ مذکور بر سوال جواب وکالت پونہ مقرر یافت در وقتیکہ غلام سید خان
مرحوم در پونہ بودند در انجا راجہ مذکور بطور وکالت رفتہ در مخلصی غلام سید خان
مرحوم نزد سندہیہ وغیرہ اہلکاران انجا سعی ہا مینمودند لہذا غلام سید خان مرحوم نسبت ازالیہ
متوقع کردند در وقتیکہ در بلدہ خواہم رفت بر عہدہ پنٹیکاری از حضور پرنور سرفراز
خواہم کنانید چنانچہ بعد آمدن در بلدہ غلام سید خان مرحوم ایفائے قرار نمودند و کہرڈہ وغیرہ

جاگیرات از سرکار دولت مدار و دو ہزار روپیہ درماہہ از سرکار عظمت مدار سنہ ۱۲۱۵ ہجری
مقرر شد بعد انتقال غلام سید خان مرحوم پنج شش ماہ برین عہدہ ماندہ وقت
مدار المہامی میر عالم مغفور بصلاح صاحب عالیشان حشمت جنگ متوفی براجہ مذکور حسب الحکم
خانہ نشینی گردید عمر راجہ مذکور شصت و پنج سال شدہ بتاریخ بستم ذیحجہ سنہ ۱۲۳۶ ہجری درگذشت
دو برادر زادہ متبنہ دارد بنام یکی سند محالات جاگیر کھرڑہ وغیرہ نذرانہ رسانیدہ بحین
حیات خود حاصل کردہ بود - کیفیت سکھو راؤ ولد رودراجی ساکن مرج گانون عہدہ
پٹواری گری موضع بھینسہ میداشت نام پسرش کیشوراؤ کہ عمر پانزدہ سالہ دارد
سابق سکھو راؤ مذکور در پونہ نزد پرسرام بھاؤ بسالیانہ پانصد روپیہ ملازم در پونہ
از راجندر رور خوردہ بہمان سابقہ ہمراہ آمدہ تعلقہ بیڑ و برنیڑ ایافت چون ناتجربہ کار بود
انصرام تعلقہ بخوبی نشد از انجا موقوف گردیدہ ہمراہ فوج سرکار عالی بتمول ہمیت رام
در وقت جنگ سندہیہ و بھوسلہ باستعانت راجہ راجندر رفتہ بود ازان باز خانہ
نشین ماند در سنہ ۱۲۳۲ ہجری درگذشت - کیفیت ہمیت رام متوفی ولد امرت رام قوم
کھتری کمبراتی اول نابردہ نزد مقبول علیخان کہ عرض بیگی غفرانمآب بود ملازم شد بعد
انتقال خان مذکور نزد موسی رحمون برعہدہ وکالت مقرر شدہ در سفر کھرڑہ کہ غلام سید خان
مرحوم را خاطر موسی رحمون بسبب ہم زیادہ بود برائے سوال جواب اکثر ہمیت رام نزد
غلام سید خان مرحوم آمد و رفت داشت درہمانوقت رشد پیدا کرد بعد سفر کھرڑہ کہ
غلام سید خان مرحوم بہ پونہ رفتہ در بلدہ آمدند نزد بندگان عالی حال بعہدہ خانسامانی
از حضور غفرانمآب سرفراز کنانیدند چنانچہ در سفر شورا پور ہمیت رام را ہمراہ بندگان عالی
کردہ دادند درین ضمن در مزاج حضور پرنور ہم دخل یافتہ در وقتیکہ مہم بر سندہیہ
و بھوسلہ در پیش شد سررشتہ داری این موسی رحمون کہ نامزد متوفی مذکور بود
غلام سید خان مرحوم در راجہ راجندر مقرر کردہ در پیغدتی سکھو راؤ در فرستادند
معاملہ سکھو راؤ دراز ناکردکاری او در ہم خود ہمیت رام بر تعلقات براڑ وغیرہ در
وقت غلام سید خان مرحوم مامور شد و از موقوفی نظام نواز جنگ رسالہ داری

صالح محمد خان وزورآور خانِ غیرہ شدہ بود بعد موقوفی ہیبت رام نیز راجہ چندو لعل بہادر
تعلقہ بیڑ وغیرہ مع سواران بحال داشتہ بودند وقتیکہ تعلقہ بیڑ و پربنڈا وغیرہ در وبست
ویران نمودہ مبلغ خطیر سرکار باقی داشت میر عالم مغفور موقوف کردند حسب الطلب حاضر
شدہ در مزاج حضور پرنور کہ از سابق داخل داشت درآمد میر عالم مغفور اطوار مفسدی
ہیبت رام مذکور معائنہ کردہ بصلاح صاحب عالیشان سڈنم صاحب بہادر
ازین جا رحضرت براڑہ ہانیدند واز بعضی اطوارات از تعلقات مذکور موقوف کردہ
حسب الحکم در قلعہ شاہ پور آمدہ چندی اقامت کردہ و درینجا بر تعلقہ شوراپور وغیرہ
دست اندازی آغاز کردہ جمعیت پنج شش ہزار سوار باز فراہم کردہ درصدد مردم
آزاری ہا شد لہذا ازینجا جمعیت سرکار عالی بصلاح ریزیڈنس بہادر مامور شد ازانجا
جنگیدہ و در جنگ کارڈن صاحب را گرفتہ ہر دو بقتل رسانیدہ لہذا مکرر جمعیت سرکار
عظمت مدار برائے تنبیہہ مامور شد تا رسیدن جمعیت ازانجا ہم چیزے حرکت کردیند
ہولکر جمعیت خود فرستادہ بقتل رسانیدہ عمرش تخمیناً چہل و پنجسال شدہ درگزشت
الحال قبائل و فرزندان ہیبت رام متوفی در بنارس سکونت دارند و بقدر دوصد
روپیہ ماہوار برائے مایحتاج متعلقان متوفی مذکور از سرکار عظمت مدار معین است
واز خزانہ بنارس ماہ بماہ می یابند ۔ کیفیت راجہ چندو لعل بہادر و راجہ گوبند بخش بہادر
پسر و برادر حقیقی ولد نرائن داس بن رائے لچھمی رام ابن رائے مولچند قوم کھتری ۔
رائے مولچند ملازم بادشاہی بودند در عہد محمد شاہ وقتیکہ حضرت مغفرت مآب بعہدۂ
کروڑگیری بلدہ فرخندہ بنیاد سرفرازی یافتند بعد انتقال رائے موصوف رائے
لچھمی رام برہمن تعلقہ در وقت دیوانی رکن الدولہ و عہد غفرانمآب سرفرازی یافتند بعد
انتقال رائے مغفر پسر کلان رائے نانک رام عموی راجہ مغفر برہمن خدمت مامور شدند
رائے لچھمی رام جد امجد راجہ چندو لعل بہادر پنج فرزند پسر کلان رائے نانک رام
کہ از ایشان راجہ نکھپت رائے تولد شد بعد وفات رائے موصوف درایام کہ راجہ
چندو لعل بہادر بر تعلقات کرڑپہ وغیرہ واز حضور غفرانمآب سرفرازی یافتہ روانہ شدند

یکسال چند ایام بر عہدۂ کڑورگیری لکھپت رائے سرفراز یافتہ بمرض تپ دق فوت شد دویم
پسر نرائن داس بعمرہ سال راجہ چند و لعل بہادر و بعمر ہفت سال راجہ گوبند بخش بہادر
گذاشتہ انتقال کرد ہر دو برادران نزد والدہ خود پرورش و تربیت از رائے نانک رام
عمدی کلان شدہ اول در صغیر سن چند محال منجملہ محالات سائر و چندی دیہات جاگیر وغیرہ
نواب منصور جنگ تفویض راجہ مغفور شد مدت مدید در ملازمت نواب منصور جنگ مغفور ماندند
بعد آن در وقت دیوانی ارسطو جاہ بہادر راسو المزاجی از رائے موصوف و بہادر مغفور
بمیان آمدہ عزل تعلقہ کڑورگیری گردید رائے موصوف چندے خانہ نشین ماندہ انتقال
کردید بعدہ راجہ چند و لعل بہادر از سفر کھرڑہ و بید باستصواب ناظم جنگ ملازمت
حضرت غفران مآب و ارسطو جاہ حاصل نمودند بناظم جنگ کہ محالات اونچہ و بیرل از حضور
غفرانمآب تفویض نمودند یافتہ روانہ تعلقات شدند معاملہ سفر کھرڑہ کہ بطور دیگر شد و حضرت
غفران مآب در بلدہ تشریف آوردند۔ ناظم جنگ ہمراہ عالیجاہ رفتند بمجرد استماع این
خبر از تعلقات اونچہ وغیرہ در بلدہ آمدہ باستصواب مشیر الملک ملازمت حضرت
غفران مآب حاصل نمودہ بعہدہ کڑورگیری بلدہ مامور شدند ارسطو جاہ بہادر کہ در پونہ
بودند از استماع انتظام تعلقہ مذکور سند امانی محالات ملتھل وغیرہ چار محل۔ دیورکنڈہ
وکوڈل و وزیرآباد وکویل کنڈہ وغیرہ نوشتہ فرستادند کہ بطور امانی سپرد راجہ
چند و لعل کردہ شد سرکارہ ارسطو جاہ در بلدہ آمدند بعد دو سال پیام اضافہ تعلقہ کڑورگیری
نمودند لہذا محال مذکور گذاشتہ حوالہ راجہ لکھپت رائے پسر رائے نانک رام نمودہ
شد و محالات ملتھل وغیرہ مثل سابق بطور امانی بحال ماندند بعد آن ارسطو جاہ
پیام کڑپہ و کھم وکوئل مارسری و بلہاری وکویل بہادر بنڈہ و کنگ گیری وغیرہ
محالات آنطرف دریائے کشنا نمودند چنانچہ موافق استمزاج بہادر مغفور راجہ مذکور
سرفراز شدہ روانہ کڑپہ شدند محالات ملتھل وغیرہ حوالہ راجہ گوبند بخش بہادر نمودہ
از حضور غفران مآب و ارسطو جاہ ملازمت کنانیدہ در بلدہ داشتند وقتیکہ راجہ
لکھپت رائے فوت شد و چندی تعلقہ کڑورگری براجہ اندرجیت و کاظم علیخان از سرکار

تفویض شد انتظام محال کرورگری از انہا بخوبی نشد راجہ گوبند بخش بہادر را ارسطو
جاہ بہادر بتعلقہ کرورگیری بطور امانی از حضور غفرانمآب سرفراز کنانیدہ چنانچہ
تاحالت تحریر راجہ معز محال مذکور بحال است وقتیکہ راجہ چندولعل بہادر از محالات
کرپہ وغیرہ در بلدہ آمدند ملازمت حضرت غفرانمآب نمودہ معاون کار راجہ گوبند
بخش بہادر ماندند بعد انتقال ارسطوجاہ کہ میر عالم بہادر بر عہدہ دیوانی حضرت بندگانعالی
سرفراز شدند بعد دو سال میر عالم مغفور از حضور پرنور بصلاح صاحب عالیشان ملکم صاحب
بہادر بعہدہ کارپردازی سرکار دولتمدار سرفراز کنانیدند چنانچہ تاحال راجہ ممدوح
سرفراز و مامور اند عمر راجہ معز تا غایت ۱۲۳۷ھ ہجری پنجاہ و ہشت سال و شادی راجہ معز
در برہان پور بخانہ و تکھل رائے کہ ہمراہ دولت راؤ سندھیہ بودعمل آمدہ معاودنہ
ہنیت متوفی بطور دیگر گردید از تغیری متوفی مذکور صوبہ برار و صوبہ خجستہ بنیاد بعہدہ
راجہ گوبند بخش بہادر از حضور پرنور تفویض یافت وجمعیت سرکار عالی کہ متعین صوبہ
برار و خجستہ بنیاد بدستور سابق بود بطور حکم برداری راجہ گوبند بخش بہادر گردید عمر راجہ
معز تخمیناً پنجاہ و پنجسال و شادی اول راجہ معز در جالنہ گردید شادی دوم درخانہ گوبند
رام کہ ملازم ٹیپو سلطان بودند واز انجا دار وحید آباد گردیدند بعمل آمد و تا سہ پسران
دیگر رائے لچھمی رام جد راجہ چندولعل بہادر یکے رائے رگھنا تھ داس دومی رائے
بھوانیداس سومی رائے موہن لعل چند ایام پس وپیش انتقال نمودند پسر رائے رگھناتھ داس
رائے سیتل داس پسر رائے بھوانی داس رائے بالکشن کہ الحال علاقہ کرورگیری از طرف
راجہ معز تعلق برائے بالکشن دارد ورائے سیتل داس را علاقہ محالات گونا راؤ وغیرہ
زمینداران بود در ۱۲۳۴ھ ہجری رائے سیتل داس وفات یافت و رائے موہن لعل
لاولد بود وسہ پسر از راجہ چندولعل بہادر کلان از بطن زوجہ شادی راجہ بالا پرشاد
ودومی نانک رام کہ از بطن خواص است ودر ۱۲۳۴ھ ہجری یک پسر دیگر از خواص مذکور
پیدا شد و یک صبیہ کہ برائے دیپ چند منسوب است از محالات کرورگیری منجملہ دو کیات
صد و پنج دیہات جاگیری بی صاحبہ و بیگمصاحبہ مرحومہ و پیشکاری جوانان بار آوردہ

جوکین وغیره بعمده رائے دیپ چند است و شادی راجه بالا پرشاد در خانهٔ راجه جگت سنگهه
گردیده و از راجه گوبند بخش بهادر سه فرزند دو پسر رام بخش شادی رام بخش در اورنگ آباد
شد و در سنه ۱۲۳۷ هجری شادی گور بخش در اقربائے جگتر سنگهه بعمل آمد و یک
دختر رائے سکهه لعل خسر پوره راجه گوبند بخش بهادر است و همراه راجه معزز و برابر
حاضر در سنه ۱۲۳۴ هجری والده راجه چند و لعل بهادر و راجه گوبند بخش بهادر فوت کرده
کیفیت راجه سورج دنت والد منا لعل در محرران ملازم رائے ساگرمل جد راجه خوشحال چند
بود و در وقت رائے ساگرمل بعد انتقال رائے مذکور که راجه بهوانی داس پدر راجه
کیول کشن و راجه درگا داس پدر راجه خوش حال چند که هر دو برادر حقیقی بودند بهمان خدمت
مامور شدند بعد انتقال راجه درگا داس آخر راجه بهوانی داس بخدمت مامور یعنی سردفتری
صوبه فرخنده بنیاد و محمد آباد بیدر بهم رسید راجه سورج دنت اجرای کار دفتر مینمود و
بعد انتقال رائے مسطور راجه کیول کشن و راجه خوشحال چند بر خدمت سردفتری سرفراز شدند
و راجه سورج دنت اجرای کار دفتر مینمودند وقتیکه راجه را چند همراه غلام سید خان مرحوم
از پونه آمده مامور کار سرکار گردید چندے اخراج سورج دنت نمود پیش از دو سه
سال انتقال غلام سید خان مرحوم باز بسفارش محلات وغیره طلب شد درین ایام راجه
خوشحال چند اجرای امور سردفتری مینمودند بعد انتقال غلام سید خان مرحوم تا یک و نیم
سال در وقت میر عالم مغفور نیز راجه سورج دنت اجرای دفترداری مینمود قریب
چهارده سال است که انتقال راجه مذکور گردید برهمن عمده راجه خوش حال چند مامور اند
راجه سورج دنت متوفی لاولد بود مگر یک پسر زنار دار که کهیم کرن نام دارد متبنی کرده بود
کیفیت راجه روپ لعل ولد هیرا لعل قوم کایته برادر زاده راجه سبها چند که در زمان
صاحبزادگی حضرت بندگانعالی حال غلام سید خان مرحوم راجه سبها چند را برای سوال و جواب
مقرر کرده بودند راجه معز حساب خانگی حضور بندگانعالی حال میر سید خان مرحوم راجه
روپ لعل را از طرف خود با خبار نویسی مامور کرده بودند بعد انتقال راجه سبها چند
راجه روپ لعل را نوشت و خواند مشرفی خزانه خانگی تفویض یافت چنانچه راجه مسطور

تا حال بر ہمان عہدہ بودند از عرصہ پنج سال راجہ چند ولعل بہادر عہدہ مذکور بطور خود کردہ بطور
بر قدامت معاش جاریست اولاد نمیدارد و رستم علیخان نامی پسر خواندہ راجہ روپ لعل
است عمر راجہ مذکور تخمیناً شصت و پنج سال - کیفیت راجہ میارام ولد راجہ سبہا چند
و رائے جتن لعل برادر حقیقی راجہ سبہا چند کہ سابق وقت صاحبزادگی متعین بندگانعالی
بودند و در تعیناتی از خطاب سرفراز شدند راجہ سبہا چند از مسند نشینی بندگانعالی در
عرصہ قریب انتقال کرد و راجہ میارام پسر راجہ مسطور متوفی بر مشرفی دیوانخانہ حضور بعد
انتقال پدر خود سرفرازی یافت تا حال بحال است و سررشتہ داری جمعیت نادعلی بیگخان
و جعفر یار جنگ وغیرہ تعلق راجہ مسطور دارد و رائے جتن لعل بر پیشکاری قریب صد
راس اسپ پایہ گاہ و بارگیران و مشرفی ڈیوڑھی زنانہ مامور و سرفراز بودند چہارم
ذیحجہ ۱۲۳۶ ہجری انتقال کرد اولاد نمیدارند - کیفیت راجہ بھوانی پرشاد ولد رائے دیبا
چند ولد بھوانی پرشاد را مامور مشرفی خانسامانی حضور مقرر بود و بعد انتقال رائے مذکور
تلجا پرشاد فرزند کلان بر عہدہ مذکور قایم شد در چند ایام تلجا پرشاد ہم انتقال کرد بعد
بعد آن راجہ بھوانی پرشاد بر عہدہ مذکور مامور گردید و از رسائی و دانائی خود از مشرفی
ڈیوڑھی زنانہ حضور غفران مآب و موافقت مزاج بی بی صاحبہ بسیار رسید انمود
و تقسیم ماہوار محلات و سررشتہ داری چند سوار تعلق راجہ مسطور دارد - کیفیت
راجہ خوشحال چند رائے کیم راج ہمراہ مغفرت مآب از شاہجہان آباد آمدہ بعلاقہ
متصدی گری مال صوبہ حیدرآباد سرفراز شد و بر رائے مذکور بسیار اعتماد حضرت
غفران مآب میفرمودند پسر داشتند رائے ساگرمل بعد انتقال رائے فہیم راج ساگر
مل بر عہدہ پدر خود سرفرازی یافت و از رائے مسطور دو پسر کلان بھوانی داس مخاطب
راجہ دھرم ونت از راجہ مسطور چہار فرزند کلان راجہ کیول کشن کہ یک فرزند بنام
رائے خوب چند دارند دویمی رائے و یک رائے کہ از ایشان دو پسر اند
کنھیا لعل و منو لعل سویمی رائے جاتر لعل کہ یک فرزند دارند چہارمی رائے طوطا رام
کہ یک فرزند دارد پسر دویمی رائے ساگرمل راجہ درگا داس کہ از راجہ مسطور یک فرزند

بنام راجه خوشحال چند داز راجه مذکور دو فرزندیکی رائے اجاگر چند دویمی رام پرشاد دفتر
صوبه فرخنده بنیاد تعلق دارد - کیفیت راجه کیول رام دیا رام و دوله رائے و دیپ چند
و مینی رام چهار برادر بوده دیارام و دوله رائے برامور خزانه سرکار مشرفی
ڈیوڑهی زنانه مامور بودند حضرت غفران مآب عزت و اعتماد بسیار بخشیده بودند
و خطاب راجگی و جاگیر ذات از باعث سفارش محلات سرفراز فرموده بودند و در اولاد
دیارام و دوله رائے و دیپ چند کسی نیست از مینی رام یک پسر بنام کیول رام مخاطب
بدیا بهادر از جاگیر سرفراز و کواغذ خزانه گولکنڈه تعلق نا برده داشت و مهر بائے
دیا بهادر بر خزانه ثبت میشد در سنه ۱۲۳۹ هجری تفاوت در شمار خزانه بوقوع آمد ازین
باعث علاقه خزانه از راجه مسطور موقوف شد - کیفیت راجه شیو پرشاد ولد
راجه روشن رائے قوم روستائی اگروالہ راجه روشن رائے ملازم سیف جنگ
مرحوم بود از رسائی خود اکثر سوالجواب محالات تلنگنڈه و دیورکنڈه سواران سایر
که به سیف جنگ مرحوم بود میکرد در وقتیکه غلام سید خان مرحوم آمدند اکثر از طرف
سیف جنگ مرحوم برائے سوالجواب نزد غلام سید خان مرحوم آمد و رفت میداشت
بعد برهمی کار و تغیری تعلقات سیف جنگ در پیشدستی راجه پٹولعل که راجه مذکور به
پیشکاری دو سه هزار سوار مامور بود و مقرر شد و بیشتر از آمدن راجه راجچند ربعضی سوال
جواب علاقه پٹولعل مینمود و مابین ایام سیف جنگ و غلام سید خان مرحوم ملازم امیر
بیگ خان نیز شده بود و بعد انتقال راجه پٹولعل بر پیشکاری سواران مزبور و مشرفی خزانه
از طرف غلام سید خان مرحوم مامور بود و در مهم سری انگ پٹن همراه سواران مذکور
بانطرف رفته بود بعمر شصت پنج سال رسیده و دیعت حیات سپرد تا حال
پسرش راجه شیو پرشاد بر پیشکاری سواران و مشرفی خزانه بحال است و از
راجه شیو پرشاد یک پسر شیو پرشاد بعمر بست ساله هست - کیفیت راجه پرتهان
متوفی در نیابت راجه روشن رائے بدر ماهه مبلغ بست و پنج روپیه ملازم بود وقتیکه
از عنایت حضور پر نور راجه راجچند ر بر کار پردازی مامور شد فیمابین راجه راجچند

و راجه روشن رائے نفاق بود بیر بهان در پناه راجه راجهند رفته از نیک و بد امور سرکار
اطلاع نموده موافقت کرده بر امور سپاه رئیس الملک سلیمانجاه بهادر مختار گردید بخطاب
راجگی از دستگیری راجه راجیندر سرفراز شد چهوٹم لعل برادر خورد راجه مذکور همراه
جمعیت سلیمانجاه بهادر که در لشکر فیروزی باورنگ آباد و آنطرفها تعین است در آنجا میباشد
و تعلقه بسمت در تنخواه سواران سررشته خود گرفته است و در سنه ۱۲۳۶ هجری راجه بیر بهان در گذشت
برادرش چهوٹم لعل بعد دادن نذرانه براجه چندو لعل بر اموال و عیال و املاک برادر خود قابض
و متصرف گشت - کیفیت هر باجی پنڈت - متصدی خانسامانی غلام سید خان مرحوم از قدیم
ملازم خان مرحوم و در دولتخواهی سرکار خود نهایت مختار که بعضی اوقات اگر حکم ارسطو جاه
برائے دادن کسی جنس میشد جواب صاف میداد و غلام سید خان مرحوم دولتخواهی او دیده
بسیار بدل خوش میشدند و وقتیکه ارسطو جاه روانه پونه شدند همرکاب بود بعد آمدن از پونه
بخطاب راجه هیمونت و سرفرازی جاگیر و سررشته سواران سرفراز نمودند یک پسر بنام
گوبند راؤ از راجه مسطور است - کیفیت راجه جگموهن داس رائے لعل چند متوطن
مئو شمس آباد که در ضلع هندوستان میان دو آب واقع است برفاقت انور الدین خان
گوپامئوی در دکن آمد پسرش رائے پیتمبر داس نام در رفاقت و وکالت والاجاه
بسر برده در سنه یکهزار و یکصد و نود و سه هجری فوت شد رائے جگموهن داس ولد پیتمبر داس
بعد انتقال پدر خود بعهده وکالت از طرف عمده الامراء بهادر در حیدرآباد مامور حالا ملازم
عظیم الدوله بهادر اند - کیفیت راجه جیشر راؤ - راؤ مسطور باشنده کهم در عمل کردگری راجه
چندو لعل بهادر ملازم گردید راجه موصوف هوشیاری راجه مسطور دیده بذات خود تربیت
نمودند و وقتیکه راجه موصوف بکار پردازی سرفراز شدند ترقی راؤ مذکور هم گردید از دفتر
مال خانگی راجه صاحب و سررشته داری جمعیت رساله خاص سرفراز - کیفیت رائے سوهن لعل
ولد منا لعل قوم کایته ملازم سرکار بود و از اعانت راجه بیر بهان هر روز حاضر باش دربار بود
در سنه ۱۲۳۶ هجری که جمعیت سرکار عالی مشمول افواج قاهره سرکار عظمت مدار متوجه تنبیه مرهته
باشند از طرف راجه مسطور بسر انجام کاری و تقسیم تنخواه رساله سلیمان جاه بهادر متعین شد عرصه بهم رسانید

کیفیت تیجا ہزاری و مٹرو ہزاری ۔ اول تیجا ہزاری قوم زنار دار سریہ باشندہ ہندستان
ضلع جونپور در موضع مدرہ در بلدہ آمدہ بسرکار نواب غفرانمآب کار ہزاری گری ڈیوڑھی
مامور گردید و اعتبار تمام پیدا کردہ از جائیکہ پالکی سرفرازی یافت بعد انتقال غفرانمآب در ضلع
تیجا ہزاری سودا پیدا شد در ہمان حالت در سنہ ۱۲۳۱ ہجری رحلت کرد در اولاد خود یک پسر
در ہندوستان داشت او ہم انتقال کرد پسرش یعنی نبیرہ تیجا ہزاری در ہندوستان
بموضع مدرہ استقامت دارد دو ہزاری متوفی یک دختر بنام سکھولچری داشت کہ از شیو
نرائن منسوب بود چنانچہ شوہرش در سنہ ۱۲۳۲ ہجری و دختر مذکور در سنہ ۱۲۳۴ ہجری در باء (?)
برکوہ شریف بمرض وبا در گذشت بعدہ مٹرو ہزاری کہ ہم لف تیجا ہزاری متوفی بود در حین حیات
و ثبات عقل متوفی مذکور از موضع مدرہ آمدہ در سرکار ممدوح نوکر شدے مٹرو پاندی (?)
پاندی کہ ہزاری گری ڈیوڑھی مردانہ مامور بود روبرو نواب غفران مآب روز در شکار گاہ بر
اسپ سوار شدہ بضرب شمشیر آہو شکار کرد مورد عنایت حضرت غفران مآب گردیدہ بخطاب
سرفراز سنگہہ و سواری پالکی و ہزاریگری ڈیوڑھی بخشی بیگم صاحبہ مامور گردید در اولادش
یک دختر بنام سونا در ہندوستان زندہ است و از پسر (?) پانڈی منسوب است و از
بطن او دو پسر و یک دختر در ہندوستان موجود اند و سرفراز سنگہہ در سنہ ۱۲۳۴ ہجری انتقال
کرد الحال برادر حقیقی متوفی مذکور بنام رام بخش بر عہدہ اتش در بلدہ حاضر است و رام بخش
در ہندوستان یک پسر دارد بنام رابدین ۔ کیفیت مردان سنگہہ متوفی اینست کہ غلام
سید خان مرحوم در پونہ مسٹر منکلسن را بجمعیت ہفت ہزار بار ملازم داشتہ بودند بعد
ازان ہمہ جمعیت برہم خورد مگر چند ہزار جوان ماندند از سرکردگی مسٹر گرانٹ صاحب
بہمراہی میر ابو القاسم خان مرحوم بسری رنگ پٹن رفتند بعد ازان وقتیکہ معاودت نمودند
ازانوقت یکہزار بست و شش نفر در کڑپہ متعینہ راجہ چندو لعل بہادر شدند تا حال بسرکردگی
مردان سنگہہ مذکور حاضر اند منجملہ آن دو صد جوان برائے گرد راجہ گوبند بخش بہادر و دو
سہ صد جوان در گرد و پہرہ بندی راجہ صاحب تتمہ در تعیناتی تعلقات علاقہ کرد رگیری و
بدعت وغیرہ مامور اند در سنہ ۱۲۳۶ ہجری بسبب نزاع و کشمکش برادران خود خود را خود گذشت (?)

فصل چہارم در کیفیت زمینداران علاقہ بلدہ فرخندہ بنیاد و شرح نظامت ایلچپور
و اسامی جاگیرداران نقدی بقیہ نام و پتہ آنہا کیفیت شورا پور رجھپ ناگک نامی از طرف سلاطین
بیجاپور بر عہدہ رسوم کاولکاری و سردیسائی بطرف شورا پور مقرر یافت تا سہ چہار پشت
در متابعت بادشاہان بیجاپور ماندہ دفعہ اول کہ بادشاہ عالمگیر در عالم شاہزادگی بنا بر تسخیر
بیجاپور بموجب حکم شاہ جہان بادشاہ صاحب قران ثانی متوجہ دکن شدند پام ناگک او لاد جھپ
ناگک بود از سلاطین بیجاپور منحرف شدہ متوقع سرفرازی ہا ملازمت بادشاہ عالمگیر حاصل نمودہ
در تسخیر بیجاپور جانفشانیہا کردہ بخطاب بحری ناگک و بتجویز جمعیت سرفرازی یافت باز مکرر
بسبب رسانیدن رسد غلہ بخطاب راجگی و منصب علم و نقارہ ممتاز گردید از شد سربیاے
تعلقات مامی کوڑ و تعلقہ چنیا پور وغیرہ سرفراز شد وقتیکہ مراجعت بادشاہ عالمگیر بطور صلح
از سلاطین بیجاپور بطرف دہلی گردید بام ناگک در دکن بعہدہ کاولی وغیرہ ماندہ بتیاری
واکن گڈھہ بعمل آوردہ از سلاطین بیجاپور بغاوت اختیار نمودہ از طرف سلاطین بیجاپور
مکرر جمعیت براے تنبیہ مشار الیہ مقرر یافت آخر بطور اطاعت قبول نمود اسناد کاولی
از سلاطین بیجاپور ہم حاصل نمود تا قید حیات خود ہمین طور میگذرانید بعد انتقال بام ناگک
مذکور پسر کلان باسم پد ناگک بر تعلقات پدر خود مسلط شدہ نگہداشت جمعیت زیادہ کرد وقتیکہ
عالمگیر بادشاہ دفعہ ثانی براے تسخیر بیجاپور و قلعہ گولکنڈہ متوجہ دکن شدند پد ناگک از خلد
مکان نیز انحراف ورزیدہ با عانت سلاطین بیجاپور و گولکنڈہ پرداخت بعد تسخیر قلعہ
بیجاپور و گولکنڈہ بسبب انحراف و بغاوت پد ناگک مسطور رایات شاہی بہ تسخیر قلعہ واکن
گڈھہ متوجہ شد و قلعہ واکن گڈھہ نیز مفتوح گردید بعد رحلت حضرت خلد مکان کہ شیرازہ
جمعیت افواج بادشاہی متعینہ دکن درہم برہم شد پد ناگک کہ فراری شدہ باز جمعیت فراہم
نمودہ در قلعہ واکن گڈھہ دخل نمود و تا حین حیات ہمین طور میگذرانید بعد انتقال او پسر
پام ناگک ملقب بنام پدر خود شدہ چندے ہمان عہدہ بسر برد و بعد انتقال دست پدناگک
پسر کلان بر عہدہ پدر خود قائم گشت پد ناگک را دو پسر بودند کلان کشنا ناگک پسر
خرد و منا ناگک باہم ہر دو برادران چندے مناقشہ ماند آخر مناقشہ کشنا ناگک

فراری شد دمنا نائک خود مسلط شد پام تا حین حیات خود بر ہمان عہد بسر بردہ انتقال
کرد و انکیا نائک پسر پام نائک قائم مقام پدر خود گشت و انکیا نائک را اولاد نبود مگر
صبیہ بعد انتقال انکیا نائک کسی قائم مقام نبود لہذا اہلیہ نائک متوفی کشنیا برادر امنا نائک
متوفی را کہ سابق بعد قتل شدہ فرار گردیدہ بود از اولاد وے مدن گوپال را قائم مقام
نمود تا حین حیات خود مدن گوپال بسر بردہ بعدہ وی پدنا نائک پسر مدن گوپال متوفی را
قائم مقام گردید تا حال بحال است محاصل تعلقہ نہ لک روپیہ در سرکار عالی داخل میباید و دو
چہار لک روپیہ سالیانہ تعداد جمعیت شش ہزار پیادہ بیدڑ کہ زمین در انعام داده وقت
کار آنہا از آنجا بہکر دند جمعیت ملازم نقدی دو ہزار نفری ۔ کیفیت سرحدات شوراپور
بتفصیل ذیل طرف اول ملحق متعلقہ الجور و مدکل طرف دوم ملحق مائی کوڑ ۔ طرف
سوم ملحق بسرحدات گلبرگہ اینطرف دریائے کشنا است طرف چہارم ملحق بطرف
یادگیر اینطرف دریائے کشنا طرف پنجم ملحق بتعلقہ مکتھل وکر بجور اینطرف دریای کشنا
سوم بیڈری شوراپور کہ بر سرکنات راو پنڈت پردھان است ۔ ہفتاد و پنج ہزار و دو
صد و سی روپیہ ہشت آنہ رقم سالیانہ کہ از شوراپور در سرکار از راو موصوف داد نمی شود
است ہفتاد و دو ہزار و ہشت صد یازدہ روپیہ یادداشت تفصیل قلعجات شوراپور ۔
قلعہ شوراپور چندان محکم نیست قلعہ واکن گڈھ بر کرہ کوہ است قلعہ کیانک گڈھ قلعہ ارگد
قلعہ دیودرگ قلعہ سکور از شوراپور علاقہ ندارد در علاقہ راجہ رام کشنا را و است کیفیت
گدوال والہ ۔ بہوم بہوپال برائے رسوم مارکوڑی بموجب اسناد سلاطین پیشین بطرف
تعلقہ رایچور و غیرہ مقرر بود روزے بطرف صحرا رفتہ بود از قسمت خود مبلغ خطیر دفینہ
بدست آمد لہذا گڈھی گدوال تیار نمودہ و جمعیت نگہداشت کردہ ملک کرنول نیز بتصرف
خود آورد بعد تسخیر ملک دکن در عہد عالمگیر بادشاہ جمعیت بادشاہی بتنبیہ بہوم بہوپال
مقرر یافت بہوم بہوپال در خود تاب مقاومت ندیدہ رجوع آوردہ پیشکش تعلقات مقرر
نمود و بخطاب راجگی سرفرازی یافت و بعد چندے انتقال کرد نابرہ لا ولد بود اہلیہ وے
تا دہ سال بانتظام تعلقات گدوال پرداخت و در وقت انتقال خود لکا پریدا نامی خود

وصیت کرده که همشیره زاده خود را که نرل راؤ نام دارد و بفرزندی خود نام نهاده تسلط دهند
چنانچه بعمل آمده راؤ مذکور قریب چهار پنج سال مسلط ماند و از بد اطواری وے کارپر
دازان آزرده شده رام راؤ نامی برادر خورد نرل راؤ را مسلط گردانیدند رام راؤ
قریب بست و پنج سال بند و بست تعلقات نموده انتقال کرد نا برده لا ولد بود لهذا
بهوم بهوپال پسر کلان نرل راؤ در فرزندی رام راؤ مقرر کرده مسلط کردند بهوم بهوپال
قریب چهل سال بانتظام تعلقات پرداخت در عهد بهوم بهوپال تعلقه کرنول منور خان گرفت
بعد انتقال بهوم بهوپال رام بهوپال پسر کلان مسلط شد رام بهوپال قریب دوازده سال
مسلط ماند نا برده پسر نداشت یک صبیه وقت انتقال گزاشت صبیه مذکور را از پسرهائے سو
وے شادی مقرر نموده ابکار پردازان وصیت کرد که قائم مقام سازند چنانچه تا حال ستیارام
که قریب دوازده سال شده بکار کدوال مامور است تفصیل گڈھی ہائے کدوال
مفصله گڈھی کدوال گڈھی پوریلی گڈھی دردر گڈھی راجولی گڈھی نظام کننده جمعیت
یکهزار و پانصد نفر مدام میباشند منجمله آن پانصد و شش صد کس پیاده نقدی باقی پیاده‌ها
که زمین در تنخواه نها جاگیرات است وقت کار حاضر میباشند محاصل تعلقه چهار لک روپیه از سرکار
یک لک و سی هزار روپیه سرکار سالیانه میدهند تفصیل سرحدات کدوال ۴ طرف اول متصل
سیوار الپور و کرنول طرف دوم ملحق به سیوار رائچور طرف سوم اینطرف دریائے
کشنا ملحق به پرگنه امرچنته طرف چهارم اینطرف دریائے کشنا ملحق بسمت
سکور - کیفیت ایضاً - کدوال باسم کمما ریڈی دختر بود از بدار یڈی شادی نموده
داد چنانچه از شکم کمما ریڈی یک فرزند تولد شده نام او سومنا نهاده وقت انتقال بجای خود
قائم مقام نموده زوجه سومنا هم لا ولد بود زوجه ہائے وے نرل راؤ را در فرزندے گرفته
بجای سومنا جانشین ساختند بعدان از نرل راؤ سوم بهوپال تولد شده وقت انتقال
نرل و سوم بهوپال قائم مقام شد از سوم بهوپال رام بهوپال جانشین شده نا برده لاولد
بود وقت انتقال سومنا برادر زاده خود را بخطاب هوم بهوپال از سرکار غفرانمآب سرفراز
کنانیده ستیارام نامی ابکار توشکی به رام بهوپال مامور بود و از نا برده قرابت قریبه

داشت فتور نموده تنبیه اسم کارپردازان را از جان کشته و جمعیت ہائے قلعہ را با خود متفق نموده
قائم مقام شد سابق سٹھل طہراپور بود در نیو لاپنجلاک روپیہ نذرانہ داده از خطاب ستیا رام
بھوپال و سند بندگانعالی سرفرازی یافت از گدوال سالیانہ براؤ پنڈت پردھان در زمان
ماضی بیشتر از سی سال قریب بست ہزار روپیہ میرسید۔ کیفیت اشوا راؤ و پالونچہ والہ بزرگان
اسوا راو را اہتمام چند موضع کہ برائے مصارف دیوہرہ بھدراچل کہ از وقت عمل راجہ ہائے
ہنود معین بود متعلق اشوا راؤ کہ صاحب قسمت پیدا شد مواضع اطراف در قبضہ خود آورده
و نگہداشت جمعیت کرده گڈھی پالونچہ تیار کرد در وقت عالمگیر بادشاه
از حسن خدمت خود اسناد جاگیر و منصب و خطاب راجگی حاصل کرد از انوقت جانشین پالونچہ و بھدراچل
بنام اشوا راؤ ملقب میشوند چونکہ پالونچہ بھدراچل کوہستان را مقر خود مقرر کرده چندے حاکمان
حیدرآباد را مالگزاری نمیکردند آخر کار رکن الدولہ مدار المہام غفران مآب عاجز شده
پالونچہ وغیره در جاگیر داد سپاه فاضل بیگخان ملقب وازجان گذار بہا پالونچہ را سر کرد
و مال و متاع از طلا و سیم تا بحدیکہ در خانہ راجہ اشوا راؤ ہاون و دست کلان کہ بنا بر
صاف کردن برنج بکار می آید از نقره و طلا داشت و خزانہ غفیر جمع کرده بود بدست
ظفر الدولہ آمد و برادر خورد اشوا راؤ زنده دستگیر شد و بہ حیدرآباد فرستاد و از دہان
توپ پرانیده شد بعده راجہ اشوا راؤ در مالگذاری ظفر الدولہ رجوع شد و ہمیشہ غیر حاضر
ماند در وقت میر عالم مغفور کہ اشوا راؤ بود اولاد نداشت بنا بر آن ونکٹ رام خسر پوره خود را
بفرزندی خود جا داده بعد انتقال قائم مقام خود ساخت انکیا نامی کہ بر توشک خانہ اش
مامور بود فرصت یافتہ خود قابض گردید و متبنی اشوا راؤ سابق فراری شده در خانہ چھما راؤ
وغیره زمینداران پوشیده شد مسٹر پالمر صاحب نامبرده را از انجا آورده با عانت
صاحب رزیڈنٹ بہادر درماہہ از سرکار مغلیہ پانصد روپیہ مقرر کنانیدند تا عرصہ
سہ سال نامبرده در بلده ماند درین عرصہ انکیا اشوا راؤ ودیعت حیات سپرد مگر زنکہ
وغیره بواحقان در پالونچہ ماندند خسر پوره اشوا راؤ سابق کہ اخراج یافتہ در بلده بدرماہہ
پانصد روپیہ قیام داشت قریب یک لک روپیہ از ونکٹ کشتا راؤ زمیندار کمپنی قرض

گرفته و نذرانه داده بعلاقهٔ پالونچه مامور شد و در انجا رفته باوصف تعیناتی جمعیت سرکار و نگهداشت خود در انجا دخل نیافت راجه چندو لعل بهادر رائف صاحب دانیا برا اعانت و نکٹ رام اشوارائو خسر پورهٔ اشوارائو متوفی در سنه ۱۲۳۳ هجری فرستاد و در پالونچه وغیره بندوبست شد راجه صاحب بصلاح رائف صاحب مسطور در پالونچه وغیره تعلقات بندوبست خود کرده گرفتند و ونکٹ رام اشوارائو حال در پالونچه به جمعیت قلیل سکونت دارد و چیزے درماهه می یابد دبابت قرض نذرانه ونکٹ کشنا رائو مستغاثی است —

زمیندار دیاپور متعلقه برار از وقت عالمگیر بادشاه سرفراز حالا تعلقهٔ اش در جاگیر عبدالله صاحب پسر منیر الملک بهادر بحاصل لک روپیه مقرر است - راجه رام چندر ولد راجه چندرسین متوفی عمده منصبدار بادشاهی که بجاگیر پنجاه لک روپیه و جمعیت دوازده هزار سوار سرفراز بود مغفرت مآب چندرسین را برادر میخواندند حالا از اولادش کسی نماند راجه رام چندر در سنه ۱۱۸۳ هجری در سفر کهرده به تجویز رکن الدوله قید شده در قلعه گولکنده فوت شد مظنون ارکان این بود که در مهم کرناٹک راجه مسطور با صاحبان کمپنی موافقت باطنی کرده و شنیده شد که طلبیده بود میر نظام علیخان بهادر توپخانه و اسباب گزاشته در آن مهم جان بسلامت برده به حیدرآباد رسیدند - اجداد راجه من موهن رائو بنگلیه سنتاجی پانڈر به جاگیردار تعلقه تلهی متعلقه صوبه محمدآباد بیدر و سبحان رائو که جاگیردار تعلقه دیاپور منصبدار بادشاهی بودند در وقت میر نظام علیخان بهادر جاگیرات قدیم ضبط شده بقدر معاش اولاد آنها پرورش می یابند - انار ریڈی زمیندار پانگواڑه برادر سدا سیو ریڈی زمیندار هربجے متوفی تعلقه از میدک از جمال خان روهیلی مفسدی کرده خارج از تعلقه گردید قدرے معاش دارد - راجه ونکٹ نرائن ریڈی که زمیندار تعلقه راجکنڈه و بھونگیر بود - راجه راینا پسر نابهرده قریب چهار لک روپیه را تعلقه مذکور تعهد کرده است راجه مل ریڈی زمیندار تعلقه گرمٹکال تعهد تعلقه مذکور سه لک چند هزار روپیه کرده است راجه ونکٹ رائو مبتنی لچهمای زمیندارنی تعلقه نوکاپلی به مبلغ سه لک روپیه اجاره دارد - راجه رام کشنا ریڈی زمیندار تعلقه تنکور تعهد یک لک

شصت هزار روپیه عارد - کوناراؤ جگپت راؤ زمینداران ایلگندل سابق پنج لکهه روپیه
داشتند بعده جگپت راؤ رجوع وگوناراؤ چندی مفسدی داشت در سالگذشته گوناراؤ
معرفت رائف صاحب رجوع شد لیکن تعلقه اش سپرد راجیسر راؤ دیسپانڈیه مانکنده و حواله
بطور تحصیلداری کردند - کیفیت نظامت ایلچپور از ابتدا سنه ۱۱۸۴ فصلی محمد اسمعیل خان مرحوم
بر نیابت صوبه مذکور بودند بعد مرحوم مذکور برهان الدوله در سنه ۱۱۸۵ فصلی مامور شدند و بعد ازان
محمد صلابت خان بهادر در سنه ۱۱۹۴ فصلی و بعد ازان نظام نواز جنگ در سنه ۱۱۹۹ فصلی محمد بهلول
خان در سنه ۱۲۰۱ ف و بعد آن گنگا رام نرائن در سنه ۱۲۱۱ فصلی بعد آن همیت رام متوفی در سنه ۱۲۱۴ ف
شد و از سنه ۱۲۱۶ فصلی براجه گوبند بخش بهادر نیابت صوبه مذکور مقرر شد چنانچه شخصی از طرف
راجه معز ماسنه ۱۲۳۲ ف درانجا مامور بود - کیفیت منصبداران و آسامی جاگیرداران نقدی بعید
پته آنها - کیفیت منصب خواجه اسد الله خان بهادر پسر خواجه هدایت الله خان مرحوم که چند
قلعه داری گلبرگه نموده بودند ابن خواجه عبدالرحمن خان بهادر لشکر جنگ اعتقاد الدوله پیش
از چهل و پنج سال از حضرت مغفرت مآب بعهده منصب سرفراز سید نور الحسن خان ولد میر
سعادت علی خان بهادر رسید یار جنگ ابن میر بابا متبنی جسارت الدوله پیش از چهل سال
بمنصب سرفراز راجه اشوار اؤ زمیندار پالونچه منصب از حضور عالمگیر بادشاه داشت -
و در بطریق پیشکش داخل میکرد راجه ونکٹ نرائن ریڈی زمیندار بهونگیر زمینداری و خطاب
از سرکار آصفجاه میداشت سکندر قلیخان خانه زاد سرکار داروغه تمام خدمتگاران خاداران
حبوشس که قریب یکصد و پنجاه حبشی اند و حبوشان مذکور متعین ایلگندل اند و سوائے
آن در نگهداشت حال یکصد بارگیر از حضور عنایت شده حکیم بنده علیخان باشنده هندستانی
از سفارش جعفر یار جنگ بحضور پرنور ملازم اند در نیولا یکصد بارگیر در نگهداشت سنه ۱۲۳۰ ه
عنایت فرموده اند شاکر بیگ و واحد بیگ همشیره زاده اسد نواز جنگ و جعفر یار جنگ
از حضور پرنور بداروغگی کتابخانه سرفراز اند وزیر علی از پنجاه نفر هرکاره برائے اخبار
امرایان و منصبداران و متصدیان اهل دربار مامور است و روز و شب اخبار دربار
راجه چندولعل بهادر و تمام بلده در حضور میگذارند و سابق از طرف سکندر یار جنگ بداروغگی

ہرکارہا ناموربود در نیولا از نگہداشت سنہ ۱۲۳۰ ہجری یکصد بار عنایت شدہ بودند بتاریخ سوم
محرم سنہ ۱۲۳۸ ہجری چونکہ وزیر علی مہدوی بود و محمد روشن برادر حقیقی مجتہد مہدویان از دست
نیاز بہادر خان کشتہ شد عبد النبی خان جمعدار تمامی خدمتگاران دارونہ عمارت حضور پرنور
محمد حسین برادر موتوسلکی نہ از وقت مرشد زادگی بندگانعالی حال مامور است کریم بیگ خان از سلح خانہ
و دارونگی خدمتگاران سرفراز عطا بیگ خان از امور آبدار خانہ سرکار عالی اعتبار تمام
دارد و بہادر علیخان دارونہ عمارت از وقت مرشد زادگی حاضر میباشد قاسم بیگ خان
شہریار جنگ از دارونگی تلنگانہ دار یکصد بارگیر سرفراز میر عبد اللہ خان دارونہ باورچیخانہ
سید جعفر حسین خان فرزندش امورات سرکار سرانجام میدہد سید نصرت خان دارونہ
ہرکارہا حاکم جنگ ہمشیرہ زادہ میر موسی خان مرحوم قوت جنگ پسر احمد میر خان مرحوم
ہمشیرہ زادہ احسن الدولہ قلندر خان مرحوم مخاطب بہ قطب الدولہ حیدر ولد معین الدولہ
حیدر جنگ مرحوم محمد لودہی خان پسر محمد لودہی خان علامل خان پسر شیخ حضرت ثابت دل
خان ولد بہادر علی خان نبیرہ ظفر الدولہ جد افتخار الملک میر ضیاء الدین کیقباد جنگ خلیق
رفعت الملک بہادر مرحوم نصیب یار جنگ پسر مظفر الدولہ ہمت جنگ ولد خواجہ عبد الرشید
خان مرحوم ابن عیوض مرحوم سلطان نواز خان مخاطب بہ قاہر جنگ والی خراسان نبیرہ سید
داؤد منتظم الدولہ اقربائے غلام سید خان مرحوم نامور جنگ برادر نسبتی مختار الامرا بہادر
سرفراز الدولہ بہادر ولد محمد حیات خان مرحوم ہمشیرہ زادہ ابو الفتح خان مرحوم ملک ہمزہ جنگ
اقربائے غلام سید خان مرحوم ہمت یار جنگ نبیرہ معتمد الملک ہمت یار خان مرحوم
امام الملک برادر نسبتی ابو الفتح خان مرحوم یعنی شمس الامراء مرحوم بندہ علی خان پسر
اعظم الملک مرحوم راجہ بالمکند متصدی میر ابو القاسم خان مرحوم منور جنگ پسر احسن الدولہ
راجہ آنند راؤ سینا پتی متصدی راجہ راجچندر بہادر الدولہ شجاع الملک بہت و دوم دسمبر
سنہ ۱۸۱۵ء انتقال نمود سید عبد الرحیم پسر سید نجیب اللہ خان کنور رنبیل سنگھ پسر راجہ
جودہ سنگھ قندہاری رسالہ فتح علیخان پسر موسوی خان منشی مغفرت مآب امرت راؤ
چھترپت پسر بلونت راؤ چھترپت جاگیردار قدیم ٹھل داس لدپتا ب دنت نبیرہ

شمول شدند مدار المهام غفرانمآب که صمصام جنگ راکس جیون کشته شد راجه جگجیون راو پسر راجه
کلیان راو از اقربائے دولت راو سندهیه میر حمید خان پسر ضراب جنگ از اقربائے رفعت الملک بهادر
رضا علیخان بهادر برادر زاده انجم الملک بهادر رفیق جنگ آورده غلام سید خان
مرحوم راجه مانسنگه راو مها کهته جاگیردار قدیم برار ابناپور واله رکهپت راو پسر مادهو راو رام چندر
برادر زاده کیشو راو وکیل بهوسله محمد عاصم خان جاگیردار قدیم برار علی اکبر مخاطب به صفدر جنگ
بهادر پسر مقام جنگ مرحوم که در کشتن حیدر جنگ شریک بود امیر الدین علی خان برادر
اصغر علیخان عبد المصطفی جاگیردار قدیم دکهنی میر محمد صالح خان نبیره اعتصام الملک
قسور جنگ از امرایان عهد غفرانمآب میر عبد القادر خان با خنده جبهه بنیاد از اقربائے
عبد الحی خان صمصام الملک در وقت صلابت جنگ مرحوم از خطاب سرفراز شده
بود مرد قابل و دیرینه و لیاقت و سنجیده گی دارند و الد فرخ علیخان منتظم الدوله معروف
محمد و صاحب و نواب بیگم اهلیه غلام سید خان مرحوم هر دو قرابت برادری میداشتند
چنانچه احوال در کیفیت غلام سید خان مرحوم در صدر گزشت الحال در سرکار معزز است
میر الهی بخش خان مرتضی یار جنگ اول در زمره بارگیری پیش سداشیو ریڈی نوکر شده
بعد ازان با چند سوار اعتبار پیدا کرد وقتیکه سداشیو ریڈی امیر شد فوج متفرق گردید
میر مسطور مع سواران به پونه رفته در سرکار غلام سید خان مرحوم نوکر شد بعد رسیدن
خان مرحوم به حضور نامبرده به خطاب و منصب و جاگیر امتیاز یافت الحال در همراهی
راجه گوبند بخش بهادر بسرکردگی جمعیت سواران بوده در متابعت صاحبان انگریز
بهادر حاضر است نثار جنگ پسر کلان مقبول علیخان مرحوم که در وقت غفرانمآب
عرض بیگی داشت میر ضیاء الدین کیقباد جنگ خویش زور آور جنگ مرحوم
پدر رفعت الملک بهادر در بلده به حویلی بهادر معز سکونت دارند میر شجاعت علی
خان مخاطب به منور جنگ چیزے قرابت از حضور دارند مرحوم مسطور خسر پوره
ضیاء الملک بهادر عرض بیگی و صبیه مجهلی بیگم دختر غفرانمآب بمشار الیه منسوب
و مرحوم مسطور سه برادر یکے بهادر علیخان دوم یکه تاز جنگ بهادر قلعه‌دار بیدر

سومی منور جنگ مسطور خلف یکہ تاز جنگ مرحوم حسینی میان عرف بیگی میر عالم مغفور
خطاب حسین یاور جنگ دارد و باجعفر یار جنگ قرابت و بسبب قرض خواہان افاغنہ
روپوش شدہ در نواح قلعہ پرینڈہ بود حالا بسفارش جعفر یار جنگ باز بہ حیدرآباد رسیدہ
مخفی سکونت دارد و غلام حسین خان والد شمس الامرا بہادر مرحوم ہر دو یک مادری بودند
از غلام حسین خان غلام امام خان اعتصام جنگ امام الملک تولد شدند شمس الامرا
در فرزندی خود گرفتند میر عبداللہ خان بہادر نصیب یار جنگ منصبدار قدیم و فرزند
مظفر الدولہ و برادر افتخار الملک بہادر بخشی بادشاہی اند مظفر الدولہ عموی افتخار الملک بہادر
بودند فیما بین حیات اللہ خان و شمس الامرا مرحوم قرابت برادریست و از حیات اللہ
خان سرفراز الدولہ تولد شدند و از سرفراز الدولہ سہ فرزند و سہ فرزند دیگر از حرم
خواجہ میان و جھجو میان غلام حسینخان بہادر بدر الدولہ در سرکار رسالت جنگ مرحوم
ملازم بودند در حضور بندگانعالی معرفت محمد امین خان عرب ملازم نمودند از جاگیرات
در اولاد یک دختر دارند کہ از عابد یار جنگ شادی شدہ است ببر الدولہ اقربائے
غلام سید خان مرحوم در وقت دیوانی از خطاب و جاگیرات سرفراز شدہ اند باشندۂ ایلچپور
دو فرزند ببر الدولہ حاضر اند نامور جنگ فرزند میر سادات داماد کلان خان الحال
اولاد وغیرہ ہیچ نیست شادی نامور جنگ از میار زبیگم صبیہ کالی بیگم شدہ بود میر رضا
علی خان برادر زادہ نجم الملک بہادر فرزند علاء الدولہ مرحوم اند سہ فرزند او شان
حاضر رضا علیخان در اورنگ آباد اند۔ کیفیت جاگیر داران نقدی عبد الغفار خان
پسر ہمت جنگ اقربائے حضور از جاگیر سرفراز اند۔ دولت خان در عہد
سطوجاہ از جاگیر سرفراز شد بعہد محمد خان خدمتگار از سطوجاہ بہادر
در مدار المہامی معراز جاگیر سرفراز شدہ بقول محمد خان در عمل صلابت جنگ
مرحوم واروغہ باورچیخانہ بود اولادش از سر رشتہ قدیم جاگیر میخورند نظر بہادر
فرزند خان جہان خان داروغہ فراش خانہ حضور پرنور از جاگیر سرفراز است
محمد علیخان فرزند مسعود خان خانہ زاد حضور از جاگیر سرفراز است پسر دلاور جنگ بہادر

از جاگیر سرفراز است محمد عظمت خان اقربائے لودہی خان در عمل الدوله از جاگیر سرفراز گردید نظام منور خان دکھنی از قدیم جاگیر دار است محب الله خان وغیره فرزند فیض الله خان خانه زاد حضور مبارک النساء خانم داشته معالی میان فرزند ارسطوجاه مرحوم از جاگیر سرفراز است نامدار خان پسر سرمست خان اقربائے لودہی خان از جاگیر سرفراز ست محمد صوفی مرزا خان برادر زاده دوا ماد نوازش علی خان که همراه مبارز خان مدہ بودند ـ مستی خان ـ مستی خان جمعدار پیشه از عمل رکن الدوله از جاگیر افتخار حاصل کرده عبدالحسین و منور خان دکھنی جاگیر دار قدیم میر مظفر علی خان پسر کمال الدین حسین خان برادر صدر نواز جنگ از جاگیر سرفراز ـ خواجه عبدالله خان وغیره پسر خواجه حکیم باقر خان از جاگیر سرفراز ـ شیخ منور خان وغیره فرزندان دے منور خان دکھنی جاگیر دار قدیم شیخ نعمت الله خان برادر زاده فتح مست خان مرحوم قلعدار قلعه گولکنڈه رومی خان در عمل تبالت جنگ مرحوم از جاگیر سرفراز شده بعد انتقال اوشان فرزندانش به خطاب و جاگیر سرفراز گردیدند او شان انتقال کردند غلام عباس خان فرزند به جاگیر سرفراز حاضر است مرزا سعادت علی اقربائے سالار جنگ مرحوم نام والدش شیر بیگ خان مرحوم بشراکت ظفریار بیگ خان عمخوارش جاگیر میخورند جرات جنگ ماموی رفعت الملک میر کلان میر حیدر خان پسر اوشان به خطاب مذکور و جاگیر سرفراز است اسدالله وغیره پسران انور جنگ مرحوم ولد مختار جنگ مرحوم دارو غه باورچیخانه حضور به جاگیر ذات پدری سرفراز اند غلام نبی خان از قدیم جاگیر میخورند محمد فایق خان وغیره فرزندان آصف نواز خان مرحوم اقربائے شہامت خان و قادر نواز خان اقربائے عزت یار خان حکیم فرزندان سید حسن مرزا خان جاگیر دار قدیم اند و موضع کیسرا ور جاگیر مقرر است صادق علیخان حکیم برادر حکیم محمد خان از دواخانه حضور از قدیم معمور داؤد خان پسر حاجی خان سابق جمعدار بودند و تنخواه خود در سرکار نذرانه داده جاگیر گرفتند بعد انتقال حاجی خان بنام داؤد خان جاگیر از سرکار بحال شد فقیر الله بیگ خان وغیره

پسران فتح اللہ بیگ خان وغیرہ از قدیم بہ جاگیر سرفراز اند جعفر علی خان پسر غیاث
الدولہ کوتوال بلدہ اقربائے میر ابوالقاسم از باعث قرابت میر صاحب
از چند دیہات بعنوان تعہد سرفراز جاگیر قدیم میدارند میر کاظم علیخان اقربائے
بخشی الملک از جاگیر سرفراز مراد یاب خان فرزند نشکر جنگ بہادر از قلعداری
قلعہ رام گیر سرفراز اند فضل علی خان پسر مختار جنگ جاگیردار قدیم از داروغگی
باندار ان حضور علاقہ شمس الامراء بہادر سرفراز اند مظفر علی خان برادر امیر الدولہ
خانسامان حضور پرنور از جاگیر سرفراز اند ونی چند جنبر پورہ راجہ چند و لعل بہادر
درینولا از جاگیر سرفراز شدہ میر غلام حسینخان انہ دختر شمشیر جنگ شادی شدہ بود از
جاگیر سرفراز میر واحد علی یاور الدولہ از جاگیر سرفراز شدہ علی منور خان
پسر مقرب خان دکھنی جاگیردار قدیم مرزا مہدیخان برادر جہانگیر یار جنگ پسر
سزاوار الملک بہادر شہزادہ بیگم دختر بہادر مرحوم است از جاگیر سرفراز و شادی بیگم
مسطورہ از فرزند اشرف الدولہ شدہ است محمد منصور خان از قدیم دہ صد سوار
نقدی ملازم بودند وقتیکہ غلام سید خان مرحوم در پونہ رفتند ہمراہ بودند بعد معاودت
پونہ مرحوم مسطور عوض نگہداشت سواران وجاگیر ذات تعلقہ سرفراز کنانیدہ حیدر
علی پسر محمد رضا خان اقربائے غنی یار خان از جاگیر سرفراز نوازش علی خان فرزند
نصیب یار خان وقار الدولہ از ماہیہ سرفراز اند صاحبہ اہلیہ سزاوار الملک
بہادر و سردار خان برادرزادہ سزاوار الملک بہادر از جاگیر سرفراز شد
مرشد قلیخان قلعدار یادگیر نبیرہ شہریار جنگ مرحوم منصبدار بادشاہی غلام ضامن
خان جاگیردار قدیم عادل خان بہادر جمعدار پیشیہ در عمل ارسطو جاہ از جاگیر سرفراز
بودہ اند بہادر مذکور انتقال کردند محمد ابراہیم خان فرزند اوشان حاضر اند میر
نعمان خان جاگیردار قدیم بہادر مذکور انتقال کردند میر اسد اللہ خان فرزند اوشان
حاضر قرابت از ضیاء الملک و رفعت الملک میدارند محمد اعظم خان وعظیم الدین
خان فرزندان اسمعیل یار جنگ منشی از جاگیر سرفراز ـ میر کرم علی

پسر حاکم جنگ اقربائے میر موسیٰ خان رکن الدولہ مرحوم از جاگیر سرفراز اند از عرصہ چند روز منصور الدولہ جاگیر اینہا بزبردستی در قبضہ خود آوردہ میخورند حیات علیخان پسر نعمت اللہ ترین از سرفراز بیگم منکوحہ ارسطو جاہ مرحوم قرابت میدارند بسبب قرابت از جاگیر سرفراز رضا بیگ خان فرزند بہادر بیگ جاگیردار قدیم بعد انتقال کاظم علیخان از خانسامانی باورچی خانہ و داروغگی عمارت ہم سرفراز ۔ لقمان یار خان داروغہ ہرکارہ حضور پرنور بودند خان مذکور انتقال کرد لقمان نواز وغیرہ متعلقان از جاگیر سرفراز اسعد علیخان ولد نثیر علیخان اقربائے بے نظیر جنگ از قدیم جاگیردار اند محمد شجاعت اللہ خان نبیرہ محمد طاہر خان از جاگیر سرفراز رستم علی خان پسر نظیر علی خان برادر سلطان علی خان مرحوم کہ سابق داروغہ فراشخانہ حضور پرنور بود الحال اولاد شان از جاگیر سرفراز میر عبدالحی خان وغیرہ فرزندان محمد علی خان مرحوم مخاطب تہمتن جنگ برادر قوام الدولہ اقربائے صمصام الملک مرحوم از جاگیر سرفراز میر دوست علی خان پسر بخشی الملک از جاگیر سرفراز ولایت علیخان اقربائے بے نظیر جنگ از جاگیر سرفراز میر معز اللہ خان برادر یکہ تاز جنگ اقربائے ضیاء الملک بہادر از جاگیر سرفراز ۔ سید حفیظ درویش از جاگیر سرفراز میر اسد علیخان و بہادر علی خان اقربائے سزاوار الملک از قدیم جاگیر میدارند میر حسام الدین پسر عباد اللہ خان ساکن نانڈیر رفیق شمس الامراء مرحوم از جاگیر سرفراز محمد حیات اللہ پسر حبیب اللہ خان در رفاقت شمس الامراء جاگیر میدارند ظہیر الدین خان پسر خواجہ دائم خان علاقہ گرد دولتخانہ حضور جاگیردار قدیم میر ہدایت علی و میر فدا علی اقربائے جہانگیر یار جنگ از جاگیر سرفراز من لعل پسر بیر بل کمیشنر یعنی شاعر ہندی از جاگیر سرفراز میر ہادی اقربائے سزاوار الملک بہادر جاگیردار قدیم ۔ قادرا بیگم اہلیہ نجف علیخان مرحوم از جاگیر شوہر خود سرفراز بعنوان انعام میر حسام الدین علی وغیرہ پسران صفدر علی خان اقربائے جہانگیر یار جنگ بہادر از جاگیر سرفراز شاہ امیر اللہ فرزند رضا صاحب پیرزادہ از جاگیر سرفراز ۔ نجیب النساء بیگم اہلیہ سلیمان علی از جاگیر شوہر خود سرفراز محمد احسن اللہ خان اقربائے سزاوار الملک از جاگیر سرفراز میر اولاد علی خان پسر جمعیت طالب خان اقربائے

صمصام الملک بہادر مرحوم از جاگیر سرفراز خواجہ محمد جاگیر دار قدیم از ارث والد خود بجاگیر سرفراز - عبد الرحیم اقربائے محمد عظیم خان مرحوم از جاگیر سرفراز غلام سجاد پیرزادہ جاگیر بعنوان انعام از سرکار معتبر - حبیب اللہ خان در عمل شمس الامراء از جاگیر سرفراز شدہ خواجہ محمد خان پسر خواجہ ابو البرکات خان جاگیر دار قدیم سید عبد الرحیم پسر سید نجف خان جاگیر دار قدیم در برار اقربائے افسر الدولہ بہادر راجہ چنی لعل برادر راجہ ہنو لعل متوفی مخاطب بہ راجہ اندر ونت کہ سابق در رفاقت غلام سید خان مرحوم تحصیلداری تعلقات اجرا بود راجہ روشن رائے گما شتہ متوفی بود بپاس راجہ اندر ونت متوفی راجہ چنی لعل معاش دار و میر سرفراز علی وغیرہ فرزندان سکندر الدولہ جاگیر دار صوبہ اورنگ آباد در عمل راجہ چندو لعل بہادر سرفراز شدہ میر عالم علیخان وغیرہ در برار جاگیر دار قدیم راجہ بالکند متصدی خانگی میر ابو القاسم خان مرحوم - الحال پیشکار خانسامانی منیر الملک بہادر است آدم متدین بالخیر کہ در فرد جاگیرات ہجاگیرات ہفت ہزار و نہصد و نود روپیہ سرفراز تحصیلداری تعلقہ گدوال و شوراپور مامور رائے بالچند برادرزادہ راجہ بالکند علیحدہ است ہمین دو اسم رائے بالچند مشتہر -

فصل پنجم در تفصیل تعلقہ جات -

تعلقہ پٹن چرو سپرد حسن علیخان بہادر پسر طالب الدولہ مرحوم -

تعلقہ کاسلکور سپرد خوشحالی رام علاقہ راجہ شنبھو پرشاد

تعلقہ نا ندیر سپرد کرار نواز خان بہادر

تعلقہ دیگلور و سارباد سپرد گوری شنکر اقربائے راجہ شنبھو پرشاد

تعلقہ توپران سپرد نانک چندر

تعلقہ بھیمگل سپرد میر موسی خان پسر اشرف الدولہ مرحوم -

تعلقہ نرمل سپرد راجہ بھوجرمل -

تعلقہ اندوربوڈن سپرد کرار نواز خان

تعلقہ بانسواڑہ سپرد دسرندھر راؤ اقربائے راجہ رگھوتم راؤ متوفی

تعلقہ میدک سپرد مرار راؤ

تعلقہ بیدر سپرد خلیل اللہ خان

تعلقہ دہنا سری سپرد خان محمد چوبدار علاقہ مردہ طاہر علیخان -

تعلقہ کوبیر سپرد موہن لعل وابستہ راجہ بھوانی پرشاد -

تعلقہ ایلگندل وغیرہ محالات علاقہ کونا راؤ - زمیندار سپرد راجیسر راؤ دلیپانڈیہ مانا کنڈ وروالہ بطور تحصیلداری -

تعلقہ کانکرنی عرف گرمٹکال سپرد رائے بالچند لدموپور -

تعلقہ اٹکور سپرد زمینداران تعلقہ مسطور -

تعلقہ اونچہ سپرد رائے بالچند -

تعلقہ نلگنڈہ و دیورکنڈہ سپرد حیدر خان - علاقہ منصور خان مرحوم -

تعلقہ کم مٹھ سپرد نامدار خان برادر دلاور خان - عرض بیگی سرکار راجہ مہاراجہ چندو لعل بہادر -

تعلقہ کجول سپرد راجہ اومارٹڈی تحصیلدار - بنام راجہ رگھناتھ داس چودہری جنسی حضور -

تعلقہ مکڑی سپرد کرار نواز خان -

تعلقہ ٹیکمال سپرد اسمعیل خان بخشی رسالدار - جوانان بار علاقہ منیر الملک بہادر

تعلقہ کویلکنڈہ وغیرہ محالات سپرد نداز بہا خانمرحوم

تعلقہ مرک سپرد حسام الملک بہادر

تعلقہ نیلنگہ سپرد نہد لکی صاحب پسر قادر حسب دکھنی مرحوم -

تعلقہ چھولی سپرد راجہ سکھو راؤ -

تعلقہ ورنگل سپرد غلام محمد خان وابستہ محمد عدروس خان بہادر عرب تعلقہ پالکٹور

تعلقہ امرچنتہ سپرد رائے بالچند برادر راجہ لچھمن داس قوم کھتری -

تعلقہ کامارڈی سپرد احمد یار خان پسر محکم جنگ

تعلقہ سکور و ٹنکور سپرد سوامی رام کشنا راؤ زمیندار تعلقہ مسطور -

تعلقہ نرائن پور سپرد راجہ نیالپنر انکٹ نرائن راؤ زمیندار متوفی

تعلقہ رائچور سپرد محمد عدروس خان بہادر عرب

تعلقہ دھاروروملد رک سپرد کرار نواز خان

خالصہ باغات بلدہ فرخندہ بنیاد حیدرآباد مع باغات اندرون قلعہ محمد نگر سپرد رائے امرت رائے -

پرگنہ بنلوا و جوکل سپرد راجہ مادھو راؤ قرابتی راجہ رگھوتم راؤ متوفی

تعلقہ کلپاک وندی کنڈہ سپرد سید عزت خان

حالا بعد انتقال مرحوم مسطور بنام مرزا - پسر بہرام الدولہ مرحوم -
امان اللہ خان فرزند نیاز بہادر خان کہ
در حیات خود طفلکہ گدام مغل را در فرزندی -
گرفتہ پرورش کردہ بدستور بحال -
تعلقہ بہمنت و بیٹر وغیرہ محالات سپرد رائے - تعلقہ مدہول سپرد راجہ جگت سنگہہ سمدہی
چھوٹم مل برادر راجہ بیر بجان - راجہ چندو لعل بہادر
تعلقہ لاو لکر سراڈھون سپرد میر عاشق حسین - صوبہ خجستہ بنیاد و برادر راجہ گوبند بخش بہادر
تعلقداران در صوبجات مذکور از طرف
راجہ صاحب مذکور تعلق دارد -

کیفیت جاگیرات در تنخواہ جمعیت از صوبہ فرخندہ بنیاد و خجستہ بنیاد و صوبہ بیجاپور -

از صوبہ فرخندہ بنیاد حیدرآباد -

از پرگنہ نارائن کنڈہ وغیرہ علاقہ پائیگاہ خاص میر الملک بہادر
در تعلقہ شمس الامراء بہادر

محمد منصور خان بہادر پرگنہ ساتوبی | ناہپدام سنگہہ از پرگنہ حویلی کولاس
کنور لچھمن سنگہہ | داود جنگ از پرگنہ قندہار حال بنام اشرف جنگ

از صوبه دار الظفر بیجاپور

رایچور وغیره مرشد زاده — پرگنه الپو در جاگیر شهباز الدوله بهادر

کوپل و بهادر بنده در جمعیت سعد الله خان بهادر — کنک گیری وغیره در جمعیت همراهی میر ... جنگ بهادر

جهاندار جاه بهادر -

پرگنه الیه و کچولی — الور

ذیل ششم در کیفیت قلعجات علاقه ریاست آصفیه

قلعه گولکنده سپرد حکیم خان قلعدار - قلعه او دیگر سپرد جهانگیر یار جنگ -

حصار بیرون که واقع است در آن هشتاد و چهار برج هر برج کلان دو ضرب و سه ضرب بر
برج کوچک یک ضرب و نیز هشت دروازه منصوب مشرق رویه فتح دروازه و مسوتی دروازه
شمال رویه جمال الدین دروازه و بنجاری دروازه غرب رویه پتن چرو دروازه و یکی دروازه
جنوب رویه بدویل دروازه و بمبی دروازه منجمله این هشت دروازه مسدود دو دروازه
یکی مشرق رویه و دویمی شمال رویه جانب درگاه حسین شاه ولی برای آمد و رفت کشاده و
بیرون حصار یک خندق اندرون قلعه خندق دیگر نیست و سمت تالاب مغفرت مآب سوای
فصیل قدیم فصیل دیگر معه برج کلان تیار کنانیده اندکه بسبب کیل که روبروی فصیل قدیم
قباحت معلوم میشد و درمیان فصیل قدیم و جدید باغ نیز تیار ساخته اند و بالای حصار که هشت برج و دیوار

بدستور دو ضرب برج کلان و برج خرد یکضرب منفرت تا ب یک فصیل و دیگر بفاصلہ پرتاب تیر بر بہوائی بروج متصل باغ مذکور بر لب خندق تیار کردہ اند و عقب بالاحصار نیز یک فصیل دیگر بفاصلہ دو پرتاب تیر بر لب خندق تیار کنانیدہ و سوائے خندق معمولی خندق دیگر از گوشہ برج سنگم ندی تا دروازہ بدویل واقع است۔

قلعہ بلگیر سپرد قلندر حسین خان پسر برہان الدین۔ قلعہ بھونگیر سپرد میر اسمعیل پسر رشید الدولہ بہادر قلندر خان کہ از قدیم الایام بموجب اسناد۔ نشی حضور پرنور بادشاہی سرفراز اند۔

عمارہ عصر ۔ سمت سا عصر

قلعہ پر بنڈا سپرد حید الدولہ بہادر اعتصام جنگ۔ قلعہ دولت آباد سپرد رشید الدولہ بہادر نشی حال نشی حضور۔

قلعہ دہار ور سپرد کرار نواز خان عرف دولہ خان قلعہ نرمل سپرد راجہ بھوچرمل

قلعہ بہاتمرہ سپرد ابراہیم علیخان پسر اعتصام الملک قلعہ دیورکنڈہ سپرد پسر کلان بہادر الدولہ مرحوم نشی مرحوم۔

سمت با لا صلیعہ

قلعہ ارام گیر سپرد حسام الملک بہادر

قلعہ اپلکندل سپرد زبردست خان بہادر پسر خان جہان خان مرحوم داروغہ فراشخانہ۔

قلعہ ظفر گڈھ سپرد ہمت یار جنگ۔

قلعہ فرخ نگر سپرد علاقہ داران راجہ بالا پرشاد پسر فرزند راجہ چند و لعل بہادر۔

قلعہ سال باری سپرد میر الف خان نبیرہ اعتصام الملک۔ قلعہ یادگیر عرف اکگیر سپرد مرشد علیخان ولد مرحوم پسر دلاور علیخان مرحوم۔ رستم علیخان مرشد قلیخان ہمشیرہ زادہ۔

شہر یار الملک بہادر نبیرہ شہر یار جنگ اند۔

قلعہ ورنگل سپرد عباس یاور جنگ قلعہ مذکور قلعہ جگتیال سپرد حسن علیخان بہادر پسر طالب الدولہ

درمیدان وفصیل وبرج سنگین از کار چونه
مستحکم لیکن ویرانی بدرجه اتم وخندق از قدیم
عمیق بود وبعضے جا پر گردیده وبعضے جا عمیق
وفصیل مرمت طلب وازا خراب که بر بروج
تعبیه کرده اند ناکاره وتختها شکسته افتاده اند
وبرائے خرچ احشام دو موضع چهار هزار
روپیه وصول خام مقرر است بالفعل پنجاه
جوان قلعدار برائے احتیاط میدارد۔
قلعه هم سپرد ضرغام الدوله بے نظیر جنگ بهادر
قلعه قندهار سپرد گلاب سنگهه پسر راجه
جے سنگهه متوفی۔
قلعه بیدر سپرد خلیل الله خان بهادر

قلعه کوئل بهادر بنده سپرد عدو من خان بهادر
قلعه کنک گیری سپرد محمد صاحب پسر سلطان میان
قلعه نلگنده وسو نیلکنده بنا بر کفایت سه بندی
تفویض عاملان قلعه دار موقوف وعاملان
درمیان قلعه سکونت دارند۔

قلعه تولاس سپرد کنور نین سنگهه پسر راجه پدم سنگهه
قلعه گلبرگه سپرد حسام الملک بهادر۔

قلعه پانگل سپرد نظیر بهادر خان پسر خانجهان
مرحوم داروغه فراشخانه حضور۔
قلعه رایچور سپرد عدو من خان بهادر
قلعه کلیانی سپرد امتیاز الدوله بهادر پسر مختار الملک مرحوم
قلعه ایلچپور بطور گڈهی شش برج و دو
دروازه یکے شکسته ودویم درست دیوارها
وبروج از گل وخشت کار چونه وسنگ بالکل
نیست ودیوارها جا بجا شکسته وخندق هم ندارد
وتعلق راجه ایلچپور در قلعه مذکور میماند بالفعل
سپرد صلابت خان

فصل هفتم در شرح جاگیرداران ذات وجمعیت

یک کروڑ
عـــہ یک

یک کروڑ
عـــہ یک

سه الهه ۵

غلام حسین خان وغیرہ پسران فتح جنگ خان بہادر

محمد سبحان خان بہادر

ذات

جمعیت

فیاض علیخان بہادر پسر سبحان خان بہادر عن ذات۔

شیام راؤ ۔ عن ذات

محمد خالق خان وغیرہ پسران آصف نواز خان مرحوم عن ذات۔

راجہ روپ سن پسر بہار لعل متوفی عن ذات

امیر الدولہ بہادر معہ پسران عن ذات

محمد ابراھیم خان عن ذات

خواجہ امیر الدین خان وغیرہ پسران قلندر خان مرحوم

اسد علی خان پسر شیر علیخان

میر اسد اللہ خان وغیرہ پسران میر نعمان خان مرحوم

اسد اللہ وغیرہ پسران انور جنگ

عظیم الدین خان وغیرہ پسران اسمعیل یار جنگ مرحوم

ضیاء الدولہ بہادر

اکبر یار جنگ بہادر وغیرہ عن ذات

امام الدینخان پسر اکبر یار جنگ

ببر الدولہ بہادر۔

راجہ پتی لعل۔

بطول النساء بیگم

ما ء عہ

امیر الدین علیخان برادر اصغر علیخان ۔

عہ

خرچ مقبرہ حضرت بندہ نواز قدس سرہ

ما لو عہ

رائے جے کشن داس ۔

ال ہا لعہ

بھیم سین پسر اونگی نرائن

سما ہو لہ

میر خلیل اللہ خان پسران سعید الدولہ

ا ع لکا عہ

زبردست خان پسر خانجہان نشان بہادر

معہ لکا عہ

سید عبد الحمید خان وغیرہ پسران ہادی الدولہ

صمہ ماہ و عہ

ایمن خان پسر سعادت علیخان

ہمہ ما عہ

امرت راؤ وغیرہ

للعہ

حفیظ الدین خان ۔

سما لعہ

میر حسینخان وغیرہ پسر اکبر علیخان — للعہ ما عہ

ابراہیم بیگ وغیرہ

ال ہا لعہ

محمد امیر اللہ خان پسر فتح اللہ بیگ

ال ہا و عہ

اخراجات روضہ حضرت النساء

سما لکا عہ

ایرپا حسینیم

سما لہ عہ

بدر الدولہ بہادر

للعہ لکا عہ

متعلقان دیا رام ۔

صمہ عہ

تیر علی بیگ وغیرہ پسران احسن علی

ال لو عہ

راجہ دیا بہادر عرف کیول رام

معہ ماہ و عہ

سید احمد علیخان پسر سید معز الدین خان

سما ما عہ

اشونت رام و رام چند وکیل

و عہ

خواجہ حسن خان بہادر

صمہ للعہ

خواجہ غلام حسین خان — سمہ العہ

غلام رسول وغیرہ

مرے رنگ راؤ

میر عنایت علی

خواجہ سراج الدین منور خان وغیرہ

خواجہ شمس الدین وغیرہ

خواجہ ظہور الدین خان

خواجہ عبد الرحمن خان

محمد اعظم خان

عارف بیگ

میر علی اکبر وغیرہ

میر عالم علیخان وغیرہ

راجہ گوبند رائن

رگھپت راؤ پسر مادھو راؤ و رام چندر

خواجہ محمد سعید وغیرہ پسر محمد طاہر علیخان

میر سرفراز علی

شہاب الدین خان

عبد الرحیم خان

میر علی وغیرہ پسران علی اکبر

میر عبد العزیز خان وغیرہ

سید عادل

علاؤ الدین منور

خواجہ عبد الرحمن

خواجہ فضل الدین خان وغیرہ

سید فتاح

سید عبدالرحیم پسر نجیب خان

خواجه کمال الدین خان وغیره

خواجه کرم علی پسر خواجه عبدالستار خان

میر مظفر علی خان

میر بہور علی نبیره مقام جنگ

نرائن سنگھ پسر کنور سنگھ

سید نثار علی پسر صمصام علی

وینکٹ راؤ پسر نرائن راؤ

انبا راؤ پسر بھوانی پنڈت

انند راؤ کیشو

پریچیت سنگھ

میر خالق وغیره

محمد قادر الدین منور وغیره

گوبند راؤ پسر راجه ہنونت

محکم جنگ

خواجه محمدی خان

نامدار خان وغیره پسران سرمست خان

سید نصیر الدین خان

خواجه نصر الله خان پسر خواجه طاہر خان

سید ولایت علی

میر امام الدین پسر غلام محی الدین

احسن الله خان برادر منصور الدوله مرحوم

رائے بشنبرداس پسر بھوج لعل پنڈت

کنور دبیں سنگھ پسر راجه جودھ سنگھ

متعلقان محمد رحیم وغیرہ

مسماۃ زینت بی بی وغیرہ متعلقان داؤد خان

متعلقان وغیرہ مولوی عتیق اللہ خان

بہشتی خان ولد مستی خان مرحوم

شاہ محمد ولد میاں جان مرحوم

محمد سلطان خان

والدہ و دختر وغیرہ داؤد علی خان

شیخ الاسلام قاضی حجتہ تبہاد

ایساجی راؤ

بھیم راؤ وغیرہ پسران کشن راؤ دیواجی اخبار نویس

لشکر پنڈت بردھا

راجہ جگدیو راؤ پسر راجہ کلیان راؤ

بہاروں تو شائیں وغیرہ ارباب نشاط

سید حمید الدولہ ولد سید عطاء اللہ

گوبند بھٹ نجومی

شیام راؤ بشوناتھ

محمد عباس درویش

متعلقان سید محبوب عالم

شاہ حسین عرف نور اللہ درویش

خیر النساء بیگم صبیہ درگاہ قلی خان

امرت راؤ چھترت وغیرہ

ماناجی راؤ پسران دھونڈو نائک

بھمل داس پسر پرتاب ونت

میر حیدر خان پسر جرات جنگ مرحوم

حسین علی خان

سید عبد العلی ولد محمد باقر درویس

متعلقان میر عبد القادر خان

صلاح آثار حافظ عبد الشکور

وارثان شاہ علی درویش جہت مرمت آب نہر

متعلقان سید عبد الرحیم

سید ابوبکر ولد سید علاء الدین

شاہ قطب الدین احمد برائے مرمت آب نہر

کاغذ سازان

کریم النساء بیگم ـ

میر کمال الدین با فرزندان

گوبند راؤ مسکلیہ

چری کنور کشن راجہ پسر بھیم راج متوفی

کشن راؤ دیواجی

متعلقان محب اللہ خان مرحوم

سید محی الدین ولد نور محمد خطیب

معصوم شاہ درویش

متعلقان ملایم درویش

مہیپت راؤ ہٹل ہمراہی راجہ راؤ رنبھا بہادر

سید نور العلی وغیرہ پسران مولوی قمر الدین

سید نور محمد ـ

بابا بھٹ ولد بھوانی بھٹ نائک با فرزندان

میر واسع خان وغیرہ

وارثان داراب خان مرحوم ـ

جھل بھٹ راؤ ہمراہی راجہ راؤ رنبھا بہادر

ماہی مراتب پالکی جھالردار

مبارزالدولہ میر گوہر علیخان بہادر مبارز جنگ ہفت ہزاری ذات ۔ سمـ علم ونقارہ وماہی مراتب پالکی جھالردار ۔

فریدون جاہ انتظام الملک انتظام الدولہ میر سبحان علیخان بہادر مظفر جنگ چہار ہزاری ذات سمـ علم ونقارہ

میر رشید الدین خان بہادر منصور جنگ چہار ہزاری ذات سمـ علم ونقارہ

محمد بدیع الدینخان بہادر سپہ دار جنگ چہار ہزاری ذات ۔ سمـ علم ونقارہ

جہاندار جاہ ذوالفقار علیخان بہادر ذوالفقار الملک نصیر الدولہ ببر جنگ دوازدہ ہزاری ذات عـ دواسپہ علم ونقارہ ماہی مراتب پالکی جھالردار ۔

سلیمانجاہ رئیس الملک سلطان الدولہ جہانگیر علیخان بہادر ۔ مظفر جنگ فیروز مند دوازدہ ہزاری ذات عـ دواسپہ علم ونقارہ ماہی مراتب پالکی جھالردار

بہادر موصوف ہفت ہزاری ذات سمـ علم ونقارہ ماہی مراتب پالکی جھالردار

صمصام الدولہ میر شبیر الدین علیخان بہادر صمصام جنگ ۔ ہفت ہزاری ذات سمـ علم ونقارہ ماہی مراتب جھالردار

میر اکرام علیخان بہادر شجاع جنگ چہار ہزاری سمـ علم ونقارہ

میر نصرت علیخان بہادر ظہیر جنگ وغیرہ پسران جمشید جاہ مرحوم ۔ مشارالیہ پنجہزاری ذات ۔ عـ علم ونقارہ درہمہ باب صمـ دواسپہ علم ونقارہ پالکی جھالردار ۔

میر دائم علیخان بہادر دارا جنگ چہار ہزاری ذات سمـ علم ونقارہ

اکبر جاہ عمدۃ الملک اعتماد الدولہ میر تیمور علیخان بہادر خواہ جنگ دوازدہ ہزاری ذات ۔ عـ دواسپہ علم ونقارہ ماہی مراتب پالکی جھالردار ۔

کیوانجاہ سلطان الملک اقبال الدولہ میر جہاندار علیخان بہادر ۔ سعادت مند طالع بلند دوازدہ ہزاری ذات عـ دواسپہ علم ونقارہ ماہی مراتب پالکی جھالردار

قطب الملک نصیر الدولہ غازالدین خان بہادر
فیروز جنگ پسران نواب صلابت جنگ
مرحوم و مغفور ۔ دو اسم
بہادر مغز فہ ہزاری ذات

برہان الملک سراج الدولہ
نعمہ علم و نقارہ ماہی مراتب حسین خان بہادر شہاب جنگ
نہ ہزاری ذات نعمہ
علم و نقارہ ماہی مراتب

میر احسن الدینخان بہادر ناموَر جنگ وغیرہ
پسران ہمایون جاہ ناصر الملک مرحوم ۔
مشارٌ الیہ ۔ میر قمر الدینخان بہادر فخر یار جنگ
چار ہزاری ذات للعہ علم و نقارہ

میر حامد خان بہادر نصرت جنگ چہار ہزاری ذات
للعہ علم و نقارہ
حسین یاور الدولہ میر مداح حسین خان بہادر

میر عظیم الدین خان بہادر رستم جنگ وغیرہ
پسران بسالت جنگ
مشارٌ الیہ ۔
چار ہزاری ذات ۔ حمید اللہ خان بہادر ۔ رستم یار جنگ
سمہ علم و نقارہ چار ہزار ذات سمہ علم و نقارہ
ماہی مراتب
میر قدرت اللہ خان بہادر عزت یار جنگ ۔ میر فتح اللہ خان بہادر
چار ہزاری ذات سمہ علم و نقارہ سپہ سالار جنگ چار ہزاری
ذات سمہ علم و نقارہ
میر شہاب الدین خان بہادر سپہ دار جنگ ۔ میر نصر اللہ خان بہادر اذریا جنگ
چہار ہزاری ذات سمہ علم و نقارہ ۔ چار ہزاری ذات سمہ علم و نقارہ
میر فتح اللہ خان بہادر اسفندیار جنگ ۔ میر لطیف اللہ خان بہادر نیر جنگ
سمہ علم و نقارہ چار ہزاری ذات سمہ علم و نقارہ
ممتاز الامراء قیام الملک قیام الدولہ میر کلان خان
بہادر ہفت ہزاری ذات قلیچ جنگ وغیرہ پسران
معمہ علم و نقارہ ماہی مراتب پالکی جھالر دار
غضنفر الدولہ میر نظام الدین حسینخان بہادر قیام جنگ
چہار ہزاری ذات اعماء علم و نقارہ
اقتدار الدولہ حسین الدین خان بہادر
غضنفر جنگ سہ ہزاری ذات اعمہ علم و نقارہ
میر محمود خان بہادر فیروز یار جنگ چہار ہزاری ذات
للعہ علم و نقارہ
تیمور یار الدولہ میر علی حسین خان بہادر

حسین یار جنگ سہ ہزاری ذات ۔
اعـ ۔۔ علم و نقارہ
میر حسن علیخان بہادر فیضیاب جنگ میر معز الدینخان بہادر
چہار ہزاری ذات للعمـ ۔۔ علم و نقارہ شرف الملک ۔
چہار ہزاری ذات للعمـ ۔
علم و نقارہ ۔
میر فضل الدین حسین بہادر میر منور حسینخان بہادر
دو ہزاری ذات اعـ دو ہزاری ذات ۔
علم و نقارہ ۔ اعـ ۔۔ علم و نقارہ
یعقوب محمد خان ولد انور جنگ خواجہ محمد سعید خان

اعزاز الدولہ خواجہ باقی خان بہادر رہبر جنگ
ہمسلک ناصر الملک مرحوم شش ہزاری ذات
للعمـ ۔۔ علم و نقارہ پالکی جھالر دار
رفیع الملک رفیع الدولہ میر تاج الدین خان بہادر
شجاعت جنگ وغیرہ ۔
مشار الیہ قطب الدولہ میر نصیر الدینخان
پنجہزاری ذات نصیر جنگ سورت والہ
سمـ ۔۔ علم چہار ہزاری ذات اعـ ۔۔
و نقارہ ۔ علم و نقارہ ۔

تیمور جنگ سہ ہزاری ذات ۔
اعـ ۔۔ علم و نقارہ
میر نور الدین حسینخان بہادر میر بہادر حسین خان بہادر
دو ہزاری ذات اعـ دو ہزاری ذات
علم و نقارہ ۔ اعـ ۔۔ علم و نقارہ
میر نجم الدین حسینخان بہادر ۔ میر جمال الدین حسینخان بہادر
سہ ہزاری ذات اعـ دو ہزاری ذات اعـ
علم و نقارہ ۔ علم و نقارہ
سید نور الحسین خان بہادر وغیرہ پانصدی ذات
اسم ہمشیرہ زادہ ۔ دو اسم ۔
مشار الیہ ولد شیر یار جنگ مرحوم ۔ محمد اسد اللہ خان
یک ہزاری ذات ۔ بہادر خواجہ ہدایت اللہ
خان بہادر یکہزاری ذات
محترم الملک فخر الدولہ قدرت اللہ خان بہادر
ذو الفقار جنگ ۔ ولد خواجم قلیخان مرحوم
اعـ ۔۔ علم و نقارہ
سید جلال الدینخان بہادر نظامت جنگ خویش
قطب الامرا منصور جنگ مرحوم اعـ ۔۔ علم و نقارہ

سورت واله

میر غلام محی الدینخان بهادر
منیر جنگ سه هزاری ذات
علم و نقاره اعـه

میر حمید الدینخان بهادر
صفدر جنگ ولد صفدر الملک
دو هزاری ذات

حسب الحکم در سنه ۱۲۴۳ مشارٌ الیه اعـه علم و نقاره
به جهاندار جاه بهادر عنایت شد

امجد الملک امجد الدوله محمد امجد خان بهادر
میر بلند جنگ وغیره - دو اسم
مشار الیه
هفت هزاری ذات
صمـه علم و نقاره - جهالردار

شیخ امین الدین خان بهادر
پسر دو هزاری ذات پالکی
اعـه علم و نقاره

امام الملک امام الدوله غلام امام خان بهادر
اعتصام جنگ هفت هزاری ذات
سلمـه علم و نقاره و پالکی جهالردار -

شمس الامرا شمس الملک شمس الدوله
ابو الخیر خان بهادر تیغ جنگ ولد ابو الخیر خان مرحوم
صمـه علم و نقاره پالکی جهالردار

شمس الدین علی خان بهادر وقار جنگ وغیره
متبنهای میر صالح الدینخان مرحوم - دو اسم
مشارٌ الیه
دو هزاری ذات
الـه علم و نقاره

عزیز الدینخان بهادر دل جنگ
دو هزاری ذات
الـه علم و نقاره

سردار الدوله سعید الدین خان بهادر سعید یار جنگ
وغیره پسران شیخ حسام الدینخان مرحوم -
مشارٌ الیه
پنجهزاری ذات
اعـه علم و نقاره

نظام الدینخان بهادر عازم جنگ
چهار هزاری ذات
اعـه علم و نقاره

محمد قطب الدین خان بهادر کامیاب جنگ
سه هزاری ذات اعـه علم و نقاره -

محمد حیات الله خان بهادر دلاور دل جنگ
متبنی امام جنگ مرحوم سه هزاری ذات
اعـه علم و نقاره

فضل الدین خان بهادر سرفراز جنگ ولد ذو الفقار علیخان
مرحوم همراهی - دو هزاری ذات

افسر الدوله غلام غوث خان بهادر افسر جنگ ولد
ناصر علیخان مرحوم - سه هزاری ذات اعـه علم و نقاره

محمد نصیر الدینخان بهادر قوی دل جنگ همراهی
سه هزاری ذات اعـه علم و نقاره

شمس الدین علیخان بہادر عظیم یار جنگ ولد عظیم الدین محمد خان مرحوم سپاہی دو ہزاری ذات
ا عــــ علم ونقارہ -

سید اولاد علیخان بہادر انور جنگ دو ہزاری -
ذات - الـــ علم ونقارہ

میر عالم بہادر عرف ابو القاسم وغیرہ پنجہزاری
ذات - ا عــــ علم و نقارہ و پالکی جھالردار

حسام الملک نظام یار الدولہ میر عباس علیخان بہادر
نظام یار جنگ وغیرہ اقربائے دو اسم
مشار الیہ خانہ زادہ مستقیم الدولہ وعبد الغنی خان بہادر
چہار ہزاری ذات مستقیم جنگ ولد محمد برہان خان
ا عــــ علم ونقارہ بہادر چہار ہزاری ذات
ا عــــ علم ونقارہ

میر حیدر علیخان بہادر حیدر نواز جنگ وغیرہ
پسران قاسم علیخان مرحوم -
دو اسم
مشار الیہ میر کمال الدین حسینخان بہادر
سہ ہزاری ذات کامیاب جنگ دو ہزاری ذات
ا عــــ علم ونقارہ الــــ علم ونقارہ

حسین علی بیگ خان بہادر حسین یاور جنگ ولد
حسینی بیگ خان مرحوم دو ہزاری ذات
الـــ علم ونقارہ

منیر الملک منیر الدولہ حیدر خان بہادر غیور جنگ وغیرہ
دو اسم
مشار الیہ ولد صفدر خان مرحوم - امین الملک امین الدولہ
رضا یار خان بہادر
میر عابد خان مرحوم
پنجہزاری ذات حسام جنگ برادر چہار ہزاری ذات
سمـــ علم ونقارہ و پالکی ا عــــ علم ونقارہ
جھالردار -

سعید الدولہ محمد سعید خان بہادر سعید جنگ وغیرہ
باستصواب دار اجاہ

مشار الیہ ولد محمد سعید خان مرحوم ہادی الدولہ میر ہادی خان بہادر
اقربائے میر عالم مغفور چہار ہزاری ہادی جنگ ولد محمد سعید خان مرحوم
ذات سا عــــ علم ونقارہ سہ ہزاری ذات ا عــــ علم ونقارہ

سید عبداللہ خان بہادر
ولد سہ ہزاری ذات
اعـــ علم و نقارہ

حسن یار الدولہ علی حسینخان بہادر
مرحوم حسن یار جنگ پسران
امین الملک سہ ہزاری ذات
اعـــ علم و نقارہ

خواجہ رحمت اللہ خان بہادر
خدا یار جنگ ولد خواجہ
فتوح خان مرحوم بدستور

خواجہ حمید خان بہادر
رسول یار جنگ ولد
جمال خان مرحوم بدستور

میر مصطفی خان بہادر عزت یار جنگ
سہ ہزاری ذات اعـــ علم و نقارہ

افتخار الملک دلیر الدولہ سید دلاور خان بہادر
افتخار جنگ وغیرہ۔
مشار الیہ ولد سید مبارز خان
شش ہزاری ذات
سمـــ علم و نقارہ پالکی جھالردار

نور الامرا نور الملک دلاور الدولہ محمد نور خان بہادر
سلیمان یار جنگ عـــ اسم
مشار الیہ ہفت ہزاری ذات
صمـــ علم و نقارہ

افتخار الدولہ ولد سید
ندیم اللہ خان بہادر
نصرت یار جنگ چہار ہزاری
ذات اعـــ علم و نقارہ

علی یاور الدولہ علی احمد خان بہادر
علی یاور جنگ پسر چہار ہزاری ذات
سمـــ علم و نقارہ

میر عبداللہ خان بہادر نصیب یار جنگ
ولد سید دلاور خان مرحوم
سہ ہزاری ذات میر عبداللہ خان
الـــ علم و نقارہ

سید قبول محمد خان بہادر
فتح یار جنگ ولد
قبول محمد خان مرحوم
بدستور۔

کامیاب الدولہ ولی محمد خان
بہادر قادر جنگ پسر نور الامرا
چہار ہزاری ذات
سمـــ علم و نقارہ

نادر الدولہ
دلیر علیخان بہادر
یاور جنگ بدستور

آصف یار الدولہ فتح محمد خان بہادر
آصف یار جنگ سہ ہزاری
ذات ۔ اعـــ علم و نقارہ

باقر علیخان بہادر
بختاور جنگ ولد
فتح علیخان مرحوم دو ہزاری
ذات الـــ علم و نقارہ

شیخ دیندار خان بہادر سلطان جنگ بدستور۔

امام بخش خان بہادر امام نواز جنگ ولد محمد خان مرحوم
بدستور۔

شاہ باز الملک شاہ یار الدولہ مصطفی علیخان بہادر شاہ نواز جنگ
وغیرہ اقربائے همراہی غلام سید خان مرحوم۔
بدستور۔

غلام سرور خان بہادر سرور نواز جنگ
بدستور

موقی الیہ خویش ولد مظفر الملک مرحوم | بیر الدولہ مرشد نواز خان | غلام علیخان بہادر آصف نواز جنگ | نور الدولہ کلب علیخان
پنجہزاری ذات۔ | جانفشان جنگ چہارہزاری | ولد محمد خان مرحوم | علی نواز جنگ وغیرہ
سمت علم ونقارہ | ذات اعت علم ونقارہ | بدستور۔ مشارالیہ سہزار | محمد صفدر خان
ذات اعت بہادر سہرابی
علم ونقارہ بدستور

سکند الدولہ سکندر نواز خان بہادر | منتظم الدولہ محمد فرخ علیخان | محمد چاند بہادر | محمد اسمعیل خان بہادر
فدا جنگ۔ | انتظام جنگ ولد فرخ حسن | رفیق جنگ | اسمعیل یار جنگ دوہزاری
اعت علم ونقارہ | چارہزاری ذات | بدستور | ذات الت علم ونقارہ
اعت علم ونقارہ

فیاض علیخان بہادر سکندر جنگ | محمد حفیظ الدینخان بہادر | حسینی بیگخان بہادر
سہزاری ذات۔ | حافظ یار جنگ ولد اکرم | رحمٰن نواز جنگ
اعت علم ونقارہ | بدستور | بدستور
میر الٰہی بخش خان بہادر مرتضیٰ یار جنگ
بدستور

ضیاء الملک شباب الدولہ میر عطا علیخان بہادر۔ | اعتصام الملک اعتصام الدولہ میر حیدر خان
سردار جنگ وغیرہ | عہ اسم | بہادر ضیاء الملک۔ | ۴۔ اسم
مشارالیہ ولد عبدالسبحان خان مرحوم | ضیاء الدولہ ابوالفتح خان | مشارالیہ پنجہزاری ذات | رشید الدولہ ولد سعید
پنجہزاری ذات۔ | بہادر شرزہ جنگ | پالکی جھالردار۔ | محمد علیخان بہادر حبیب یار جنگ
سمت علم ونقارہ | چارہزاری ذات | سمت علم ونقارہ | چارہزاری ذات
اعت علم ونقارہ | اعت علم ونقارہ

میر اسد علیخان بہادر یکتاز جنگ | میر شجاعت علیخان بہادر | وحید الدولہ | زین الدین خان بہادر
ولد معوض اللہ خان مرحوم دوہزاری | منور جنگ ولد | اعتصام اللہ خان | عابد یار جنگ ولد احمد علیخان مرحوم
ذات۔ الت علم ونقارہ | مفوض اللہ خان مرحوم بدستور | صفدر یار جنگ بسیر بدستور | دوہزاری ذات اعت علم ونقارہ

میر احسن خان بہادر قوت جنگ
ولد احمد منیر خان مرحوم بدستور۔

بہرام الدولہ بہرام الملک سید زین العابدینخان بہادر سطوت جنگ وغیرہ۔
مشارٌالیہ پنجہزاری ذات
سمہ علم ونقارہ

رفعت الملک مجاہد الدولہ مظفر علیخان بہادر ترکتاز جنگ وغیرہ
بہرام جنگ سید غلام حسینخان بہادر پسر سہ ہزاری ذات
اعہ علم ونقارہ

مشارٌالیہ ولد سید میرک میر ضیاء الدینخان بہادر زورآور جنگ مرحوم۔ چہار ہزاری ذات
سمہ علم ونقارہ

محمد کیقباد جنگ ولد استحاق خانمرحوم سہ ہزاری ذات
اعہ علم ونقارہ

سید حسن علیخان بہادر اعتقاد جنگ نواب زادہ سہ ہزاری ذات
سمہ علم ونقارہ

میر حیدر خان بہادر جرات جنگ ولد میر اولیا خانمرحوم دوہزاری ذات
الہ علم ونقارہ

عظیم الملک عظیم الدولہ میر حملہ خان بہادر نصیر جنگ وغیرہ۔
سہ۔ اسم
مشارٌالیہ ولد سید لشکر خان مرحوم پنجہزاری ذات پالکی جھالردار
سمہ علم ونقارہ

شمشیر الدولہ شجاعت خان بہادر سرور جنگ ولد شجاعت خانمرحوم۔ پنجہزاری ذات
سمہ علم ونقارہ پالکی جھالردار

میر جمال الدین خان بہادر استقامت جنگ پسر سہ ہزاری ذات
الہ علم ونقارہ

سید لشکر خان بہادر عظیم جنگ پسر
سہ ہزاری ذات اعہ علم ونقارہ

بدر الدولہ سید بدر الدین خان بہادر دلیر جنگ
پنجہزاری ذات سمہ علم ونقارہ

حمید الدولہ خواجہ خیر الدین خان بہادر منور جنگ
پنجہزاری ذات للعمہ علم ونقارہ وپالکی جھالردار

[illegible]

غالب الدولہ علی محمد خان بہادر صف شکن جنگ وغیرہ امیر الدولہ اسد محمد خان بہادر شہامت جنگ وغیرہ

دو اسم — سے اسم

مشارٌالیہ چہار ہزاری ذات۔ طالب الدولہ محمد تقی خان بہادر مشارٌالیہ عرف محمد اسد خان محمد جمال الدین خان بہادر

اعـــــہ علم و نقارہ فیضیاب جنگ سہ ہزاری ذات چہار ہزاری ذات محمد یار جنگ پسر محمد طاہر خان

اعـــــہ علم و نقارہ اعـــــہ علم و نقارہ مرحوم اعـــــہ علم و نقارہ

محمد افضل خان بہادر امیر جنگ

سہ ہزاری ذات اعـــــہ علم و نقارہ

موتمن الدولہ امام علیخان بہادر سالار جنگ اقربائے درگاہ قلی خان مرحوم۔ سے اسم

یاور الدولہ میر تقی خان بہادر یاور جنگ ولد شرف الدولہ بہادر مرحوم۔ چہار ہزاری ذات

الـــــہ علم و نقارہ

مشارٌالیہ چہار ہزاری ذات شہسوار الدولہ رگا قلیخان بہادر

پالکی جھالردار سمـــــہ علم و نقارہ جلادت جنگ سہ ہزاری ذات

ـــــہ علم و نقارہ

رستم زمان خان بہادر مکرم جنگ بنیرہ

الـــــہ علم و نقارہ

لطیف الدولہ غالب بیگ خان بہادر معظم جنگ ولد لطیف بیگ خان مرحوم چہار ہزاری ذات

اعـــــہ علم و نقارہ

محتشم الدولہ یعقوب مرزا خان بہادر محتشم جنگ وغیرہ اقربا فاضل بیگ خان مرحوم

مشارٌالیہ پسر ابو تراب مرزا خان بہادر منور جنگ

چہار ہزاری ذات سہ ہزاری ذات

اعـــــہ علم و نقارہ الـــــہ علم و نقارہ

بختاور الدولہ میر بختاور علیخان بہادر

سہ ہزاری ذات طالع یار جنگ خویش

اعـــــہ علم و نقارہ

داور الدولہ رحمان یار خان بہادر رحمان یار جنگ مبارک الدولہ حسن علیخان بہادر مبارک جنگ وغیرہ

ولد رحمان یار خان مرحوم چہار ہزاری ذات
اعــــ سہ علم و نقارہ

سیف الدولہ غلام نبی خان بہادر صمصام جنگ
اقربا نجیب الدولہ سیف جنگ مرحوم ۔
سہ راسم
مشار الیہ چہار ہزاری ذات　محمد عزت خان بہادر دل
پالکی و جہالر دار ۔　دلاور جنگ ولد سیف الدولہ
سمـــ سہ علم و نقارہ　نبیرۂ سہ ہزاری ذات
اعــــ سہ علم و نقارہ

غلام رسول خان بہادر مستحکم جنگ ولد
محمد خلیل خویش سہ ہزاری ذات
اعــــ سہ علم و نقارہ

ولد محمد خلیل خویش سہ ہزاری ذات
اعــ سہ علم و نقارہ

معز الدولہ خواجہ عبد الصمد خان بہادر ہمت جنگ
ولد خواجہ عبد الرشید خان مرحوم سہ ہزاری ذات

پسران حسن علیخان مرحوم
دو اسم
مشار الیہ در مچھلی بندر　کاظم علیخان بہادر ذوالفقار جنگ
چہار ہزاری ذات　دو ہزاری ذات
الــ سہ علم و نقارہ　الــ سہ علم و نقارہ

ضرغام الدولہ ابو الحسن خان بہادر بے نظیر جنگ وغیرہ
اقربا جعفر علیخان مرحوم ۔ صہ اسم
مشار الیہ　محمد معین الدین خان بہادر
سہ ہزاری ذات　شوکت جنگ پسر دو ہزاری ذات
اعــ سہ علم و نقارہ　الــ سہ علم و نقارہ

معتصم الدولہ تراب علیخان بہادر
شہاب جنگ پسر معین الدینخان مرحوم
برادر چہار ہزاری ذات
اعــ سہ علم و نقارہ

معین الدینخان مرحوم برادر　دو ہزاری ذات
چہار ہزاری ذات　الــ سہ علم و نقارہ
اعــ سہ علم و نقارہ

اسد علیخان بہادر معہ رحیم جنگ ولد شیر علیخان مرحوم
برادر زادہ سہ ہزاری ذات
اعــ سہ علم و نقارہ

سرفراز الدولہ محمد حیات خان بہادر لشکر جنگ وغیرہ
دو ا م

مشارٌ الیہ سہ ہزاری ذات محمد فیض اللہ خان بہادر
اعـــ علم و نقارہ اعتماد جنگ ولد شیخ محمد
روشن خان مرحوم سہ ہزاری
ذات اعـــ علم و نقارہ

قوام الدولہ میر عبدالعزیز خان بہادر ہمت جنگ وغیرہ
پسران عبدالسلام خان مرحوم برادر زادہ
صمصام الملک مرحوم - دو اسم
مشارٌ الیہ چہار ہزاری
ذات - اعـــ علم و نقارہ

اشرف الدولہ میر حسن علیخان بہادر نصرت جنگ
وغیرہ اقربا میر غلام حسین خان مرحوم
ـــ اسم
مشارٌ الیہ سہ ہزاری ذات میر حسن خان بہادر
اعـــ علم و نقارہ - محکم جنگ پسر دو ہزاری ذات
الـــ علم و نقارہ

جلال الدولہ میر جمال الدین
خان بہادر مجاہد جنگ
اعـــ علم و نقارہ

میر حیدر خان بہادر تہور جنگ
پسر دو ہزاری ذات
الـــ علم و نقارہ

بہادر الدولہ ولد خواجہ بہادر خان بہادر بہادر جنگ
ولد خواجہ یوسف خان مرحوم - سہ ہزاری ذات
اعـــ علم و نقارہ

اعتبار الدولہ حیدر بیگ خان بہادر مشتعل جنگ
وغیرہ اقربا عاشور بیگ خان مرحوم -
ـــ اسم
مشارٌ الیہ سہ ہزاری ذات پسر میر علی حسن خان بہادر
اعـــ علم و نقارہ محکم جنگ پسر
الـــ علم و نقارہ

میر حیدر خان بہادر تہور جنگ پسر
دو ہزاری ذات الـــ علم و نقارہ

حکیم الحکما محی الدولہ عزت یار خان بہادر ولد حکیم
جعفر خان مرحوم سہ ہزاری ذات - الـــ علم و نقارہ

تہور الدولہ سیدی عبداللہ خان بہادر متہور جنگ
پسران سیدی عبداللہ خان مرحوم - دو اسم

مشارٌ الیہ سہ ہزاری ذات سید اسد اللہ خان بہادر
اعـــ علم و نقارہ۔ رعد جنگ سہ ہزاری ذات
الـــ علم و نقارہ

بندہ علیخان بہادر علی یار جنگ وغیرہ پسران
محمد اعظم خان مرحوم ۔ ے راسم
مشارٌ الیہ سہ ہزاری ذات لطف علیخان بہادر
اعـــ علم و نقارہ ۔ فتح یار جنگ سہ ہزاری ذات
قربان علیخان بہادر اعـــ علم و نقارہ
ظفر یار جنگ سہ ہزاری ذات
اعـــ علم و نقارہ ۔

سید حمید الدین خان بہادر شکوہ جنگ ولد
خواجہ ہمت اللہ خان مرحوم سہ ہزاری ذات
اعـــ علم و نقارہ

محمود بیگ خان قاسم یار جنگ وغیرہ پسران
قائم بیگ خان دو اسم
مشارٌ الیہ سہ ہزاری ذات ذو القدر خان بہادر
اعـــ علم و نقارہ شہر یار جنگ دو ہزاری ذات
الـــ علم و نقارہ

محمد حمید خان بہادر ہمت یار جنگ وغیرہ اقربا
ہمت خان مرحوم ۔ دو اسم
مشارٌ الیہ سہ ہزاری ذات میر اسد اللہ خان بہادر
اعـــ علم و نقارہ ۔ اسد یار جنگ سہ ہزاری ذات
اعـــ علم و نقارہ

محبوب علیخان بہادر نثار جنگ وغیرہ اقربا
مقبول الدولہ اعتماد جنگ ۔ ے اسم
مشارٌ الیہ ۔ علی معقود خان بہادر
اعـــ علم و نقارہ بختیار جنگ پسر
اعـــ علم و نقارہ

عقیدت خان بہادر عقیدت جنگ ولد نثار خان
سہ ہزاری ذات ۔ اعـــ علم و نقارہ

سید مکرم علیخان بہادر
نیقر جنگ ولد مکرم علیخان خویش
اعـــ علم و نقارہ ۔

سید حیدر دل خان بہادر امتیاز جنگ ولد
سید صلاء الدین خان مرحوم سہ ہزاری ذات
اعــ سہ علم و نقارہ

میر علی اکبر خان بہادر اصغر یار جنگ ولد
سید علی اصغر خان فتمام جنگ مرحوم ۔
سہ ہزاری ذات اعــ سہ علم و نقارہ

شاہ بیگ خان بہادر محمد یاور جنگ
سہ ہزاری اعــ سہ علم و نقارہ

میر جعفر علی خان بہادر جعفر یار جنگ وغیرہ کوکہ
دو اسم
مشار الیہ دو ہزاری ذات میر حسین علیخان بہادر
الــ سہ علم و نقارہ اسد نواز جنگ دو ہزاری ذات
الــ سہ علم و نقارہ

برہان الدین قلندر بیگ خان بہادر پلنگ جنگ
ولد فدا علیخان مرحوم دو ہزاری ذات
الــ سہ علم و نقارہ

انور الدین علی خان بہادر اتقیاد جنگ وغیرہ
اقربا وفادار خان مرحوم ۔ ۲ اسم
مشار الیہ دو ہزاری ذات ۔ غلام محی الدینخان اعتقاد جنگ
الــ سہ علم و نقارہ ۔ دو ہزاری ذات
غلام حسینخان بہادر وفادار جنگ الــ سہ علم و نقارہ ۔
ولد محمد عظیم اقربا دو ہزاری ذات الــ سہ علم و نقارہ ۔

سید معز الدینخان بہادر ولد سید زین الدینخان مرحوم
معزور جنگ سہ ہزاری ذات
اعــ سہ علم و نقارہ

خواجہ عنایت اللہ خان بہادر عباس یار جنگ
ولد مختار خان سہ ہزاری ذات
اعــ سہ علم و نقارہ

محمد انور اللہ خان بہادر انور جنگ ولد
مرزا علیخان مرحوم دو ہزاری ذات
الــ سہ علم و نقارہ

محمد منیر الدین خان بہادر سکندر یار جنگ
ولد معین الاسلام خان مرحوم ۔
الــ سہ علم و نقار

میر نعمت اللہ خان بہادر خدا یار جنگ دو ہزاری
ذات الــ سہ علم و نقارہ

شیخ فخر اللہ خان بہادر جرأت یار جنگ ولد
شیخ نعمت اللہ دو ہزاری ذات الــ سہ علم و نقارہ

محمد قمر الدین خان بہادر اکبر یار جنگ ولد محمد امام الدین دو ہزاری ذات۔
ال ؁ علم و نقارہ

علی متقی خان بہادر دائم جنگ ولد شیخ الزمان سہ ہزاری ذات
اعـ ؁ علم و نقارہ

سید دلاور علیخان بہادر سبقت جنگ ولد واقف علیخان مرحوم الـ ؁ علم و نقارہ

محمد القایم۔

مرشد زادہ ہائے بلند اقبال۔

ناصر الدولہ میر احمد علیخان ناصر جنگ ہفت ہزاری سمـ ؁ علم و نقارہ ماہی مراتب پالکی جھالردار۔

صمصام الدولہ میر بشیر الدین علیخان بہادر صمصام جنگ ہفت ہزاری سمـ ؁ علم و نقارہ ماہی مراتب پالکی جھالردار

۹ ذیلحجہ ۱۲۴۹؁ شاہ عالم پنجہزاری ذات للعہ علم و نقارہ پالکی

۲۰ ذیلحجہ ۱۲۴۹؁ خطاب ناصر الدولہ دو ہزاری ذات اعـ ؁ ماہی مراتب

۹ ذیلحجہ ۱۲۴۹؁ خطاب میر بشیر الدین علیخان بہادر صمصام جنگ للعہ علم و نقارہ

۲۰ ذیلحجہ ۱۲۴۹؁ صمصام الدولہ خطاب۔ اعـ ؁ علم و نقارہ ماہی مراتب

دو اسپہ یک اسپہ دو اسپہ یک اسپہ دو اسپہ یک اسپہ دو اسپہ یک اسپہ

مبارز الدولہ میر گوہر علیخان بہادر مبارز جنگ ہفت ہزاری

ذیلحجہ ۱۲۴۶؁ خطاب میر گوہر علیخان بہادر مبارز جنگ پنجہزاری ذات للعہ ؁

۲۰ ذیلحجہ ۱۲۴۹؁ اضافہ خطاب مبارز الدولہ دو ہزاری ذات اعـ ؁ ماہی مراتب

دو اسپہ یک اسپہ دو اسپہ یک اسپہ

اقربایان میر سبحان علی خان مرحوم

۲۰ ذیلحجہ ۱۲۴۹؁ شاہ عالم

ـــ ے اسم

میر وقار علیخان بہادر جہاندار جنگ چہار ہزاری ذات سمہ علم و نقارہ
میر اکرام علی خان بہادر چہار ہزاری ذات
شجاع جنگ سمہ علم و نقارہ

میر رشید الدین علی خان بہادر منصور جنگ۔
چہار ہزاری ذات سمہ علم و نقارہ.

منصبداران ۵ اسم

سید عبداللہ خان بہادر اقربا نیر الملک درگاہ قلیخان بہادر ولد امین الملک بہادر
سہ ہزاری ذات۔ اعسہ علم و نقارہ
۲۰ ذیلحجہ ۱۲۴۷

مبارز دل خان وغیرہ اقربائے افتخار الملک
سید قبول محمد خان بہادر فتح یاور جنگ ۹ ذیلحجہ ۱۲۴۷
مشار الیہ ولد افتخار الدولہ برادرزادہ یکہزاری ذات سمہ علم و نقارہ
دو ہزاری ذات اعسہ علم و نقارہ

اصل عبد غفار آفتاب خطاب بہادر اضافہ یکہزاری پانصدی
اصل یکہزار پانصدی ذات افزایش یکہزار و پانصدی
پانصدی ذات و خطاب خانی ذات الصالیہ و خطاب بہادر خانی الصالیہ ذات فتح یاور جنگ
علم نقارہ ۲۰ ذیلحجہ ۱۲۴۷ علم و نقارہ۔ ۲۰ ذیلحجہ الصالیہ

یار علیخان بہادر ولد فتح یاور جنگ یکہزاری ذات
اصل پانصدی ذات و خطاب خانی اضافہ پانصدی ذات
و خطاب بہادر ۲۰ ذیلحجہ سنہ الیہ

محمد فرید الدینخان بہادر وغیرہ اقربا و ہمراہی شمس الامرا بہادر
مشار الیہ پسر سہ ہزاری ذات و خطاب ۲۰ ذیلحجہ ۱۲۴۷ محمد امام الدینخان بہادر دل جنگ دو ہزاری ذات
اعسہ علم و نقارہ و خطاب۔
اصل یکہزاری ذات و خطاب خانی بہادر اضافہ اصل یکہزاری و خطاب خانی و بہادر اضافہ
یکہزاری ذات وقار جنگ یکہزار علم و نقارہ السہ علم و نقارہ یکہزاری و خطاب دل جنگ السہ علم و نقارہ

نفضل علیخان بہادر سرفراز جنگ دوہزاری ذات
وخطاب - اصل یکہزاری ذات وخطاب خانی
اضافہ یکہزاری ذات وخطاب سرفراز جنگ
۲۰ ذلیجہ سنہ ۴۷ الیہ علم ونقارہ

شیخ بدرالدین خان بہادر یکہزاری ذات وخطاب
اصل پانصدی ذات وخطاب خانی - اضافہ
پانصدی ذات وخطاب ۲۰ ذلیجہ سنہ ۴۷

رحیم علی خان بہادر یکہزاری ذات وخطاب ۲۰ ذلیجہ سنہ ۴۷

میر نورالدین علیخان بہادر یکہزاری ذات و
خطاب ۲۰ ذلیجہ سنہ ۴۷

شیخ ضیاءالدینخان بہادر یکہزاری ذات وخطاب
اصل چہارصدی ذات اضافہ شش صدی ذات
وخطاب خانی - خطاب بہادر ۲۰ ذلیجہ سنہ ۴۷

محمد علی خان چہارصدی ذات وخطاب خانی
۲۰ ذلیجہ سنہ ۴۷

شیخ نظام الدین خان چہارصدی ذات و
خطاب خانی ۲۰ ذلیجہ سنہ الیہ

شیخ محمد احسان خان چہارصدی ذات وخطاب
خانی ۲۰ ذلیجہ سنہ الیہ

شیخ کرامت اللہ خان چہارصدی وخطاب خانی
۲۰ ذلیجہ سنہ الیہ

میر عزیزالدین علی خان چہارصدی نواب وخطاب خانی ۲۰ ذلیجہ سنہ الیہ

سید اولاد علیخان بہادر انور جنگ دوہزاری ذات
وخطاب - اصل یکہزاری ذات وخطاب خانی
اضافہ یکہزاری ذات وخطاب انور جنگ ۲۰ ذلیجہ سنہ ۴۷
الیہ علم ونقارہ

شیخ نصیرالدین خان بہادر یکہزاری ذات وخطاب
اصل پانصدی ذات خطاب خانی اضافہ
پانصدی ذات وخطاب بہادر ۲۰ ذلیجہ سنہ ۴۷

محمد نظام الدینخان بہادر یکہزاری ذات و
خطاب ۲۰ ذلیجہ سنہ ۴۷

محمد حفیظ الدین خان بہادر یکہزاری ذات وخطاب

بہادرالدین خان بہادر یکہزاری ذات وخطاب
اصل چہارصدی ذات اضافہ شش صدی ذات
وخطاب خانی - وخطاب بہادر ۲۰ ذلیجہ سنہ ۴۷

واحد علیخان چہارصدی ذات وخطاب خانی
۲۰ ذلیجہ سنہ الیہ

شیخ زین الدین خان چہارصدی ذات وخطاب
خانی - ۲۰ ذلیجہ سنہ الیہ

شیخ غلام جیلانی خان چہارصدی ذات وخطاب
خانی ۲۰ ذلیجہ سنہ الیہ

شیخ قمرالدین خان چہارصدی ذات وخطاب
خانی - ۲۰ ذلیجہ سنہ الیہ

سید محمد خان چہارصدی ذات وخطاب خانی ۲۰ ذلیجہ سنہ الیہ

سلطان علی خان ولد عبداللہ خان
پانصدی ذات وخطاب خانی

ارادت خان بہادر یکہزاری وخطاب
۲۰ ذیلحجہ سنہ الیہ

حسین نواز خان پانصدی ذات وخطاب خانی
۲۰ ذیلحجہ سنہ الیہ

اصل پانصدی ذات و اضافہ پانصدی ذات
خطاب خانی ۔ وخطاب خان بہادر
مہدی یاور خان پانصدی ذات وخطاب ۲۰ ذیلحجہ سنہ الیہ

محمد مظفر خان بہادر وغیرہ ہمراہیان سلیمان جاہ بہادر ۹ ذیلحجہ سنہ ۱۲۶۱ھ

معہ اسم

مشارٌ الیہ یکہزاری ذات وخطاب خانی وبہادر — خواجہ حسن خان چہارصدی ذات وخطاب خانی
محمد نامدار خان چہارصدی ذات وخطاب خانی — محمد عبدالصمد خان چہارصدی ذات وخطاب خانی
محمد داؤد خان چہارصدی وخطاب خانی — قاسم بیگ خان پانصدی ذات وخطاب خانی
مہدی نواز خان عرف میر صوفی چہارصدی ذات وخطاب خانی

میر سعادت علیخان بہادر اقربا ضیاء الملک بہادر

للہ اسم

مشارٌ الیہ نبیرہ یکہزار و پانصدی ذات وخطاب
اصل یکہزاری ذات اضافہ پانصدی ذات
وخطاب خانی وبہادر ۹ ذیلحجہ سنہ ۱۲۶۱

میر عبداللہ خان وغیرہ نبیرہ میر نعمان خان بہادر
۲۰ ہر ذیلحجہ سنہ ۱۲۶۱ سے اسم
مشارٌ الیہ پانصدی ذات میر عنایت حسین چہارصدی
وخطاب خانی ۔ ذات وخطاب خانی
میر عنایت حسین خان چہارصدی ذات وخطاب خانی

محمد بدرالدین خان وغیرہ اقربا بدرالدولہ
مشارٌ الیہ یکہزاری ذات وخطاب ۔

دو اسم
مظفر علیخان بہادر اقربا یکہزاری منصب وخطاب

اصل چہارصدی ذات اضافہ ششصدی ذات و اصل پانصدی ذات اضافہ پانصدی ذات
وخطاب خانی ۔ خطاب بہادر ۲۰ ذیحجہ سنہ ۴۲ وخطاب خانی وخطاب بہادری ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ

شہسوار الدولہ درگاہ قلیخان بہادر جلادت جنگ سہ ہزاری ذات وخطاب دوہزار راس علم ونقارہ
اصل سہ ہزاری ذات وخطاب ۔ اضافہ یکہزاری ذات وخطاب اعتبار الدولہ

ضرغام الدولہ ابوالحسن خان بہادر بے نظیر جنگ ۱۰ اسم

مشارٌ الیہ سہ ہزاری ذات وخطاب ۲۰ ذیحجہ سنہ ۴۲ عسکر علی خان شہباز جنگ ۲ ہزاری ذات وخطاب خانی
اصل سہ ہزاری ذات اضافہ خطاب میر عالم الدولہ اصل پانصدی ذات اضافہ یکہزار و پانصدی ذات
وخطاب ۔ وخطاب خانی ۔ وخطاب شہباز جنگ ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ

جمال علیخان چہارصدی ذات وخطاب خانی ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ سرور علیخان چہارصدی ذات وخطاب خانی ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ

صفا علیخان چہارصدی ذات وخطاب خانی ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ دلیر علی خان چہارصدی ذات وخطاب خانی ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ

میر ابراہیم علیخان چہارصدی ذات وخطاب خانی ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ ۔ تراب علی خان چہارصدی ذات وخطاب خانی ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ

ذاکر علیخان چہارصدی ذات وخطاب خانی ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ

جمال الدولہ میر جمال علی خان بہادر مجاہد جنگ وغیرہ ۔

مشارٌ الیہ سہ ہزاری ذات وخطاب ۔ میر عبدالحی خان ولد تہمتن جنگ پانصدی ذات
خطاب خانی ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ

اصل سہ ہزاری ذات اضافہ خطاب جلال الدولہ
وخطاب ۔ ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ

میر عبدالسلام خان ولد تہمتن جنگ پانصدی ذات
وخطاب خانی ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ

باقر علی خان بہادر وغیرہ اقربا طالب الدولہ

۱۵ اسم

مشار الیہ وغیرہ پسران - علی احمد خان بہادر وغیرہ برادر زادہ ہا - دو اسم
مشار الیہ یکہزاری ذات جمال علیخان بہادر یکہزاری مشار الیہ یکہزاری ذات محمد علیخان بہادر یکہزاری
وخطاب - ذات وخطاب - وخطاب - ذات وخطاب
اصل پانصدی وخطاب - اضافہ پانصدی منصب اصل پانصدی منصب اضافہ پانصدی منصب
خانی - وخطاب بہادر - وخطاب بہادر - وخطاب بہادر
اصل پانصدی ذات اضافہ پانصدی منصب - اصل چہارصدی ذات - اضافہ ذات وخطاب
وخطاب خانی - وخطاب بہادر ۲۰ ذیحجہ وخطاب خانی - بہادر ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ

حسن علی خان بہادر ولد بہادر مسطور یکہزاری ذات وخطاب -
اصل پانصدی ذات وخطاب خانی - اضافہ پانصدی ذات وخطاب بہادر
۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ

حکیم الحکما محی الدولہ عزت یار خان سہ ہزاری ذات وخطاب
الـ علم ونقارہ
اصل دوہزار ذات وخطاب بہادر اضافہ یکہزاری ذات وخطاب حکیم الحکما
الـ علم محی الدولہ الـ ونقارہ

حسن مرزا خان بہادر ولد سلطان مرزا خان مرحوم یکہزاری ذات وخطاب -
اصل چہارصدی ذات وخطاب خانی - اضافہ ششصدی ذات وخطاب بہادر -

میر ہادی خان بہادر وغیرہ اقربائے ہمراہی جہانگیر یار جنگ بہادر -
مشار الیہ یکہزاری ذات وخطاب - محمد تقی خان بہادر یکہزاری ذات وخطاب
اصل پانصدی ذات اضافہ پانصدی ذات اصل پانصدی ذات اضافہ پانصدی ذات
وخطاب خانی - وخطاب بہادر ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ وخطاب خانی - وخطاب بہادر ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ

محمد احسن اللہ خان بہادر یکہزاری ذات وخطاب خانی
بہادر ۲۰ ذیحجہ سنہ الیہ

ذوالفقار خان بہادر شہریار جنگ وغیرہ - دو اسم

مشارٌالیه دوہزاری ذات وخطاب ۔ قایم بیگ خان یکہزاری ذات وخطاب
اصل پانصدی ذات اضافہ یکہزاری ذات وخطاب اصل پانصدی ذات اضافہ پانصدی ذات
وخطاب خانی ۔ شہریار جنگ جمادی الثانی سنہ وخطاب خانی ۔ وخطاب بہادر جمادی الثانی سنہ

میر جعفر علی خان بہادر جعفر یار جنگ
مشارٌالیه دوہزاری ذات وخطاب
السہ علم ونقارہ ۲۰ ذلحجہ سنہ

میر حسن علی خان بہادر اسد نواز جنگ دوہزاری ذات
وخطاب ۔
اصل پانصدی ذات وخطاب خانی اضافہ یکہزاری و پانصدی
ذات وخطاب اسد نواز جنگ
السہ علم ونقارہ ۲۰ ذلحجہ سنہ الیه

محمد منیر الدین خان بہادر سکندر یار جنگ دوہزاری ذات وخطاب
اصل چہارصدی ذات وخطاب خانی اضافہ یکہزار و ششصدی ذات
وخطاب سکندر یار جنگ
السہ علم ونقارہ

محمد قمر الدین خان بہادر اکبر یار جنگ وغیرہ ۔
مشارٌالیه دوہزاری ذات
اصل یکہزاری ذات وخطاب اضافہ یکہزاری ذات
خانی وبہادر وخطاب اکبر یار جنگ
السہ علم ونقارہ

نظام الدین علیخان ولد اکبر یار جنگ بہادر پانصدی
ذات وخطاب خانی ۲۰ ذلحجہ سنہ

امام الدین علی خان ولد اکبر یار جنگ بہادر
پانصدی ذات وخطاب خانی ۲۰ ذلحجہ سنہ الیه

غلام نقشبندی خان پانصدی ذات وخطاب خانی
۲۰ ذلحجہ سنہ

میر منیر الدین خان پانصدی ذات وخطاب خانی
۲۰ ذلحجہ سنہ الیه

اکبر نواز خان بہادر یکہزاری ذات وخطاب
۲۰ ذلحجہ سنہ الیه

تراول خان پانصدی ذات وخطاب خانی
۷ ذلحجہ سنہ ۴۶
میر غلام مصطفیٰ خان بہادر یکہزار ذات و
خطاب خانی ۔
صادق علی بیگ یکہزاری ذات وخطاب
خانی ۷ جمادی الثانی سنہ الیہ
علی یار خان پانصدی ذات وخطاب خانی
سنہ ۴۶
ہدایت اللہ بیگ خان پانصدی ذات وخطاب
خانی ۷ جمادی الثانی سنہ الیہ ۔
محمد میر خان پانصدی ذات وخطاب خانی
ولی محمد خان چہارصدی منصب خطاب خانی
۳۰ ذلحجہ سنہ ۴۶
عبد الغنی خان چہارصدی ذات وخطاب خانی
۷ جمادی الثانی سنہ الیہ
اعجاز رقم خان پانصدی ذات وخطاب خانی
۷ جمادی الثانی سنہ الیہ
اعتماد نواز خان عرف ابو محمد خان چہارصدی
ذات وخطاب خانی ۷ جمادی الثانی سنہ الیہ
تفنلیاب خان ولد جمال یاب خان چہارصدی ذات

اصل پانصدی ذات — اضافہ وبانصدی ذات
وخطاب خانی — وخطاب اکبر نواز جنگ بہادر
برق انداز خان پانصدی ذات وخطاب
خانی ۹ ذلحجہ سنہ الیہ
فضل علی بیگ خان ولد نادعلی بیگ خان
پانصدی ذات وخطاب خانی ۲۰ ذلحجہ سنہ الیہ
غلام علی بیگ خان پانصدی ذات وخطاب
خانی ۲۰ ذلحجہ سنہ ۴۶
فولاد قلی خان پانصدی ذات وخطاب خانی
۲۰ ذلحجہ سنہ ۴۶
محمد وزیر الدین خان پانصدی ذات وخطاب
خانی ۷ جمادی الثانی سنہ الیہ
محب علی خان چہارصدی ذات وخطاب خانی
۷ جمادی الثانی سنہ ۴۶
کریم بیگ خان چہارصدی ذات وخطاب خانی
۷ جمادی الثانی سنہ ۴۶
محمد حاجی خان چہارصدی ذات وخطاب خانی
۳۰ ذلحجہ سنہ ۴۶
اعتماد نواز خان چہارصدی ذات وخطاب
خانی ۲۰ ذلحجہ سنہ الیہ
محمد فان اللہ خان داروغہ طویلہ چہارصدی
ذات وخطاب خانی ۔ ۳۰ ذلحجہ سنہ الیہ
محمد برہان خان داروغہ طویلہ چہارصدی

و خطاب خانی ۲۰ ذیلحجہ سنہ الیہ	ذات و خطاب خانی ۲۰ ذیلحجہ سنہ الیہ
محمد داؤد خان پانصدی ذات و خطاب	
خانی ۷ جمادی الثانی سنہ ۴۶ء۔	

میر عطا حسین خان بہادر وغیرہ اقربا و ہمراہی منشی عزیز اللہ۔ ے راسم

مشار الیہ سہ ہزاری ذات و خطاب خانی و بہادر	میر ابراہیم علیخان بہادر دو ہزاری ذات
۲۰ ذیلحجہ سنہ ۴۶	و خطاب خانی و بہادر ۲۰ ذیلحجہ سنہ ۴۷
اعـ سنہ علم و نقارہ	الـ سنہ علم و نقارہ

عبد الحکیم خان بہادر یکہزاری ذات و خطاب۔
خانی و بہادر ۹ ذیلحجہ سنہ ۴۶ ۔

فتح اللہ بیگ خان وغیرہ پسران فقیر اللہ بیگ خان بہادر

بہ دو اسم

مشار الیہ پانصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذیلحجہ سنہ [illegible]	محمد فضائل بیگ خان پانصدی ذات و خطاب خانی ۲۰ ذیلحجہ سنہ ۴۷۔

غلام مرتضی خان بہادر یکہزاری ذات و خطاب	۲۰ ذیلحجہ سنہ ۴۷۔
اصل چہار صدی ذات و خطاب خانی	اضافہ شش صدی ذات و خطاب بہادر

محمد فاضل بیگ خان بہادر ے راسم

مشار الیہ یکہزاری ذات و خطاب	محمد جمال بیگخان بہادر یکہزاری ذات و خطاب
اصل پانصدی ذات اضافہ پانصدی ذات	اصل چہار صدی ذات اضافہ شش صدی ذات
و خطاب خانی و خطاب بہادر ۹ ذیلحجہ سنہ الیہ	و خطاب خانی و خطاب بہادر ۹ ذیلحجہ سنہ الیہ

محمد صدیق بیگ خان بہادر یکہزاری ذات و خطاب بہادر
اصل چہار صدی ذات اضافہ سہ صدی ذات و
و خطاب خانی ۔ خطاب بہادر ۹ ذیلحجہ سنہ الیہ

محمد محبوب خان وغیرہ اقربا ہمراہی لودی خان بہادر۔

مشارٌ الیہ پسر پانصدی ذات وخطاب خانی
۲۰ ذیحجہ سنہ ۴۷

محمد سبحان خان بہادر ولد ہدایت اللہ خان
مرحوم برادرزادہ پانصدی ذات وخطاب
خانی ۲۰ ذیحجہ سنہ ۴۷

محمد منصور خان ہمراہی پانصدی ذات وخطاب
خانی - ۲۰ ذیحجہ سنہ ۴۷ -

محمد قطب علی خان اقربا ہمراہی محمد سبحان خان بہادر ۶ شعبان سنہ ۴۵
مشارٌ الیہ یکہزاری ذات وخطاب خانی
۶ شعبان سنہ ۴۵

محمد امین عرف محمد امین لال یکہزاری ذات
وخطاب ۶ شعبان سنہ ۴۵ -

فوتی

رفع الملک رفیع الدولہ میر تاج الدینخان بہادر
شجاعت جنگ پنجہزاری ذات وخطاب
سمہ علم ونقارہ
اصل چہار ہزاری ذات اضافہ یکہزاری منصب
وخطاب اعـــــ سہ علم ونقارہ وخطاب رفیع الملک
الـــــ سہ علم ونقارہ

شہسوار الدولہ درگاہ قلیخان بہادر جلادت جنگ
سہ ہزاری ذات وخطاب -
اعـــــ سہ علم ونقارہ
اصل دو ہزار ذات اضافہ خطاب شہسوار الدولہ
وخطاب - ۲۰ ذیحجہ سنہ ۴۷
اعـــــ سہ علم ونقارہ

رستم خان بہادر مکرم جنگ نبیرہ درگاہ قلیخان مرحوم
دو ہزاری ذات سہ الـــــ علم ونقارہ
اصل پانصدی ذات اضافہ یکہزار و پانصدی
ذات وخطاب مکرم جنگ
الـــــ سہ علم ونقارہ

صارم الدولہ میر محمد علی خان بہادر تہمتن جنگ
سہ ہزاری ذات
سہ ہزاری ذات و اضافہ خطاب صارم الدولہ
وخطاب خانی - خطاب - ۲۰ ذیحجہ سنہ ۴۷
الـــــ سہ علم ونقارہ

سید محی الدین حسین خان بہادر عظمت جنگ
دو ہزاری ذات -
الـــــ سہ علم ونقارہ

میر نعمت اللہ خان بہادر خدا یاور جنگ
دو ہزاری ذات -
الـــــ سہ علم ونقارہ

اصل یکہزاری ذات اضافہ یکہزاری ذات وخطاب.
وخطاب بہادر عظمت جنگ
الــ سنہ علم ونقارہ

اصل چہارصدی ذات اضافہ یکہزار بست صد
وخطاب خانی ۔ ذات وخطاب
الــ سنہ علم ونقارہ

میر لطف علیخان بہادر ولد افتخار الملک بہادر
دو ہزاری ذات ۔ الــ سنہ علم ونقارہ
اصل پانصدی ذات اضافہ یکہزاری پانصدی
ذات وخطاب بہادر
و خطاب خانی
۲۰ ذلیحجہ الــ سنہ علم ونقارہ

خان زاد خان چہارصدی ذات وخطات
۷ جمادی الثانی سنہ ۴۶ ۔

محمد جمیل خان پانصدی ذات وخطاب ۷ ۔
جمادی الثانی سنہ ۴۶

سید محمد خان بہادر یکہزاری ذات وخطات
اصل پانصدی ذات اضافہ پانصدی ذات
وخطاب خانی وخطاب بہادر ۷ جمادی الثانی سنہ ۴۶

جمال الدین خان برادر اکبر یلدر جنگ یکہزاری
ذات ۔
اصل پانصدی ذات اضافہ پانصد ذات
وخطاب خانی وخطاب بہادر
۷ جمادی الثانی سنہ الیہ

شجاعت بیگ خان ولد حسینی بیگ خان مرحوم
ہمراہی میر عالم مغفور ۲۰ ذلیحجہ سنہ ۴۷ ۔

تہنیت نواز خان عرف محمد رحیم چہارصدی
ذات وخطاب ۲۰ ذلیحجہ سنہ الیہ

مراتب منصبداران پادشاہی

دو اسم	فوتی	علمہ راسم	حی القائم

افتخار الملک بشیر الدولہ سید دلاور خان بہادر
افتخار جنگ نجم الملک کن شش ہزاری ذات
سنہ علم ونقارہ وپالکی جھالردار ۔

راجہ راو رنبہا بہادر بلونت ہفت ہزاری
ذات
سنہ علم ونقارہ وپالکی جھالردار

راجہ رام بھوپال متوفی زمیندار گدوال
پنجہزاری
سنہ علم ونقارہ

بہر الملک شہسوار الدولہ راجہ انکیا نائک بلونت
بحری بہادر رعب جنگ متوفی زمیندار شوراپور
شش ہزاری ذات سنہ علم ونقارہ... پالکی جھالردار

بہر الملک شہسوار الدولہ راجہ مذنائک بلونت
بحری رعب جنگ زمیندار شوراپور پنجہزاری
ذات سمــــہ علم و نقارہ ۔
راجہ ونکٹ نرسہوا اشوارائو سوامی بہادر
زمیندار پالونچہ سہ ہزاری ذات
اعــــہ و نقارہ

کیفیت منصبداران ذیل ۔

محمد صلابت خان بہادر ہفت ہزاری ذات علمــہ علم و نقارہ ماہی مراتب پالکی جھالردار	محمد سبحان خان بہادر سہ ہزاری ذات اعــہ علم و نقارہ	محمد لودہی خان بہادر چہار ہزاری ذات اعــہ علم و نقارہ	محمد جمال خان بہادر لوہانی دو ہزاری ذات الــہ علم و نقارہ	
محمد عدروس خان بہادر عزت سہ ہزاری ذات اعــہ علم و نقارہ	فوجدار خان بہادر سہ ہزاری ذات اعــہ علم و نقارہ	شریعت اللہ خان یکہزاری ذات	گرار نواز خان ہفت صدی ذات	
ملک ہمزہ علیخان پانصدی ذات	علی بیگخان پانصدی ذات	نادعلی بیگ خان چہارصدی ذات		

فہرست منصبداران ہنود ۔

راجہ چندولعل بہادر پنجہزاری ذات ۔ سمــہ علم و نقارہ	راجہ گوبند بخش بہادر سہ ہزاری ذات اعــہ	راجہ سیام راج بہادر دیانت پنجہزاری ذات سمــہ علم و نقارہ و پالکی جھالردار	رائے بابو راؤ نرائن چہارصدی ذات
رائے لچھمن داس چہارصدی ذات ۔	رائے بلونت رائے چہارصدی ذات ۔	رائے رگھوارام چہارصدی ذات ۔	رائے بابو راؤ چہارصدی ذات

رائے مکند راؤ چہارصدی ذات ۔ رائے لچھمن ہری چہارصدی ۔ رائے لچھمن کاتب راؤ چہارصدی

مہاراجہ راج راجندر راجہ رگھونتم راجہ بہادر
ہفت ہزاری ذات للعہ - علم ونقارہ پالکی جھالردار

راے سری پت راؤ سہ ہزاری - راجہ کشن راؤ بہادر دو ہزاری ذات - راجہ امو در راؤ بہادر دو ہزاری الـــہ - راجہ راما کانت راؤ دو ہزاری الـــہ
راجہ سری دھر راؤ بہادر دو ہزاری ذات - راجہ مادہو راؤ یکہزاری ذات - راجہ شیش راؤ یکہزاری - راجہ سکھو دو ریکہزاری ذات الـــہ
راجہ نرائن راؤ پانصدی ذات - راے گنپت راؤ پانصدی ذات - راے کیشو راؤ چہارصدی - راے ملہار راؤ چہارصدی ذات
راے بلونت چہارصدی - راجہ انند راؤ یکہزاری - راجہ بلونت راؤ یکہزاری - راجہ ہری پنڈت یکہزاری
راجہ نتھل پنڈت یکہزاری - راجہ گنگا رام یکہزاری - راجہ بھیم راؤ پانصدی ذات - راجہ سکھا رام یکہزاری ذات - راجہ جیواجی پنڈت پانصدی - راے رام چند ر راؤ پانصدی
راے وامن راؤ پانصدی ذات - راے ونکٹ راؤ پانصدی - راے بھگونت راؤ پانصدے
راے انند راؤ پانصدی - راے سکھا رام پانصدی - راے مادہو راؤ پانصدی - راے
بسونت راؤ پانصدی - راے کیشو راؤ پانصدی ذات - راے سری پت راؤ پانصدی
راے رگھپت راؤ پانصدی - راے مست راؤ پانصدی - راے رنگ راؤ پانصدی
راے وامر راؤ پانصدی - راے لچھمن راؤ پانصدی - راے کیشو راؤ پانصدی
راے بالا راؤ پانصدی - راے نرہر راؤ پانصدی - راے ہیبت راؤ پانصدی -
راے بسواس راؤ پانصدی - راے رہنو راؤ پانصدی - راے انند راؤ پانصدی
راے منت راؤ پانصدی - راے نرسنگھ راؤ پانصدی - راے ستیا رام پنڈت چہارصد ذات
راے سکھا رام چہارصدی - راے نرسنگھ راؤ چہارصدی - راے ہرکشن راؤ چہارصدی
راے سری نواس پنڈت چہارصدی - راے بھوانی پنڈت چہارصدی - راے خوشحال چند دوہزاری الـــہ

رائے دیپک رائے یکہزاری ذات - رائے چاتر لعل چہارصدی - رائے طوطارام چہارصدی ذات
رائے خوب چند چہارصدی - رائے اُجاگر چند چہارصدی - رائے منو لعل چہارصدی
رائے نانک چند چہارصدی - رائے لچھمی نرائن چہارصدی - رائے بھوگ چند چہارصدی
رائے اسواری پرشاد - رائے بینی چند چہارصدی - رائے بھوپال رائے چہارصدی
رائے مولچند یکہزار و پانصد - رائے بالا پرشاد یکہزاری ذات - رائے کیکرن یکہزاری ذات
رائے اندور لعل چہارصدی ذات - رائے موہن لعل چہارصدی - راجہ گوپل چہارصدی
رائے لعل جی چہارصدی - رائے بشن سنگھ چہارصدی - راجہ کیول رام دیا بہادر
رائے پورن چند چہارصدی ذات - رائے مرار داس چہارصدی - راجہ جونت چہار ہزاری
و پانصدی ذات - رائے تارا چند چہارصدی - رائے نہال چند چہارصدی ا
رائے ستیل داس چہارصدی - رائے منولعل چہارصدی - رائے حکومت رائے چہارصدی
رائے اُجاگر لعل چہارصدی - رائے چنی لعل چہارصدی - رائے کالچند چہارصدی
رائے منولعل چہارصدی - رائے چنی لعل چہارصدی - رائے ٹھاکر داس چہارصدی
رائے نند لعل چہارصدی - رائے موتی لعل چہارصدی - رائے لچھمن سنگھ دوہزاری ذات

ہمراہیان شمس الامرا بہادر -

راجہ منولعل دوہزاری ذات - راجہ زین چند یکہزاری ذات - رائے چنی رام یکہزاری ذات
رائے جیون رام چہارصدی - رائے چنو لعل چہارصدی ذات - رائے گردھاری لعل چہارصدی
رائے گوری پرشاد چہارصدی - رائے دیال چند چہارصدی - رائے کیشو راؤ بہادر یکہزاری ذات
رائے ہررائے بہادر یکہزاری ذات - رائے جیون راؤ چہارصدی - رائے مرار راؤ چہارصدی ذات
رائے کلان چند چہارصدی - رائے ناتھو رام چہارصدی - رائے دہیان چند چہارصدی
رائے راجا رام چہارصدی - رائے جواہر لعل چہارصدی - رائے درگا پرشاد چہارصدی
رائے صاحب رام چہارصدی - رائے لچھمن پرشاد چہارصدی - راجہ خوشحال رائے یکہزاری ذات
رائے بالا پرشاد پانصدی ذات - رائے منا لعل چہارصدی ذات - رائے روشن چند چہارصدی ذات

رائے اودم پرشاد چہارصدی ذات - رائے مرار داس چہارصدی ذات - رائے راجا دو رام چہارصدی ذات
رائے کندن راؤ چہارصدی ذات - رائے انند راؤ چہارصدی ذات - رائے موونپڈت چہارصدی ذات
رائے بنولاس رائے چہارصدی - رائے لچھمن رائے چہارصدی ذات - رائے گلاب رائے چہارصدی ذات

ہمراہیان غلام سید خاں مرحوم -
رائے منولعل مشرف ڈیوڑھی سرفراز افزا بیگم چہارصدی ذات - رائے ہزاری لعل ولد -
منولعل ہفت صدی ذات - رائے امر سنگھ چہارصدی ذات - رائے گردھاری لعل
چہارصدی ذات - رائے بھوانی داس چہارصدی ذات - رائے راجا رام چہارصدی ذات
رائے نانیا پنڈت چہارصدی - رائے کھیمراج چہارصدی ذات - رائے پورن پرشاد
چہارصدی ذات - رائے سبکراج چہارصدی ذات - رائے نوند رائے چہارصدی
رائے اندرمن چہارصدی ذات - رائے فقیر چند چہارصدی ذات - رائے جیون رام
چہارصدی ذات - رائے دیارام چہارصدی ذات - رائے گوبند رام چہارصدی ذات
رائے دولہا رام چہارصدی ذات - رائے دربارائے چہارصدی ذات - رائے
رانو لعل چہارصدی ذات - رائے گیان چند چہارصدی ذات - رائے بھیمراج چہارصدی
رائے بہارامل چہارصدی ذات - رائے کشن لعل چہارصدی ذات - رائے بالکشن
چہارصدی ذات - رائے راجا رام وغیرہ - رائے پورن چند چہارصدی ذات

رام شیام داس ذات - رائے کشن راؤ ذات ـــــــــــــــــــــــــ ۲ اسم
مشارٌالیہ چہارصدی - رائے مہپت رائے ۴ صدی ـــ ۴ صدی ـــ ۴ صدی
رائے رامچندر - ۴ صدی

رائے مادہو راؤ وغیرہ - دو اسم ـــ رائے کشن راؤ وغیرہ ـــ رائے کھنڈے راؤ ذات
رائے ہرنارائن بہادر سنبمنت وغیرہ مشارٌالیہ ۴ صد ذات ـــ مشارالیہ بالفعل ذات - ۴ صدی
راجہ گوبند نرائن ـــ رائے جوگراج راؤ ـــ ۲ اسم
مشارٌالیہ سہ ہزاری ذات ـــ ۴ صدی ذات ـــ ۴ صدی ذات
الـــ ـــ رائے رانا راؤ ۴ صدی ذات

دفعہ

راجہ نرمل راؤ بہادر۔ راجہ راما راؤ بہادر۔ رائے ننگما چلم پانصدی ذات
سہ ہزاری ذات۔ دو ہزاری ذات

الف

رائے نرمل راؤ چارصدی ذات۔ رائے سونہا رام چارصدی ذات۔ رائے نرائن راؤ
چارصدی ذات۔ رائے پاپیا پنڈت ۴ صدی ذات۔ رائے شیش راؤ چارصدی ذات
رائے ونکٹ راؤ چارصدی ذات۔ رائے دیوا گیر چارصدی ذات۔ رائے نیلکٹ کنتا راؤ
چارصدی۔ رائے رنگم پنڈت چارصدی ذات۔ رائے ونکٹ جیت راسہ ہزاری ذات
رائے کوبی راؤ یکہزاری ذات۔ راجہ کور راؤ یکہزاری ذات۔ رائے گوپال راؤ پانصدی ذات
رائے ملہار راؤ چہارصدی ذات۔ رائے ستنکر راؤ چہارصدی ذات۔ رائے
بہلادر راؤ بدستور۔ رائے سیلو راؤ بدستور۔ رائے کاشی راؤ بدستور۔ رائے شیش راؤ
بدستور۔ رائے ہمت رام بدستور۔ رائے انند رام بدستور۔ رائے دیوا رام بدستور
رائے جسونت راؤ بدستور۔ رائے سیوا رام بدستور۔ رائے انبا رام بدستور۔
رائے راگھو رام چہارصدی ذات۔ رائے جگدیش رام بدستور۔ راجہ شیو پرشاد
یکہزاری ذات۔ راجہ پہیر بھان یکہزاری ذات۔ رائے چھوٹم لعل چہارصدی ذات
راجہ بالمکند یکہزاری ذات۔ رائے بالچند چہارصدی ذات۔ رائے انبا رام بدستور
رائے انچیا لعل چہارصدی ذات۔ رائے کھنڈے راؤ بدستور۔ رائے بلونت راؤ بدستور
رائے پانڈورنگ راؤ بدستور۔ رائے جانکی رام چہارصدی ذات۔ رائے سرنواس راؤ
بدستور ذات۔ رائے رگھوناتھ رام بدستور۔ رائے بھیکن راؤ بدستور۔ رائے
انبا داس چہارصدی ذات۔ راجہ میا رام یکہزاری ذات۔ رائے جتن لعل دو ہزاری ذات
رائے جین رائے چہارصدی ذات۔ راجہ روپ لعل یکہزار ذات۔ رائے گہنراج
چہارصدی ذات۔ رائے کیسر چند چہارصدی ذات۔ رائے نونت رام بدستور۔
رائے بہارامل چہارصدی ذات۔ رائے راجسروا د بدستور۔ رائے ستیل داس بدستور

رائے درگاہ داس بدستور ۔ رائے لچھمن پرشاد چہارصدی ذات ۔ رائے راجارام بدستور
رائے دولت رام بدستور ۔ رائے بھوگ چند بدستور ۔ رائے دیوا رام چہارصدی ذات
رائے ہومال چند بدستور ۔ رائے بلونت راؤ یکہزاری ۔ رائے نرسنگہ راؤ ۔

پانصدی ذات

رائے بھوانی داس ۔ رائے بھول رام ۔ راجہ سداشیو رائے ۔ رائے دیاناتھ ۔ رائے درگا پرشاد
چہارصدی ذات بدستور یکہزاری چہارصدی ۔ یکہزاری ذات
رائے موہن لعل ۔ راجہ رگھناتھ داس چچ دہری جبنی رائے درگاہ پرشاد ۔ رائے بسمبر سنگہ
چہارصدی ذات ۔ یکہزاری پانصدی ذات چہارصدے
سکہا رام رائے پورن چند ذات رائے حکم چند رائے شیام راؤ
یکہزاری ذات پانصدی بدستور پانصدی ذات
رائے بھگونت راؤ ۔ رائے راجارام ۔ رائے کیشو رائے ۔ رائے سیام راؤ
چہارصدی ذات پانصدی ذات چہارصدی ذات
رائے گلاب رائے ۔ رائے بالمکند ۔ رائے انند راؤ ودبس ۔ رائے دیبی داس
چہارصدی
رائے کبدی راؤ ۔ رائے رام پنڈت ۔ رائے ماتا پنڈت ۔ رائے سیوک رام
بدستور بدستور بدستور چہارصدی
رائے لعل چند ۔ رائے کلیان راؤ ۔ رائے رتن چند ۔ رائے روشن رام
بدستور بدستور چہارصدی ذات
رائے روشن چند ۔ رائے انند راؤ ۔ رائے نرسنگہ راؤ ۔ رائے مادہو داس
بدستور بدستور بدستور چہارصدی ذات
رائے منگہہ رام ۔ رائے ابھی رام ۔ رائے انبا رام ۔ راجہ بھوانی پرشاد یکہزار
بدستور بدستور بدستور پانصد ذات
رائے انند پرشاد پانصدی ذات ۔ رائے نول سنگہ چہارصدی ذات ۔

رائے دیال سنگھہ - رائے جیون رام - رائے سردار مل یکہزاری - رائے بال چند
بدستور ہفصدی ذات دو پانصدی ذات ہفت صدی ذات
رائے لعل چند - رائے امولک رام یکہزاری - رائے ترمک راؤ - رائے نرائن رام
چہارصدی ذات دو پانصدی ذات یکہزاری و پانصدی ذا یکہزار پانصدی
آنکا داس - برنبس رام - ونکٹ رام - کشن راؤ - راجی بالاجی سہ ہزاری ذات
دوصدی ذات یکصدی ذات یکصدی ذات یکصدی ذات الــــہ
رائے گوپال داس - رائے نہال سنگھہ - رائے بالے رام - رائے منا لعل
شش صدی ذات ہفتصدی ذات چہارصدی ذات - چہارصدی ذات
رائے خوب چند - رائے درگا پرشاد - گمانی لعل دوصدی - راجہ شیو راؤ
چہارصدی ذات دوہزاری ذات ذات چہارصدی ذات
رائے راجا رام - راجہ رام چندر راؤ رائے گوپال راؤ - راجہ رگھوناتھہ راؤ دوہزاری
دوہزاری ذات یکہزاری ذات چہارصدی ذات - ذات الــــہ
رائے شنکر راؤ رائے پتہل راؤ رائے ہنونت راؤ - رائے سیوارام داس
چہارصدی ذات یکہزاری ذات پانصدی ذات چہارصدی ذات
رائے نرمل راؤ رائے سیوارام پنڈت رائے ونکٹ راؤ رائے سوامی شنکر
پانصدی ذات پانصدی ذات چہارصدی ذات چہارصدی ذات
رائے ناگوراؤ چہارصدی - رائے پرس رام - رائے راجارام پنڈت چہارصدی
ذات چہارصدی ذات ذات
رائے باپوراؤ - رائے بالاجی پنڈت - رائے بنوجنک راؤ - رائے ونکاجی پنڈت
بدستور بدستور بدستور بدستور
رائے نرمل راؤ - بلونت راؤ دوصدی - سری نواس راؤ - راجہ امتیاز سنگھہ
بدستور ذات دوصدی ذات یکہزاری پانصدی
رائے فتح سنگھہ چہارصدی - رائے سنگھہ چہارصدی - سرفراز سنگھہ پانصدی ذات

راجہ لچھمی رام یکہزاری راجہ نرائن سنگھ ۔ راجہ روپ لعل یکہزاری ۔ رائے ابر لعل چہارصدی
بدستور بدستور ذات ذات
رائے لوک چند ۔ رائے ادہورا ۔ رائے موتی لعل ۔ رائے لعل چند
چہارصدی چہارصدی ذات ۔ چہارصدی ذات ۔ بدستور
رائے تہامٹ پرشاد ۔ راجہ جے کشن داس رائے بہارا مل ۔ رائے ونکٹ راؤ ۔
بدستور یکہزاری ذات چہارصدی نہصدی ذات
رائے برج لعل ۔ رائے سنکوجی ۔ رائے انند راؤ ۔ رائے جانکی رام
سہ صدی ذات سہ صدی سہ صدی ذات بدستور
رائے بیس رام ۔ رائے بھونت راؤ ۔ رائے نرسنگھ راؤ ۔ رائے کانجند
بدستور بدستور بدستور چہارصدی ذات
رائے گوکل چند ۔ رائے ملہار راؤ ۔ رائے ٹھاکر داس ۔ روشن چند ساہو
بدستور ہفتصدی ذات ہفتصدی ذات چہارصدی ذات
رائے تلجا رام ۔ رائے تلسی رام رائے اودی کرن ۔ رائے چمن لعل چہارصدے
ہفتصدی ذات ہفتصدی ذات ہفتصدی ذات ذات
رائے منو لعل ۔ رائے دولچند ۔ رائے دینی داس ۔ رائے درگا داس
چہارصدی ذات ششصدی ذات ۔ پانصدی ذات ۔ چہارصدی ذات
رائے سندر داس ۔ رائے جیلے رام ۔ رائے متھرا داس ۔ رائے دیا رام
چہارصدی ذات پانصدی پانصدی بدستور
رائے رگھناتھ چہارصدی ۔ رائے دولت رام ۔ رائے ہیرا لعل ۔ رائے ستارام
ذات پانصدی ذات چہارصدی ذات پانصدی ذات
رائے دیپ چند ۔ رائے لعل چند ۔ رائے بختیاری چند ۔ رائے کونل رائے ۔ رائے نرنجن لعل
چہارصدی ذات ۔ چہارصدی ذات پانصدی ذات چہارصدی ذات چہارصدی ذات
رائے کیشو لعل بدستور ۔ رائے بنی لعل یکہزاری ذات ۔ رائے روشن چند چہارصدی ذات

راے تلجا پرشاد - راے موتی لعل - راے نرسنگھہ راے - راے درگا داس
بدستور بدستور پانصدی ذات چہارصدی
راے نبی دھر - راے رام داس - راے رگھناتھ رام - راے رام پرشاد
بدستور بدستور چہارصدی ذات بدستور
راے ہیت رام - راے رام داس - راے ٹیکا رام - راے گیان رام
بدستور بدستور بدستور چہارصدی
راے گوبند رام - راے لچھمن رام - راے لچھمن پرشاد - راے منو لعل
بدستور بدستور بدستور چہارصدی ذات
راے طوطا رام - راے گھاسی رام - راے دیپ چند - راے رگھناتھ پنڈت
بدستور بدستور بدستور چہارصدی ذات
رام چندر پنڈت - رام چندر پنڈت - راے لچھمن پنڈت - راے راماجی پنڈت
چہارصدی ذات - بدستور بدستور بدستور
راے گنیش پنڈت - راے جگناتھ پنڈت - راے نرمک پنڈت - راے سیہ راج
چہارصدی ذات بدستور بدستور بدستور
راے برماجی پنڈت - راے جسونت راو - راے بیج مل - راے نہہ مل
بدستور بدستور بدستور چہارصدی ذات
راے بشن چندر - راے بالاجی پنڈت - راے بابوجی پنڈت - راے گلاب راے
بدستور بدستور بدستور چہارصدی ذات
راے دلا رام - راے انکٹ راو - راے راجا رام - راے مادھو رام
بدستور پانصدی ذات چہارصدی ذات چہارصدی ذات
راے ہرپرشاد - راے بالا پرشاد - راے سداشیو پنڈت - راے بھیم سین
بدستور پانصدی ذات چہارصدی ذات بدستور
راے تواری لعل بدستور - راے بسنت راے بدستور - راے کوماری لعل بدستور

رائے لوک ناتھ ۔ رائے سنوائی پرشاد ۔ رائے سمپت رائے ۔ رائے گلاب رائے

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے بلاقیداس ۔ رائے جیت رائے ۔ رائے برامون داس

بدستور بدستور بدستور

رائے شنبو رام ۔ رائے نرائن داس ۔ رائے پوتمبر رائے ۔ رائے مدن سنگھ

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے نرائن سنگھ ۔ رائے ہرجو سنگھ ۔ رائے دنایت سنگھ ۔ رائے چندے داس نجابت

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے ہیرا لعل ۔ رائے پتمبر داس ۔ رائے فتح چند ۔ رائے اوتم چند ۔ رائے بلونت رائے

بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے کنونت رائے ۔ رائے سمپت رائے ۔ رائے دہن راج ۔ رائے ونا سنگھ

بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے کھیم کرن ۔ رائے سوبھا رام ۔ رائے گردہاری لعل ۔ رائے بالا رام ۔

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے الیسر داس ۔ رائے درگا داس ۔ رائے چھیٹو لعل ۔ رائے جکمون ۔

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے سانول داس ۔ رائے جتھامل ۔ رائے الیسر داس ۔ رائے راجیسر راؤ

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے چھل راؤ ۔ رائے سوبدھ رام ۔ رائے رگھناتھ رام ۔ رائے تلوک چند

بدوستور بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے حمدانی لعل ۔ رائے نونہ راؤ ۔ رائے نند لعل ۔ رائے انند رام ۔ رائے جہلی رام

بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے ترنگ رام بدستور ۔ رائے رام ناتھ بدستور ۔ رائے اموسی رام ۔ بدستور

رائے لکھو معل بدستور - رائے انندراؤ - رائے رگورام - نموتی معل - رائے سوبھارام

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے ملت رام - رائے منو معل - رائے ٹھاکرداس - رائے کشن راؤ - رائے ونکٹ رام

بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے ہردی رام - رائے بابو رائے منشی - رائے راماجی پنڈت - رائے رنگ راؤ

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے جوڑا سنگھ - رائے گوری پرشاد - رائے بدھ سنگھ - رائے جگروپ رائے

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے ہمت سنگھ - رائے پتمبرداس - رائے ہرجیون داس - رائے بوجڑمل

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے خوشحال چند - رائے بینی چند - رائے پتمبرداس - رائے پرشادی معل

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے بلاسی رائے - رائے ڈالچند - رائے ونکٹ راؤ - رائے سنکری راؤ

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے ہمت راؤ - رائے کشن راؤ - رائے گوبند رام - رائے انکٹ رام

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے سانبا پنڈت - رائے واسدیو راؤ - رائے ناگو راؤ - رائے امرت رام

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے کنڈو سنگم - رائے کھوجراج - رائے اودے چند - رائے لچھمن پرشاد

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے بینی سنگھ - رائے اسانند - رائے نوبت رام - رائے امرت رام

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے بالچند بدستور - رائے پرتاب رام بدستور - رائے کیول کشن بدستور رائے وکمنی رام بدستور

رائے گوبند رام ۔ رائے ترل راؤ ۔ رائے راجا رام ۔ رائے رگھناتھ داس

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے رام چند ۔ رائے بھیکم ۔ رائے حکم چند ۔ رائے راوی ۔ رائے گوبند راؤ ۔

بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے ڈونگرمل بدستور ۔ رائے ناگو رام ۔ رائے ستیا رام ۔ رائے ٹیکا رام

بدستور بدستور بدستور

رائے رنچھوڑ رام ۔ رائے بلاقی رام ۔ رائے موج راج ۔ رائے گنپت راؤ ۔ رائے جھم سنگھ

بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے شیام راؤ ساہی ۔ رائے رام کشن ۔ رائے روپ رام ۔ رائے پورن چند

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے مادھو راؤ ۔ رائے ترل راؤ ۔ رائے کیشو راؤ ۔ رائے کندن راؤ ۔ رائے گووند رام راؤ

بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے راجا رام ۔ رائے منولعل ۔ رائے ونکٹ رائے ۔ رائے آپا رام ۔ رائے مانک لعل

بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے دھرم راؤ ۔ رائے مانا راؤ ۔ رائے رتن لعل ۔ رائے انند راؤ ۔ رائے سریا پنڈت

بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے نہال چند پنڈت ۔ رائے برماجی پنڈت ۔ رائے گوبند رام ۔ رائے ہیرا لعل

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے انوپ رائے ۔ رائے کنڈل راؤ مصر ۔ رائے سوبا راؤ ۔ لچھمن چندر

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے انکو پنڈت ۔ رائے بالکشن پنڈت ۔ رائے سری نواس راؤ ۔ رائے بلونت راؤ

بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے ٹھاکر داس بدستور ۔ رائے گلاب رائے بدستور ۔ رائے سرب سنگھ رام بدستور

رائے ہمت سنگھ بدستور - رائے سیورام - رائے انند راؤ - رائے انند رام - راؤ گنپت سنگھ
بدستور بدستور بدستور بدستور بدستور

رائے جوڑامن - رائے سری رنگ راؤ - راجہ راؤ رنبھا بہادر جیونت ہفت ہزاری ذات
بدستور بدستور بعلم و نقارہ و پالکی جھالردار

راجہ ارمن بہادر سہ ہزاری - راجہ انند راؤ بہادر دو ہزاری ذات - راجہ جانوجی پنجہزاری ذات
اعلم و نقارہ اعلم و نقارہ اعلم و نقارہ

جگپت راؤ پنجہزاری ذات - سموت راؤ یکہزاری - بھگونت رام - ٹھٹھل راؤ
اعلم و نقارہ ذات پانصدی ذات ہفتصدی ذات

شیو راؤ پانصدی - رائے نتھل راؤ - باجی راؤ پانصدی - سکھا رام ششصدی
ذات ذات چہارصدی ذات ذات

ٹھٹھل رام دو صدی - راجہ روپ سنگھ بہادر سہ ہزاری - کنور لچھمن سنگھ بہادر دو ہزاری ذات
ذات ذات اعلم و نقارہ - اعلم و نقارہ

نربجنت سنگھ دو ہزاری ذات - صورت سنگھ - رائے کہرکو پنڈت چہارصدی رائے امرت
اعلم و نقارہ چہارصدی ذات - ذات ذات

راجہ جی سنگھ بہادر یکہزاری ذات - موتی سنگھ یکہزاری - رام راؤ ننگلہ یکہزاری ذات
اعلم و نقارہ ذات

راجہ مان سنگھ راؤ ہاکہ سہ ہزاری ذات - راجہ ٹھٹھل داس - راجہ بلونت راؤ ششصدی
اعلم و نقارہ یکہزاری ذات ذات

زمینداران منصبدار -

سری پدم ناتھہ داس ونچے پال جنگل شنکر - رائے کیشو راؤ وکیل - رائے ہنت رام
ورجہ کرت منی منہ سلطان مہاراج راجہ - راجہ رام سبھو پال زمیندار
رام راج بہادر جنگ زمیندار میلوار - پنجہزاری ذات
پنجہزاری ذات بعلم و نقارہ - نوزت شد

راجہ کاوبرراج بہادر پنجہزاری ذات ۔ راجہ کسلی پوڑملا ۔ راجہ کلیچ نائک بہادر زمیندار
زمیندار سری رنگ پٹن یکہزاری یکہزار و پانصد دیورک پنجہزاری ذات
و پانصدی ذات ۔ ذات اعـــ ۔ علم

راجہ جگتی راج بہادر پنجہزاری ۔ راجہ کیشوراج بہادر ۔ راجہ آپاراؤ بہادر ۔ راجہ ہرچند سہ ہزاری
ذات سمـــ ۔ علم و نقارہ پالکی سہ ہزاری ذات سہ ہزاری ذات ذات
جھالردار ۔ اعـــ ۔ اعـــ ۔ علم و نقارہ الـــ ۔ علم و نقارہ

راجہ راگھوراج یکہزاری ۔ راجہ ہرمنی راج یکہزاری ۔ راجہ دنگی راج یکہزاری ۔ راجہ راچند راج
ذات ذات ذات یکہزاری ذات

راجہ اپاراؤ یکہزاری ۔ راجہ رام سنگھ یکہزاری ذات ۔ آنا سوامی یکہزاری ذات ۔ بسوا پش راؤ یکہزاری
ذات ذات

ہیر الملک شہسوار الدولہ راجہ بدمانک بلونت بجرنی بہادر ۔ راجہ رام سنگھ یکہزاری گوپال راؤ بہادر ۔ راجہ بیرن
رعب جنگ پنجہزاری ذات زمیندار منوساپور ذات ایکہزاری ذات ۔ رائے شیرزن
الـــ ۔ علم و نقارہ

راجہ انکیا نائک بہادر دو ہزاری ذات ۔ رائے سوبھا راؤ چہارصدی ۔ رائے سری نواس
الـــ ۔ علم و نقارہ ذات چہارصدی ذات

رائے کیسو راؤ ۔ رائے بھیم راؤ ۔ رائے ونکٹ راؤ ۔ راجہ داس مڈی ونکیا و
چہارصدی ذات چہارصدی ذات ۔ چہارصدی ذات ۔ سری ناہر بہادر منہ سلطان
مرتضی گر دالہ چہارصدی ذات
اعـــ ۔ علم و نقارہ

گوبند راؤ زمیندار اکھلوہ ۔ راجہ ونکٹ نرسو راؤ سوامے بہادر ۔ راجہ انکیا نائک کیل
سہ ہزاری ذات ۔ مانچہ والا سہ ہزاری ذات ۔ چہارصدی ذات
اعـــ ۔ علم و نقارہ فوت شد

راجہ کلناتھ راؤ بہادر سہ ہزاری ذات اعـــ ۔ علم و نقارہ ۔ وکالت رام پانصدی ذات

راے جگیا پانصدی - راجہ سنکا ریڈی دوہزاری ذات - راجہ اونانت راو سہ ہزاری ذات
ذات ا ع - علم ونقارہ ا ل -

راجہ آنا ریڈی دوہزاری - راجہ ونکل ریڈی دیسمکھ پرگنہ کلاپور - راجہ کمر راو بہادر زمیندار
ا ل - علم ونقارہ دوہزاری ذات ا ل - علم ونقارہ - ییلگندل دوہزاری ذات

نرمل زمیندار ارکلو دوہزاری ذات یکہزار علم ونقارہ - ا ل - علم ونقارہ

راجہ سوامی رام کشنا راو زمیندار - راجہ سن گجراج بہادر سہ سلطان - راجہ جگپت راو بہادر زمیندار سرکار
وتیری ا ل - علم ونقارہ - زمیندار سینکاکول دوہزاری ذات - ایلگندل - یکہزاری ذات
ا ل - علم ونقارہ

راے ویرانند راو - راجہ راجیسر راو بہادر سر دیسپانڈیہ - گوبند راو - ونکٹ راو زمیندار
چہارصدی ذات - ایلگندل - یکہزاری ذات - پانصدی ذات یکہزاری ذات

راے بابو راو - راجہ راجیسر راو بہادر - راے کملاگیر راو - راجہ شنکر راو بہادر زمیندار
چہارصدی ذات - سر دیسپانڈیہ - چہارصدی منی کودیگل یکہزاری ذات

راے سیتا رام دیسپانڈیہ پرگنہ الور - راے کونڈرام دیسپانڈیہ پرگنہ ارکلنڈہ - راے رام کشن
پانصدی پانصدی چہارصدی

راے نرمل راو - راے ونکٹ رام - راے نرائن راو - راے مدہت پنڈت پرگنہ
چہارصدی چہارصدی چہارصدی الور والہ چہارصدی ذات

راے ہنمر و پنڈت - راے بنت راے دیسمکھ پرگنہ ملکونہ - راو پدا ریڈی زمیندار
چہارصدی - چہارصدی ذات پرگنہ ساتوبی چہارصدی

راے پانڈو رنگ دیسپانڈیہ تعلقہ گلبرگہ - راے کشن راو
چہارصدی ذات چہارصدی ذات

وغیرہ از ہنود -

راجہ جگدیو پسر راجہ کلیان راو چہارصدی ذات - راے نیلکنٹھ راو - راے بسمر داس پسر بھوجراج پنڈت
ا ع - علم ونقارہ پالکی جھالردار - شش صدی ذات چہارصدی

خان وغیره صوبداران که بعد موسی رحمون در وقت مهپت رام گرار نواز خان -
برلین موسی رحمون سرفرازی یافته اند هر یک صوبه دار علیحده علیحده است مالہ ہے ر
وجمعیت مذکور بر پهره بندی مرشدزاد ها و فیتیکه گوتکنڈه و بعضے یکضرب رہڑو
پہره ها در حضور و بعضے بر تعلقات متفرق اند منزل ٹپاره -
الـ اسماہ عہ ر

ے ضرب رہڑو سے منزل ٹپاره
جوانان سنگهه - جوانان برقنداز خان آورده محمد جعفر خان - جعفر یار جنگ بہادر
اعہ ، ہو ر مالہ ع نفر
یکضرب رہڑو ننہ
دو پا جنگ - اسد نواز جنگ - شیخ غلام محمد کمیدان - اچها رام صوبه دار - بارگیران صف حنده
مالہ نفر مالہ نفر سما نفر ما نفر آورده برقنداز علیخان
ماہ نفر
یکضرب رہڑو ننہ
میر احمد میر امام معه برقنداران - دلا رام وغیره برقنداران - محمد یعقوب
ماھ نفر ما نفر ماع نفر
سید حسن وغیره جبوتسان د برقنداران - محمد اشرف الدین - مهتاب خان برقنداران
ہ نفر ہ نفر ہ ع نفر
نور بیگ برقنداران - آورده راما ریڈی مادکوه برقنداران - بولا ریڈی برقنداران
ماہ نفر ماھ ر مالہ نفر
مسٹر موکیل - پالمر صاحب - لچھما راو - جوانان بار آورده سید عبد الرحمان
صما للو نفر ماع نفر ماع ر
یکضرب رہڑو زنجیر فیل ع ہ
ذکیا نانک نائک پیادہا - غلام محی الدین و عباس علی وغیره برقنداران - محمود بیگ محمدی کالیخان وغیره
لہ ص ر مالہ نفر ہ نفر -

عرب الملکه نفر — روهیله صملا عه نفر

در بلده و قلعجات و تعلقات	نزد راجه گوبند بخش	در بلده و تعلقات	نزد گوبند بخش
الـ الملک نفر	ماصه	الـ لما نفر	لما نفر
نزد منیر الملک بهادر تخمیناً	نزد سبحان بهادر	نزد محمد علیخان لوهانی	روهیله و سندهی نزد خود یار جنگ بهادر
ما نفر	ما نفر	اعـ لا ه نفر	ما نفر

سکه	روهیله و سندهی نزد امین الملک بهادر	روهیله و جوانان هندوستانی نزد صلابت خان بهادر
اعـ صما نفر	ـــ نفر	

در بلده تعلقات	نزد راجه گوبند بخش	نزد محمد علیخان لوهانی	
ما لا نفر	ماصه نفر	ماصه نفر	الـ نفر

فصل یازدهم - متضمن بعضی مراتب ضروری تسطیر -

خزانه سرکار دولت مدار در قلعه گولکنده و بلده سوای جواهر و خزانه وغیره اجناس نقره وطلا واقمشه وغیره وقت انتقال غفرانمآب بست ویک لک روپیه بود و از وقت جلوس بندگانعالی حال زیاده از یک کروڑ فراهم شده جمله سابق وحال قریب یک کروڑ و پنجاه لکه روپیه در شمار است - فقط -

ملازم امتیازی که زیاده از دو هزار خواهند بود فی نفر ماهوار از هفتاد روپیه تا پانصد روپیه مقرر است وشرح سواران از چهل روپیه ماهوار مقرر است و شرح سواران از چهل روپیه ماهوار تا پنجاه روپیه اکثر ملازم سراسری همه سواران معه عهده داران آنها در حساب هفتاد و دو روپیه فی نفر ماهواری افتد وجمعیت بار فی نفر ملازم از شش روپیه تا سیزده روپیه اکثر اند که سراسری آنها معه عهده داران از شانزده روپیه تا نوزده روپیه

فی نفر محسوب است جوانان بار از شش روپیہ تا یازدہ روپیہ ملازم اند و جوانان سکھ و عرب از دہ روپیہ می یابند ۔
کشتکار و زراعت سالم اضلاع حیدرآباد اکثر شالی زار در زمین پائین تالاب سہ فصل میشود و الّا شالی زار از دو فصل کم نمیشود و فی بگیہ از بست روپیہ تا بہ شصت روپیہ مقرر است

فصل دوازدہم ۔ در خصائل و ادیہ اہل بلدہ فرخندہ بنیاد حیدرآباد

حضرت بندگانعالی حال سکندرجاہ بہادر دام دولتہ بہ خوش نیتی و نیک طینتی و ثبات قول و مناط عقل مستثنی از رسا روزگار و بکلیات فہمی بو علی وقت لیکن بجز بابت رسی ہمت سقط ازین باعث انتظام شیرازہ شہر و ملک و سپاہ و خزانہ منتشر الاوراق اما در ترحم و تفقد وحید آفاق بحدیکہ ضبطی بعد وفات امرا و رعایا بے وارث سررشتہ قدیم این سرکار عالے است الی الان بعد ظہور این معنی نہ گرفتن مال و متاع احدی زبان نہ جنبانیدہ بلکہ اکثر بر زبان رسیدہ کہ مال و حق کسی اصلا داخل خزانہ خود نخواہم کرد کہ خدا تیعالی بعد من اسباب خانہ ام محفوظ خواہد داشت ۔ مگر مختار این سرکار بے اطلاع حضور برائے جلب منفعت خود این رسم جاری داشتہ و سابق اکثر گرانی غلہ کہ درین شہر رو داده تا دو روز خاصہ تناول نکردہ اند کہ بر مساکین و مسافرین چہ اذیت و فاقہ کشی گزشتہ باشد کہ من نان بخورم و مزاج حکیمانہ دارند کہ مطلقاً تکلیف و تصنع راہ غلی نیست خلاف روپیہ والد خود کہ عفرانمآب بدون جواہر و لباس رنگین و غیرہ گاہی بر آمد نمیشدند از روز جلوس مسند ریاست یکدو مرتبہ در تقاریب بہ تکلیف بخشی بیگم صاحبہ و بی بی صاحبہ در سابق اتفاق شدہ بود و تحقیق علم عربی قریب بہ فضیلت است اکثر مطالعہ کتاب عربی و تواریخ ماسلف وجہ ہمت است کہ سابق یکدو سال بہ سبب قرب و مصاحبت کوکہ ہا اتفاق شرب شدہ بود و ازان باز کہ توبہ بعمل آمد باز این فعل بوقوع نیامدہ و بر مذہب اہل سنن کہ سلوک آبا و اجداد حضرت بر این مسلک است خود ہم مسلوک ۔ اکبر جاہ بہادر اکبر جاہ بہادر بظاہر زمانہ ساز و خوش مزاج حقیقتاً سبک سیر کم حوصلہ خبث طینت و قبیح سیرت مشہور و امساک و اختصار در مزاج بیشتر در حرص و طمع گرفتار و دایم المرض و مردم آزار اند جہاندار جاہ بہادر سادہ مزاج و کم حوصلہ جلبت مشایخ مشہور و از رقص و سماع روز و شب مذکور

دارند۔ سلیمان جاه بهادر بظاهر سخن شنو بیشتر و ذی اخلاق و با مروت و ساده مزاج و تیرانداز
و سوار بی‌نظیر بلکه در علم سپاه‌گری ممتاز و علوی همت بدرجه و خوش‌نویس و بعضی وقت
مطالعه کتاب و دریافت حساب هم می‌نمایند گاه گاه سرود قوالان استماع میگردد و شوق از
سلاح و اسپ نهایت اما تلون مزاج و کسی را که در خانه یعنی محل یا بیرون در مردانه مختار
می‌سازند آن هرچه بخواهد بسازد و عنان اختیار خود بدست آن میدارند و بسبب صحبت غیر
بد مذهب گردیده اند و مرثیه خود میسرایند و قدر زر ندانسته بیجا صرف می‌کنند با صفت حیا نیز
کیوان جاه بهادر تا حال مثل اطفال صغیر سن در زنانه دایه و دوا ممتحن عقل عامیانه دارند
ناصر الدوله بهادر ظاهراً فهمیده و سنجیده متواضع و خلیق و کم آزار و سرکشی و تعاون در مزاج
ایشان نیست بعضی وقت مطالعه تواریخ و شغل ورزش و بیشتر نشست در محل دارند۔
صمصام الدوله بهادر و مبارز الدوله بمصداق بیت: ز دست جور تو یک عالمی بفریاد است
هزار داد ز دست تو این چه بیداد است: حرکات سوء طینت و خبث طبیعت متنازع الیهما چندان
احتیاج تشریح ندارد بنوعی در همه گر فرق توان کرد الا چالاکی و دنیا کی به نسبت صمصام الدوله
در مزاج مبارز الدوله تفوق دارد۔ امتیاز الدوله بهادر خویش بندگان عالی حال بمقوله الولد سر لابیه
در تامل اندیشی و حرکات فتور هیچ وجه یکی ندانسته اند۔ معلی جاه بهادر پسر
عماد الملک بهادر مرحوم محض ساده مزاج: عقل عامیانه از فهمید عمده مطلقاً مناسبت ندارند
و از تبختر بیجا خالی نیند و فی الجمله مهارت در نوشت و خواند دارند۔
قطب الملک بهادر برادر حقیقی معلی جاه بهادر محض ساده مزاج سبک اوضاع دارند در
مزاج بهادر معز منوه عیاشی بمرتبه که در سماع و سرود از نسبت دیگر برادران خود خیلے
تفوق دارند۔ و از نخوت و غرور بیجا خالی هستند۔ نواب نصیر الملک بهادر بظاهر دنیادار
و زمانه ساز متواضع و خلیق مگر حقیقتاً ناتوان بین و کم حوصله و از عقل رساکه مصلح کلیات
و فهمید جزئیات باشد هم از ثبات و قیام مزاج عاری بحدیکه در جواب و سوال عمده قول و
قرار زبانی بهادر معز بے تکلف قمقن دست آویز محل اعتماد نخواهد بود و چنین بحدیکه اگر در سواری
موته را در راه ببیند سواری همان قدم باز گردد و از بیرون غسل و تبدیل پوشاک

نموده اندرون خانه خود بیایند اگر احدے از عزیزان و طفلان خود بحسب تقدیر وفات یابد
به تجدید در و دیوار و دروازه برآورده باز روئے موته نه بینند و نزدیک او نروند۔
امین الملک بهادر سبک سیر و سفله مزاج و به خبث طینت و قبح سیرت وحید عصر و در عمل آوری
افترا و اتهام یگانهٔ دهر و خسیس الطبع و دنی المزاج رکیک مثل بهواج در مردم آزاری و خونریزی
نظیرے ندارد مثل مهاجنان در زراندوزی و مال مردم خوری ید طولی دارد۔

شمس الامرا بهادر اگرچه در سرکار دولت مدار قدیم مورد عنایت و احترام و بقوت ظاهری
در جمله امرایان منتخب بوده اند و بظاهر اهلیت و آدمیت دارند الا محض ساده لوح مزاج تامل
اندیش ناحق شناس و نادمندگی و تلف حقوق مردم خاصه مزاج ایشان است۔ بیشتر
مزاج مائل نقاشی و نقاوی و روشب هنر است۔ شاه یار الملک بظاهر شایسته مزاج و ذی تشخیص
مگر در باطن از فهمید نیک و عمده بهره و از دوربینی و مآل اندیشی مبرا چونکه از ابتدا
بسبب قرابت ارسطو جاه بهادر مرحوم توسل خاص بجناب صاحب رزیدنٹ بهادر
داشته اند خود را مستحق اعانت سرکار خلعت مدار میدانند۔ منتصور الدوله بهادر برادر
شهریار الملک بهادر هرچند در علم سپه گری مستثنی و از تدبیر متقصد یانه تکرر و لوازم
اهلیت چندان بظاهر از شهریار الملک کمی ندارد۔ علی یاور الدوله بهادر و نادر الدوله بهادر
و کامیاب الدوله۔ پسران نور الامرا بهادر مرحوم همه ساده مزاج به عقل عامیانه از فهمید عمده و ثبات
و متانت و استقامت عاری اند مگر علی یاور الدوله را بنسبت دیگران آدم توان شمرد مخفی مباد که
بمقوی ارسطو جاه بهادر اکثر لوازمه امداد و اعانت از سرکار صاحب رزیدنٹ بهادر در امورات
متعلقه مرحوم مذکور بعمل آمده بود۔ پسران اعتصام الملک منشی رشید الدوله و عباس علیخان که
یکی به کار منشی و دومی بعلاقه عوض بیگی مامور است سبک مزاج و حوصله چندان رشید ندارند
نظر بر قدامت والد خود را مستحق خدمت عمده میدانند۔ ضیاء الدوله بهادر مع فرزند خود ثقاهت
مزاج و درست کردار و بعلاقه وار آن جناب صاحب رزیدنٹ بهادر پیشتر گونه
رابطه هم میداشتند۔ رفعت الملک بهادر راه و رسم تعلقداری بر دیه اهل هند و لوازم
مزاجداری کارگزاران سرکار دکن نیکو دانند بهرحال ردیه بهادر مع سابق نه قابل تعریف بود

ونه چندان لایق مذمت بود لیکن آخر به خبث نیت خود بدنام شده از نظر با افتادند بالفعل
خانه نشین اند میرزا محمد علی پسر مستقیم الدوله مرحوم - مرحوم مذکور در مقدمه سوداگری مستثنی زمانه
و منتخب روزگار مگر از فهم کلیات و فهمید عمده مقدمات و لوازم دوربینی و مال اندیشی عاری و مبرا
چنانچه از خفت عقل بانی بنای فساد ما بین میر عالم مغفور و جناب رزیڈنس حیدرآباد گردید بالاخر
بعلت موشگافی و دانی از بلده حیدرآباد اخراج گردیده بمقام جاگیر خود سکونت ساخت و همه
دران حینکه میر عالم مغفور معزول از کار وساطت شده در گوشه انزوا منزوی بودند تنها
خشونت امیر درباره میر عالم بر زبان آورد و از داد و ستد نقد و جنس میر عالم که در
تحویل بهادر مغز محول بود استادگی میساخت چنانچه انیمعنی ناگوار خاطر میر عالم شده در وقتیکه
مدار المهام شد و آمدن بهادر در حیدرآباد گردید خندان با هم راه و رسم بنود بعد انتقال
مغفور بسبب حرکات ناشایسته باز اخراج گردید چار و ناچار در جاگیر خود گزرا وقات
میساخت و باقتضاے ناقهمی اکثر درباره آمدن خود به حیدرآباد توسل از سرکار جناب صاحب
رزیڈنس بهادر میجست چنانچه بهمین آرزو بهفتدهم رجب سنه ۱۲۳۴ھ در جاگیر خود رحلت کرد منفرزند نیش
میرزا محمد علی هرچند بدادن نذرانه قابض بر جاگیر والد خود شد لیکن سفله مزاج شراب خوار خارج
از آدمیت است - پسران بهرام الملک مرحوم هر چهار پسران مرحوم که بالفعل بقید حیات
بمصداق مصرعه این خانه تمام آفتاب است - در جهل و جهالت معه والد خود مستثنا ر زمانه
و یگانه روزگار و از لوازم اهلیت و آدمیت مطلقا دور از کار که محافل و مجالس گفتگو نمودن
بلکه یکدو مشت باهم آویختن از جمله صفات مشار الیهم است - حسام الملک نظام یار الدوله نظام
یار جنگ هرچند از فهم کلیات و فهمید عمده مقدمات معرا مگر بشیرین زبانی و نرم بیانی و
خنده جبینی و شگفته پیشانی منظور خاص و عام و باقتضاے سلامت روی و فروتنی در وقت
عزل میر عالم مغفور از نظر کارگزاران سرکار بندگانعالی نیفتاده از حالت خود منزل نشدند
و بعلاقه داران جناب رزیڈنس بهادر بسبب میر عالم مغفور رابطه معنوی از قدیم میدارند -
کوتوال بلده حیدرآباد شیخ مهتاب جنگ مرحوم هرچند بظاهر از نقاهت عاری و سبکی
و سبک سری بر وضعش طاری بود مگر دنیادار روزمانه ساز در عنایت محلات پناهی و -

و پیش بر خاص و عام راهی داشت و قیام مشارٌالیه محض بساخت و باخت راجه خوشحال چند الحال حسن علیخان این
پسر کلانش که بر عهده کوتوالی صرف باعانت راجه چند ولعل بهادر ماموراست محض ساده لوح ناتجربه کار
و از فن و فریب کوتوالی و هرپایی برکنار است - قاضی بلده شریعت الله خان مرحوم در علم و فضل
منتخب علمای حیدرآباد مگر ساده لوحی از علم کلیات و فهمید جزئیات معرا بودند با وجود اینهمه طمع
اینکه خود را دخیل امور ریاست سازند در وقت گذشته باستظهار دوستی مولوی عزیز عمل کردند
لیکن بمصداق هرکارے و هرمردے از لوازمه این کار چنانچه باید عهده برانشد و ازین سو
رانده و از ان سو مانده از نظرها افتادند ذوالفقار خان پسر کلان قاضی مرحوم که از سه سال
بعد انتقال والد خود بامر قضا ماموراست فی الجمله به نسبت دیگر برادران خود علمیت ار دیکن محض
ساده لوح و مثل طلبه بهوا و هوس امتزاج دارد - سکندر یار جنگ ممسک مزاج با تلاف حقوق
مردم مستثنای زمانه بعقل عالمانه و در بدباطنی و بدنفسی یگانه زمانه - اکبر یار جنگ در شخصیت و لیاقت
ظاهری ممتاز مگر ممسک مزاج اند الّا در اجرائے کار غرباحتی الامکان حاضر و در ادای حقوق
مردم قاصر نیستند - سید امجد علیخان بظاهر فهمیده و سنجیده و دنیادار زمانه ساز جو فروش گندم نما
و در فضولی و مبالغه مستثنا و هر دو در سلیقه جزئیات چنانچه باید و شاید طولی دارند مگر در فهم
کلیات و رسائی عمده مقدمات دخل ندارند و در علم و نوشت و خواند معرا محض اند و بگرم جوشیهای
محبت و اخلاص انباشته و از تبختر بیجا خالی نیستند و مخفی رشوت میگیرند و زر خطیر جمع ساخته و
خود را مستحق عمده خدمات میدانند و از امیران شاه جهان آباد خود را قرار داده شادی فرزندان
خود به قریب در خاندان عماد الملک مرحوم کرده اند لیکن در ینجا کسی از آنها ایشان واقف نیست
همانقدر که صدر گذشت - منشی باقر الحسینی که مهتری رسل صاحب بهادر تلمیذ علم فارسی از منشی مذکور
بنمودند و بامداد بهادر موصوف از سرکار راجه چندولعل بهادر جاگیر وغیره بقدر ده هزار روپیه
قرار یافته بود چنانچه تا حال بحال است از تکبر سفله مزاج حرص و طمع بشدت در مزاج غالب دارند
منشی مذکور در سنه ۱۲۳۷ هجری درگذشت پسر منشی مرحوم که صبیه شفائی خان حکیم منسوب است از ین
باعث جاگیر وغیره بحال است باقر علیخان پسر فتح علیخان جیله الماس علیخان مرحوم که سابق چند
بوکالت نور الامرا مرحوم بود در ویه مشارٌالیه مطعون خلائق و محل اجتناب است یعنی در گرفتن

قرض بے محابا وصرف ہمت در اخراجات ارباب نشاط ومقدور در خمر وشرب وہرزہ گردی ہما
یگانہ دہر۔ مولوی محمد حسین ومولوی غلام حسین مولویہائے مسطورین در ابتداء ملازم میر عالم مغفور
وبعد آن بوساطت رفاقت نیر الملک بہادر در سرکار جناب صاحب رزیڈنٹ صاحب آمدو شد
میداشتند مولوی اسود ظاہراً زمانہ ساز وسادہ مزاج ومولوی ابیض بد وفنون ممتاز چنانچہ
درسالگزشتہ در عشق کدام فاحشہ از اقربایان قاضی بلد مناقشہ شد مولوی ابیض قابو یافتہ
گوش حریف خود تراشیدہ ومفرور شدہ در موضع جاگیر خود سکونت کردند حریف مع دہ بست
جوانان در انجا رسیدہ بینی مولوی ابیض بریدالحال از زردی نادیدنی خود در ہمان موضع جاگیر
سکونت دارند۔ شرف الدین خان متحمل مزاج وممسک ودر گرفتن رشوت ید طولی دارد۔
دلاور خان عرض بیگی راجہ چندو لعل بہادر غریب کش مردم آزار در تلف حقوق نوکری پیشہ علاقہ
خود مستثنا وہر وممسک مزاج نور اللہ خان برادر زادہ عرض بیگی مذبور شبکیر ہرزہ گرد وبا
وبدطینت مطلق کوہ را کاہ وکاہ را کوہ نمودن شیوہ خان مسطور است ودر سلیقہ نوشت وخواند
چندان مہارت ندارد مگر خود را مستحق کار عمدہ میداند۔ حکیم شفائی خان اول بسفارش ولیم پامر
صاحب در سرکار راجہ چندو لعل بہادر ملازم شد الحال بتوسل حکمت بقریب مصاحبت راجہ
معز فایز شد ودر معاملات نیز دخل دارد وراجہ معز مستحق حکیم مذکور را محل اعتماد میداند چونکہ
مرد مسن وجہاندیدہ است ودر معاملہ نیز مجرب است۔ باقر علیخان وغیرہ پسران محسن خان
مرحوم خان مسطور فاضل زبردست ودر طبابت از اطبار بلدہ ممتاز خود را سنجیدہ وفہمیدہ
گذر اوقات دارد اقربای حکیم ذکاء اللہ خان شاہجہان آبادی است شیخ حسین از عرصہ
سہ چہار سال بوساطت خوش آمدگوی در مزاج راجہ چندو لعل بہادر دخل دارد وہرزہ گرد
شراب خوار ودر خوش آمدگوی انتہا ندارد ودر موتسک دوانی از امراء شہر دور قاصان درموتی
پیش ہر یک رفتن مرجع دسخن غمازی دابلہ فریبی گفتن شیدہ شیخ مسطور است۔ سرور جنگ از اقربای
قریبان جناب مولوی فخر الدین صاحب قدس سرہ واز قدیمان سرکار آصفیہ بخوش طینتی ونیک نیتی
گذر اوقات میسازند۔ جعفر یار جنگ کوکہ بندگانعالی حال بہرچہ گوئی منصف اندیعنی شراب خوار
مردم آزار بدطینت بد مزاج در تلف کردن حق غربا ید طولی دارد۔ محکم جنگ وتہور جنگ پسران

داور الملک مرحوم هر دو سبکسر وسفله مزاج مصرف و عیاش خارج از بحث اند و باقتضای
سفاهت از تکیر بیجا خالی نیستند منور جنگ خلف ظفر الدوله مرحوم مرد ساده لوح بفعل
عامیانه نه قابل بزم نه آدم رزم از نام بزرگان خود نان در سرکار آصفیه می یابند وگذران فات
دارند توت جنگ فی الجمله راه و رسم و بار داری موافق رویهٔ این سرکار دارند چندان قابل
تعریف نه نهایت لایق مذمت - راجه چندو لعل بهادر در پاس داری لوازم مودت و اتحاد
منتخب دیگانه و بگرم جوشیهای محبت و ارتباط مستثنا از زمانه پیوسته مراتب محبت و اعتقاد
متوسلانه از سرکار عظمت مدار مرعی و مسلوک داشته اند و همیشه از سرکار صاحب رزیڈنس
بهادر امداد و اعانت در امورات راجه صاحب مذکور بعمل آمده است با چندین نحافت جسمانی
بخوبی اجرای امورات سرکار میسازند در ظاهر داد و دهش و سخاوت بسیار لیکن در حقیقت از جان
مردم آزار که احدی از متمولان بی حمایت راه نگذاشته اند و بر هر یک چشم توقع داشته
هر چند هر روز بازار سخاوت گرم میدارند لیکن مثال آن طبیب حاذق این مقال که
طبیبی هرگاه بگورستان رفتی چادر بر روی خود کردی مردمان پرسیدند که سبب این چیست
گفت که از مردگان این گورستان شرم میکنم زیرا که از دوای من مرده اند جناب
مهاراج اندیشهٔ عاقبت میدارند و از خدا هم شرم ندارند ظالم سخت - راجه گوبند بخش بهادر
بفراخ حوصلگی در سامانی مقدمات عمده چندان از مهاراج راجه چندو لعل بهادر کمی ندارند الا
در داد و دهش کو بموقع خرج دارند دور اخذ و انتزاع مال مردم یکتای زمانه که قریب یک کروڑ روپیه
جمع کرده اند - راجه راو رنبها بهادر در سرکار آصفیه از قدیم مورد عنایت و اکرام و حرمت و
احترام مانده هر چند بظاهر اہلیت و آدمیت دارند مگر محض ساده لوح و حرف سپاهی مزاج
در عهد میر عالم مغفور بقصور نادانی از بلده اخراج گردید بمقام جاگیر خود سکونت میداشتند -
راجه بیتوراج پرشاد دنیادار و زمانه ساز سنجیده و فهمیده از قدیم در سرکار جناب صاحب
رزیڈنس بهادر یک گونه راه و رسم متوسلانه داشته است - راجه جنگ جیون داس وکیل
بعقل سلیم و رویه مستقیم واقف آئین وکالت اہل هندوا هر طرز مردان اہل دکن و شخصیت
و اہلیت پیوسته آمد و رفت کو در سرکار جناب صاحب رزیڈنس بهادر داشته اند و همیشه از سرکار

ممدوح امداد و اعانت دوستانه در مقدمات وکالت رای مؤرمبل آمده است - لگهو رام
متصدی به خیال گرم بازاری خویش در سرکار جناب صاحب ریذیڈنٹ بهادر آمد و رفت دارد
مگر مشارٌالیه شخص هرجائی واز ذو غسنونی خالی نیست - راجه بالکشن برادر بنی عم
راجه چندو لعل بهادر در امورات عمده رسائی ندارد و مزاج مائل بعیاشی و سفله مزاج اند
مال عزبا بسیار دارد - رائے سکهه لعل حضور پوره راجه گوبند بخش بهادر نهایت مصرف و
عیاش چندان حوصله ندارد - راجه دیپ چند خویش مهاراجه چندو لعل بهادر نهایت مصرف
و بد معاش و در گرفتن قرض ید طولی دارد - راجه خوش حال چند متصدی
خوب در نیوقت بی نظیر اما در گرفتن رشوت و امساک یکتا و خانه بر انداز راجه خوب چند
پسر راجه کیول کشن متوفی در علم سیاق و بندگان مرد ساده از کیفیت دفتر با مطلع هنوز
نوآموز چندان مشق و استعداد ندارد راجه دیپک رائے در خبرداری دفتر و اقفیت سوال
و جواب همشیره زاده خوشحال چند است راجه نیم ونت متصدی جز رس اما جوهر امانت
و دیانت و پاس رفاقت دارد راجه بال مکند و راجه بهوانی برشاد و از نوشت و خواند خانگی
سلیقه دارند اما صفاک دراشی راجا دیا بهادر مصرف و مزاج بلهو و لعب هیچ رسائی ندارد
راجه سکهو رددر عامل پیشه بغتور دخل بازی و عیاشی و شراب خوار و مصرف صرف پاس
قدامت نان می یا بند رائی راجیسر راؤ در فن متصدی گری لیاقت درست دارد و محل اعتماد
مهاراجه راجه چندو لعل بهادر است رائے بال چند برادر راجه چندو لعل بهادر عامل پیشه و در
سوال و جواب زمیداران در رشوت گرفتن دستگاه دارند که سخت مزاج دارد راجه
رگهنا تهه داس چودهری محل خانه و جنسی سرکار عالی واقف کارخانه جات متغلب و
متصرف مادهو چودهری پسر نتهو چودهری کوتوال بیگم بازار در مزاج رشوت دو سخنا گیری
بسیار دارد رائے کهم کرن متبنه راجه سورج ونت متوفی در فن سیاق مهارت دارد و
وقفیت دفتر رائے انند رائے راجه انند راؤ سیاقتی نوآموز حوصله اش ظاهر نشده
رائے پالچند برادر راجه بالکند سررشته دار دفتر ابنی در سیاق دستگاه دارد
راجه گوبند نرائن پسر راجه نیمونت نوآموز چندان حوصله ظاهر ندارد رائے بسمر داس رائے

مذکور پسر بهوج راج پنڈت متوفی بعلاقه متصدی گری در وقت نظامت خجسته بنیاد نزد عظیم الدوله
بود آدم خوب و معامله دان رائے نارائن راؤ جاگیردار ہمیل کہت پیشکار دیوانی بادشاہی مرد رسا
و کاردان و با دیانت و مجبط و فا ترسمد ہی راجه شیام راج متوفی و تہل داس مینی پسر جہنا راؤ برادر
بیناب و دنت مرد و غریب و خاندانی مورا عتبار بسیار دارد راجه جگدیو پسر راجه کلیان راؤ خویش
آنندی بائی ہمشیره مہاجی سنیدھیه درینجا حاضر است سردارزاده است کنور و لبھ سنگھه
پسر راجه جوده سنگھه قلعه دار صوبه محمد آباد بیدر مرد سپاهی قدری معاش دارد آئی جی کشن داس
در رساله غلام سید خان مرحوم سررشته نویسنده گری و در فن سیاق دستگاه دارد
گنپت راؤ پسر مادهو راؤ به او در راجه کیشو راؤ وکیل مرسله مرد سلیم الطبع رائے چیله رام متصدی
سرکار نواب منیر الملک بهادر امرت راؤ وغیره متصدیان دفتر استیفا مادهو سنگھه رام متصدی
دار منصبداران و ظاهر مرد دانا و راه و رسم درست لیکن سبک مزاج - فقط

تا اینوقت هرچه کیفیت موجوده بود حواله قلم یادگار رقم نمودم که بمطالعش یادگارم
باقی باشد و کیفیت طبقات آینده هرکه ماند آنها داند -